

نبرد خلق

ویژه مطالعه روی کامپیوتر و تلفن دستی

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

شماره ۳۱۵ - جمعه ۱ مهر ۱۳۹۰ (۲۳ سپتامبر ۲۰۱۱)

سر دبیر: زینت میرهاشمی

هیات دبیران: منصور امان، جعفر پویه، لیلا جدیدی، زینت میرهاشمی

هیات تحریریه: لیلا جدیدی، منصور امان، زینت میرهاشمی، آناهیتا اردوان، جعفر پویه، مهدی سامع

در این شماره می خوانید:

* سرمقاله: منصور امان

نقطه عزیمت بر خورد به نمایش انتخابات، شرایط عینی است ص ۲

* اقتصادی: جعفر پویه

اختلاس و دزدی، واقعیت رژیم فاسد ولایت فقیه: ص ۶

* کارگری: زینت میرهاشمی

اختلاس میلیاردی حاکمان و افزایش فقر برای کارگران و مزدبگیران ص ۱۲

* جهان در آینه مرور - لیلا جدیدی

سازماندهی جنبشهای عصر جدید پس از جنگ سرد (۱۵) ص ۱۸

* بهار عرب: آناهیتا اردوان، مریم رجوی، منصور امان

_ گفتگو با سمیر امین در باره انقلاب مصر ص ۲۵

_ حمایت از مراجعه به ملل متحد برای به رسمیت شناختن کشور فلسطین ص ۲۸

_ اتحاد جمهوری اسلامی و اسراییل علیه کشور فلسطین ص ۲۹

* یادداشت سیاسی: مهدی سامع

آن سَبوِ بَشکست ص ۳۰

* زنان در مسیر رهایی: آناهیتا اردوان ص ۳۳

* رویدادهای هنری شهریور ماه: لیلا جدیدی ص ۳۷

* حقوق بشر: ملل متحد ساکنان اشرف را به طور رسمی پناهجو می شناسد ص ۴۳

* بیانیه سی امین سالگرد تأسیس شورای ملی مقاومت ایران ص ۴۶

* فراسوی خبر: منصور امان، جعفر پویه، لیلا جدیدی ۶۱

* شهدای فدایی، مهر ماه ص ۶۵

نقطه عزیمت بر خورد به نمایش انتخابات، شرایط عینی است

منصور امان

هر گاه به جنجالی ترین و پُر سروصدا ترین موضوع سیاسی روز در جمهوری اسلامی یعنی، انتخابات مجلس نظری افکنده شود و گفته های گوناگون نقش آفرینان در آن شنیده شود، چنین می نماید که گویی عقربه زمان به عقب بازگشته و حکومت و جناحهای تشکیل دهنده آن به گونه مُعجزه آسایی به شرایط پیش از خرداد ۸۸ پرتاب شده اند. گرایشهای سه گانه باند ولایت با حرارت روی پیشخوان "انتخابات مجلس نهم" مشغول کشیدن و پس زدن سهمیه هستند و باند "اصلاح طلب" با همین درجه ی تب، در حال شرط گذاری و بازار گرم گنی گرد شرکت یا عدم شرکت می باشد.

اما برای اثبات این حقیقت که بازی سنواتی "نظام" این بار تحت قواعد به کلی متفاوتی که خیزشهای ۸۸ آن را تحمیل کرده برگزار می شود و مدیران و بازیگران آن تعیین کننده تاثیر و نتایج عملی اش نیستند، نیازی به تحلیل شرایط عینی از نگاه مخالفان نیست؛ قانع کننده ترین شواهد و دلایل را خود آنها ارایه می کنند. *

تهدید امنیتی

روز ۹ شهریور، رهبر جمهوری اسلامی، فضایی که بر پستوهای خصوصی بیت او حاکم است را روی صحنه همگانی به نمایش گذاشت. او انتخابات پیش رو را یک "چالش امنیتی" ارزیابی کرد و هشدار داد: "نباید اجازه داد که این چیزی که ذخیره امنیت است، پشتوانه امنیت است، به امنیت ما صدمه وارد کند." آیت الله خامنه ای بهتر از هر کس دیگری بر هزینه دار بودن این سُخنان آگاه است. دستگاه تبلیغاتی تحت اداره او، به طور روانه هزینه های سیاسی و مالی کلانی را صرف تکذیب وجود شرایطی می کند که وی تصویر کرده است. تحت رهبری او، آرکستر پایوران نظامی و امنیتی "نظام" جُز برای وارونه نوازی موقعیت واقعی "بالا و" پایین" ساز دیگری به دست نگرفته و اینک اعتراف می کند که نُت به گونه دیگری نوشته شده و تمام مُدت خارج می زده است.

در حالی که "نظام" در عمل از ثبات سیاسی فرسنگها فاصله دارد، نمایش در دست داشتن کُنترل اوضاع، تنها دریچه ای است که اقتدار آن را به جامعه مُنتقل می کند. همه ی لاف و گزافه های تبلیغاتی، تروریسم خیابانی و دستگیریهای گروهی با هدف خُنثی ساختن قهری جامعه و دور نگه داشتن آن از دژ بی دفاع حکومت صورت گرفته و حال آقای خامنه ای پرده را کنار زده و پشت صحنه نمایش، جایی که او و همدستانش وحشت زده به اطراف می نگرند و بین بندهای دستور کار خویش تلو تلو می خورند را برای "دُشمنان" آشکار ساخته است.

هر گاه به ساز و کاری که رژیم جمهوری اسلامی برای تقسیم گُرسیهای نهادهای انتخابی فراهم آورده نگاهی افکنده شود، درک دلایل نگرانی رهبر جمهوری اسلامی از انتخابات آتی مجلس اندکی دُشوار خواهد شد. در شرایط نبود احزاب و تشکلهای مُستقل یا حتی نیمه دولتی، میدان انتخابات فقط پهنه دست و پنجه نرم کردن "خودی" ها می تواند باشد. یک فیلتر جلو تر، شورای نگهبان حریفان را انتخاب و دستچین می کند و

سر آخر، برگزارکنندگان و ناظران انتخابات، آخرین نگرانیهایی که ممکن است پیرامون همگون نبودن نتیجه در صحنه عمل وجود داشته باشد را با رقم سازی و در بدترین حالت، با برگه نویسی برطرف می سازند. بنابراین، تا آنجا که به فرم برمی گردد، شرایط یاد شده نه تنها نمی تواند "تهدید" انگاشته شود، بلکه همچون دوره های گذشته، می بایست یک "فرصت" بی همتای دیگر باشد که حکومت با استفاده از آن، پروسه ی خلع ید از جامعه را یک گام دیگر به جلو برده، مناسبات درونی خود را تنظیم می کند و ژستی مفیدی هم به سمت خارج می گیرد.

بنابراین، ریشه وحشتی که - نه فقط - آقای خامنه ای به زبان آورده، در نقطه عمیق تری خانه دارد؛ جایی که از دسترس ترفندهای بوروکراتیک و سازو کارهای قهری حکومت خارج و اراده مجردش بر آن بی تاثیر است.

حرکات اجتماعی

در ماه گذشته (شهریور) چند رشته حرکات کوچک و بزرگ اعتراضی، موقعیت حقیقی جامعه را با مثالهای تازه ای مستند کرد. اعتراضی که علیه یک فاجعه زیست محیطی در ارومیه شکل گرفت، استعداد آن را داشت که با شتابی سرگیجه آور برای حکومت، به رشته ای از تظاهرات و خیزشها در سراسر آذربایجان تبدیل شود. واکنش خشن و افسارگسیخته حکومت، مضمون حرکات توده ای با هر انگیزه و خاستگاه و جایگاهی که این یا آن اعتراض مشخص در کادر یک رویارویی فراگیر تر می یابد را حتی برای نزدیک ترین محافل قدرت یا پیرامون آن مشاهده پذیر کرد.

پیشتر، حکومت با همین میزان از سراسیمگی، نیروهای خود را برای جنگ با تجمعی بسیج کرده بود که جوانان از طریق شبکه های اجتماعی زیر تیتراژ "آب بازی" سازماندهی کرده بودند و اندکی بعد نوبت یک حرکت خودسامان دیگر بر "بام تهران" بود که نیروهای ضد شورش را از پادگان بیرون بکشد تا از حکومت در برابر "فانوسها" حفاظت کنند. آنچه که در نگاه اول در برخورد قدرت حاکم با تجمعهایی بدون جهت گیری مستقیم سیاسی خودنمایی می کند، نداشتن اعتماد به نفس آن است. رژیم "آب بازی" را به چالش گرفتن اقتدار خود و خطری برای نظم سیاسی به حساب می آورد و این بهترین نشانه از احساس امنیت و پندار تنگ نشستن بر زین نیست. اندکی عمیق تر، آنگاه که به علت وجود این ارزیابی پرداخته شود، روشن می گردد که حکومت به ژستی کنشهای اجتماعی جداگانه را همچون قطعات یک پازل پیچیده تر می انگارد که در کنار یکدیگر تصویری از پایان آن را شکل می دهند.

در یک شرایط عادی، ارتباط و تاثیر متقابل حرکات توده ای حداکثر در سطح جریان خواهد یافت و هرگز به عمق، جایی که اهداف مشترک تولید می شود و آماج جداگانه بر یکدیگر منطبق می گردد، راه نمی برد. اما هر گاه همین جنبشهای کوچک یا بزرگ در بطن یک بحران گسترده تر شکل بگیرند، از آن تاثیر می پذیرند و خود بر آن تاثیر می گذارند. در این شرایط، مضمون جدال نیز خصلتی عمومی خواهد یافت که به ویژه از جانب نیروی زیر ضرب به طور افراطی باز تولید می شود.

خیزشهای ۸۸، بحران در مناسبات "بالا" و "پایین" را به ویژه به دلیل طرح خواسته ها و شعارهایی که نیاز نیروهای شکل دهنده آن را بازتاب می داد اما از گنجایش نظم محدود حاکم فراتر می رفت، به یک موقعیت اجتماعی فراز داد. نه فقط تداوم مبارزه در "پایین" چه به شکل حرکات گوناگون و مقطعی و چه در هیات خودآگاهی ذهنیت اجتماعی بلکه، واکنش حکومت و آماده باش دائمی آن، از تثبیت بحران مزبور به عنوان شرایط عینی خبر می دهد.

در همین رابطه، می باید به یک نکته مهم در چگونگی شکل گیری خیزش آذربایجان توجه کرد. تیر شروع اعتراضها زمانی شلیک شد که ارگان قانونگذاری حکومت با خودداری از پرداختن به مساله خشک شدن دریاچه ارومیه، در عمل به مرگ آن حکم داد. شکل گیری یک جبهه گسترده توده ای در برابر این تصمیم، در حقیقت محدود ساختن دایره تصمیم گیری و اعمال اراده مستقیم حکومت در دایره اختیاراتی است که برای خود دست و پا کرده و قایل به آن است. خیزش آذربایجان، رابطه یکجانبه و ساده بین اعمال اراده از مجراهای اعمال قدرت (قانونی یا غیرقانونی) و حوزه تاثیر یابنده از آن را به چالش گرفت و نقش مداخله گرانه "پایین" به مثابه یک فاکتور تاثیر گذار را به پارامترهای محاسبه ی بالاترین دستگاههای اداری تحمیل کرد. وجود نیروی اجتماعی فشار که تصمیمهای گرفته شده از فراز سر خود و علیه نیازها و منافع اش را بر نمی تابد و برای تغییر یا الغای آن فعال می شود، نمودی از استمرار موقعیت قُطب بندی شده ای است که در خرداد ۸۸ در پی برنتابیدن یک تصمیم دیگر "نظام"، با ورود نیروی اجتماعی به قلمرو اقتدار آن شکل گرفت.

تصمیم کلان برگزاری انتخابات، در حالی که مطالبات گرد انتخابات پیشین، نیروی محرک قُطب بندی موجود را تشکیل داده و قدرت حاکم قادر به ایجاد و تثبیت وضعیت و آرایش جدیدی نگردیده، دروازه کلانی است که مسیر ورود تضادها و چالشهای فعال و نیمه فعال به حوزه عمل را هموار می سازد. راه رژیم ولایت فقیه به این مقصد، از گردهماییهای پراکنده ولی پُرشمار نیروی فشار اجتماعی در برابر مجلس مَلاها تا مداخله اتوریته شکن توده ها در ارومیه و تبریز نشانه گذاری شده است.

جدالهای درونی

هر گاه بحران حاضر برای اعلام موجودیت و تشریح ویژگیهای خود به سخنگوی تمام وقت نیاز می داشت، واجد شرایط تر از حکومت نمی توانست بیابد. نیمه ی آشکار "تهدید امنیتی" آقای خامنه ای، زبانه کشیدن شعله درگیریهایی در دستگاه قدرت است که او یک طرف اصلی آن را تشکیل می دهد. نیازی به گفتن نیست که "ولی فقیه مطلقه" از دست دادن اُتوریته بر شُرکا و کاهش جایگاه خود به طرف عادی مُشاجره و کشمکش را مدیون کدام تغییر توازن است.

گماشتگان یاغی شده او در فراکسیون نظامی-امنیتی دولت، باور ندارند که ولی فقیه و "اصل ولایت فقیه" بتواند از ضربه سهمگینی که از "قشر خاکستری" دریافت کرده، بهبودی حاصل کند و از سوی دیگر، متحدان او در فراکسیون راست سنتی با همین ارزیابی در پی گرفتن امتیاز و تصرف زمین بیشتر زیر "خیمه نظام" برآمده اند.

همه ی تلاش آقای خامنه ای برای بستن شکاف در دستگاه قدرت به گونه ای که حریفان را به نواله ای راضی و خود دیگ را سر بکشد، به شکست انجامیده است. نمایش انتخابات مجلس نهم آخرین فرصت او برای تثبیت موقعیت خود از طریق اثبات توانایی در سامان دادن به تقسیم ناعادلانه سهم مدعیان است. این حقیقت که "رهبر" حتی در این شرایط ویژه و حساس نیز نمی تواند اراده خود را به شُرکایش تحمیل کند، همه چیز را در باره بحران نظم سیاسی بیان می کند.

این بدان معنا نیست که آقای خامنه ای توان و اهرمهایی که در اختیار دارد را در این جهت به کار نینداخته، برعکس تراژدی او آن است که تمام وزن خویش را در کفه ترازو گذاشته و با این وجود قادر به تکان دادن هیچ وزنه ای نشده است.

طرح "گمپته سه نفره" او برای تحمیل "وحدت اصولگرایان" از بالا، با مقاومت راست سنتی ناکام ماند و به همین صورت، تلاش برای اعمال اُتوریتته بر گزینه ای که گرایش مزبور زیر عنوان "گروه ۷+۸" تشکیل داده بود، به شکست انجامید. آقای خامنه ای از این زمان به بعد ناچار بود با کارت باز بازی کند و به سمت آنچه که نتوانسته بود با واسطه برسد، به گونه مُستقیم حرکت کند. "جبهه پایداری انقلاب اسلامی" ابزار تشکیلاتی این سیاست می توانست باشد؛ نقشه ای که بی درنگ او را زیر ضرب برد. در این میان برای کاستن از فشار بر خود، "علامه" خانه زاد، آقای مصباح یزدی مجبور به گردن گرفتن مسوولیت ابتکار مزبور شده است تا نشان داده شود که چگونه "رهبر نظام"، سر نخ را گم کرده و در دالان بی مشروعیتی اجتماعی و شکست اُتوریتته سیاسی، زیگزاگ وار هر طرف را جُستجو می کند.

مُستقل از پروسه ویرانگر روی صحنه بُردن "انتخابات"، ابهام پیرامون پذیرش نتیجه آن از سوی دسته بندیها و گرایشهای گوناگون در باند قُدرت نیز وجود دارد. شواهد اطمینان بخشی در دست نیست که نشان دهد یک خط کشی بوروکراتیک قادر است مسایل حل نشده در جنگ منافع کنونی را از روی میز "نظام" بربود.

درآمد

شاقول تعیین خط مشی و تاکتیک در برخورد به اصلی ترین مسایلی که روی میز جامعه ایران قرار گرفته و در راس آن استبداد مذهبی، نمایش انتخابات مجلس نهم نیست. تلاشی باند حاکم و جنگ عُریان نیروهای آن علیه یکدیگر، شکست حُکومت در سرکوب مُطالبات توده ها و شرایط تحوُل یافته بین المللی پس از "بهار عربی"، اینها مُشخصه هایی است که شرایط عینی را شکل داده است. راه حلی که به واقع در پی تغییر وضع موجود باشد، نمی تواند این شرایط را نُقطه عزیمت برنامه عمل خود قرار ندهد و وظایفی که از آن ناشی می شود را به رسمیت نشناسد.

* پیرامون کانونهای بُحران و تاثیر آنها بر "انتخابات"، در سرمقاله نبرد خلق، شماره ۳۱۳ مُرداد ماه ۹۰، توضیح داده شد. بنابراین در اینجا می توان ژرفش بُحران در برخی از محورهای برشمرده در نوشته مزبور را بررسی و به عوامل مُشخصی که اعلام علنی انتخابات به مثابه فاکتور تهدید کننده ثبات و بقای "نظام" را اجتناب ناپذیر ساخته است، اشاره کرد.

آدرسهای سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

در شبکه جهانی اینترنت

نشریه نبرد خلق، اخبار و فراسوی خبر، رادیو پیشگام، تحلیل مسائل

روز، دیدگاهها و رویدادهای روز ایران و جهان

www.iran-nabard.com

www.jonge-khabar.com

www.radiopishgam.com

www.fadaian.org

اقتصادی.....

اختلاس و دزدی، واقعیت رژیم فاسد ولایت فقیه

جعفر پویه

اختلاس سه هزار میلیاردی در سیستم بانکی رژیم جمهوری اسلامی یکی از بزرگترین کلاه برداریها در تاریخ کشور است. رقم این اختلاس به اندازه ای است که به هیچ وجه نمی شود گوشه ای از آن را پوشاند. دست درازی عواملی از نزدیکان پایوران رژیم به ثروت ملی مردم ایران تازگی ندارد، اما چگونه است که هر از چندی اختلاسی بزرگ کشف می شود و پس از مدتی سر و صدا و بگير و ببند، موضوع فیصله پیدا می کند و خبری از آن نیست؟

رژیم جمهوری اسلامی رژیمی استبدادی- مذهبی است. این رژیم تحت سیطره فردی قرار دارد که با نام ولی فقیه، همه قدرت را در خود جمع کرده است. نه تنها شخص ولی فقیه بلکه، کلیه تشکیلات و ارگانها و نهادهایی که وابسته به اوست، تحت نظارت و یا بازرسی هیچ نهادی قرار ندارد. ولی فقیه خودکامه و مجموعه دم و دستگاه سیاسی و اقتصادی وابسته به بیت او به هیچ نهاد و کسی پاسخگو نیست. بدیهی است که چنین دستگاهی ظرفیت هرگونه اعمال غیر قانونی و دراز دستی دارد، بدون این که پروای از پرده برون افتادن آن را داشته باشد و یا خود را ملزم به پاسخگویی بداند. در گذشته رادیو تلویزیون و دستگاه تبلیغاتی و بوق دروغ پراکنی آن تحت مدیریت علی لاریجانی باعث سر و صدای بسیاری شد و بسیاری در مورد درآمدهای بی حساب این دستگاه از محل تبلیغات نوشتند و خواستار حسابرسی از آن شدند، اما قدرت مطلقه خامنه ای مانع این کار شد و کسی نتوانست از حساب و کتاب علی لاریجانی در صدا و سیمای آخوندی سر در آورد. بنیادهای مالی و کارتلهای اقتصادی زیر مجموعه او نیز همچنين، تا کنون میرا از هرگونه حسابرسی و پاسخگویی بوده اند.

دلالی بسیاری از فرزندان آیت الله ها که به "آقازاده" معروف هستند و دراز دستی آنان در سیستم مالی کشور، از کارچاق کنی تا دریافت رشوه از شرکتهای نفتی و فروش اموال دولتی با زد و بندهای پشت پرده، بر بسیاری هویدا و آشکار است. از پرده برون افتادن بعضی از این دزدیها و رشوه گیریها موجب نشد تا این گونه اعمال تقبیح گردد و آنان دست از اعمال خود بردارند. کار به جایی رسید که محمود احمدی نژاد در تبلیغات انتخاباتی یکراست به سراغ فرزندان رفسنجانی و ناطق نوری رفت و دست داشتن آنان در بعضی از این موارد را سکوی پرش خود برای رسیدن به کرسی ریاست جمهوری قرار داد.

اما اختلاس در سیستم بانکی در سالهای حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی یکی از راههای آسان به دست آوردن پولهای کلان و یک شبه ره صد ساله رفتن است. فاضل خداداد با همدستی مرتضا رفیق دوست، برادر محسن رفیق دوست، یکی از پایوران وقت رژیم، ۱۲۳ میلیارد تومان از سیستم بانکی اختلاس کرد. رو شدن دست او به دلیل کشمکشهای داخلی باندهای رژیم اتفاق افتاد. خداداد به چوبه دار سپرده شد و مرتضا رفیق دوست، برادر محسن رفیق دوست، از بنیان گذاران سپاه پاسداران و رییس بنگاههای اقتصادی و سیاسی مختلف رژیم محکوم به زندان شد که بنا به گفته شاهدان، مسوولیت تامین مایحتاج زندان اوین را به عهده او گذاشتند تا این گونه به بیرون رفت و آمد کند و کارهای اقتصادی خود را سر و سامان دهد. پس از این اتفاق محسن رفیق دوست به محاق رفت و کمتر نامی از او در محافل سیاسی و اقتصادی رژیم به میان می آید.

پس از مدتی بار دیگر نام چهره ای جوان و نا آشنا، شهرام جزایری دهان به دهان می چرخد و در ارتباط با اختلاس گری بزرگ به مطبوعات راه پیدا می کند. مشخص می شود که او نه تنها سیستم بانکی کشور را ملک طلق می دانسته، بلکه با پرداخت رشوه به مجلس نشینان آخوندی، توسط آنان قانون به نفع خود تصویب می کرده است. این چهره آشنا برای اکثر دست اندرکاران رژیم، حداقل یکبار هر کدام از آنان را ملاقات کرده و مبلغی با بیش از هفت صفر به آنها هدیه داده است. دستگیری و محاکمه شهرام جزایری، محاکمه یک اختلاس گر نبود، تسویه حسابهای درونی رژیم پای او را به قوه قضاییه، این بار با عنوان متهم باز کرد و بعد از مدتی هياهو، سر و صداها خوابید. حسابهای داخلی باندهای مافیایی تسویه شد و شهرام جزایری زندان نشین و فراموش شد.

اما این بار محمود احمدی نژاد که از روز اول جیب خود را نشان می داد و تهدید می کرد که لیست مفسدان اقتصادی را در آن دارد و در آینده افشا خواهد کرد، خود در کوزه افتاد. فرد برکشیده رهبر به مسند ریاست جمهوری با قهر خود در برابر ولی فقیه برای او شاخ شانه کشید. پس از آن نیز با جریان سازی و چالشگری روبروی او ایستاد. این پادوی چموش رهبر باید به گونه ای سرجای خود نشانده می شد. کشف بزرگترین اختلاس همه تاریخ کشور در دولت احمدی نژاد از آن اتفاقاتی است که بعید می نماید او بتواند از زیر بار آن سالم بیرون آید. "جریان انحرافی" نامی است که طرفداران رهبر و ولی فقیه رژیم به اطرافیان او داده اند. ساکت کردن این اطرافیان با اِشرافی که به کار کرد سیستم رژیم جمهوری اسلامی دارند، آسان نخواهد بود. اینان که از سکوی نهادهای امنیتی و نظامی به این موقعیت پریده اند، به زوایای پنهان کار به خوبی آگاهی دارند و از هر موقعیتی به خوبی بهره برداری می کنند. تبلیغات گسترده انحرافی و دستگیری بعضی از افراد نزدیک به احمدی نژاد با مَحْمِلِ سوواستفاده اقتصادی نتوانست کار این گروه را بسازد. بنابراین باید به دنبال یک موضوع بزرگتر و دهن پرکن تری می گشتند. اینست که به ناگاه موضوع اختلاس سه هزار میلیاردی توسط وزارت اطلاعات به مطبوعات کشیده می شود و اندک اندک سر و کله کسانی که درگیر این ماجرا هستند، پیدا می شود. هنوز موضوع در ابتدای راه خود قرار دارد و معلوم نیست چه کسانی باید در این چاله بزرگ دفن شوند، اما آنچه از هم اکنون می توان گفت اینست که هدف از سر و صدای انجام گرفته نه ترمیم سیستم اقتصادی و قطع دست دزدان و چپاولگران بلکه، تسویه حسابهای داخلی باندهای قدرت است.

رژیم جمهوری اسلامی از ابتدای بنیانگذاری با تهدید و ارعاب شهروندان کار خود را به پیش برده است. این ارعاب در همه سطوح جامعه، شهروندان و مردم عادی را تسخیر کرده و تبدیل به پادوی عوامل قدرت می کند. هر آخوندی برای خود دستگاه داغ و درفش راه انداخته و با به کارگیری عده ای پاسدار و راه اندازی بسیج، از این نیروهای در خدمت خود، برای ارعاب استفاده می کند. شهروند متمرّد توسط این تشکیلات که بیشتر از بین اوباشان و لمپینها عضوگیری شده اند، به سختی گوشمالی داده می شود. کار این باندهای سیاه تا جایی است که به راحتی دست به قتل و جنایت می زنند، بدون این که نگران پیگرد باشند. این است که یک کارمند سیستم بانکی با اولین تهدید، به خدمت عمده قدرت در می آید و آنان توسط او دست به اعمالی می زنند که در صورت برملا شدن، بیش از همه پای این کارمندان دون پایه گیر دستگاه داغ و درفش باشد. همچنین، مزایای ویژه ای که آخوندهای حکومتی برای فرزندان خود قایل هستند، کل سیستم را به ملک خصوصی آنان بدل کرده است. اینان با دستی باز به دزدی و ارتشا مشغولند و با کلاهبرداری بخش عظیمی از ثروت ملی را به یغما می برند.

سالهاست که نهادهای ناظر بین المللی به ویژه سازمان شفافیت بین المللی، رژیم ایران را یکی از فاسدترینها در جهان معرفی می کنند. این فساد همگانی شده در سیستم حکومتی به اندازه ای است که هر کس که

دست اش به کاری بند است، بدون دریافت رشوه تحت نام "پول چایی" یا نامهای دیگر حاضر به انجام کاری که به عهده او گذاشته شده، نیست. این سیستم فاسد که سرپای رژیم را شامل می شود، تا بدانجایی است که هر شهروندی می داند برای انجام کاری در یکی از ارگانها یا نهادهای دولتی باید چه مبلغی را هزینه کند تا کارش انجام شود.

همچنین، صندوقهای قرض الحسنه که به ظاهر توسط عده ای پولدار برای ارایه وامهای کوچک بدون بهره به افراد نیازمند ایجاد شده، یکی از امکاناتی است که درآمدهای ناشی از همدستی با باندهای بین المللی قاچاق مواد مخدر و اسلحه را "سفید" می کند. مراکز مالی مزبور پولهای کثیف را وارد شبکه پولی کشور کرده و پس از شستشو با دریافت حق الزحمه به صاحبان آنها باز می گردانند. به این اضافه کنید حق ترانزیت مواد مخدري که از افغانستان وارد ایران شده و به کشورهای دیگر فرستاده می شود.

فساد سیستم اداری و بوروکراسی رژیم اگر برای شهروندان سد می سازد و بدون رشوه کاری برای آنان انجام نمی دهد، در عوض بهشتی است برای اختلاس گران و غارت گران ثروت ملی مردم ایران. مدتهاست که سر و صدای بانکها در آمده است که بعضی از افراد که از آنها وام دریافت کرده اند، با قدری پولهای دریافتی را باز پس نمی دهند. به این دلیل بعضی از بانکها تا سرحد ورشکستگی برده شده اند. دولت احمدی نژاد با فشار و دستور، نرخ بهره بانکی را پایین می آورد، این کار باعث می شود تا افرادی از باندهای مالی وابسته به پایوران و جناحهای حکومتی وامهای کلانی از سیستم بانکی با بهره بسیار پایین دریافت کنند در حالی که نرخ تورم بسیار بالاتر از این نرخ بهره قرار دارد. اگر این پول حتما در شبکه دلالتی رژیم کار هم نکنند، سود دریافت کنندگان، مبلغی بسیار بالاتر از بهره ای خواهد بود که توسط بانکها پرداخت می شود، در حالی که اینان نه تنها بهره ای به بانکها پرداخت نمی کنند، بلکه اصل پول را هم بالا کشیده و به سیستم بانکی باز نمی گردانند. در چنین حالتی افرادی در این سیستم به شدت فاسد دست به کلاهبرداریهای نجومی می زنند.

فردی که منابع رژیم او را "امیر منصور آریا" یا "امیر منصور خسروی" معرفی می کنند، با در اختیار گرفتن یک شعبه بانک صادرات در اهواز اقدام به صدور ال سیهای میلیاردی برای خود می کند. او با زیرکی این ال سیها را به سیستم بانک صادرات وارد نمی کند اما آنها را به قیمت پایین تری به بانکهای دیگر می فروشد. فروش این کاغذ پاره ها در بانکهای دیگر به علت اشتباهی زیاد بانکها برای سود، چشم آنان را کور می کند و پیگیر موضوع نمی شوند. منصور آریان یا خسروی با این شیوه سرمایه کلانی بهم می زند و در اندک زمانی به یکی از بزرگ سرمایه داران کشور تبدیل می شود. او ۳۸ کارخانه، چند شرکت سرمایه گذاری و مشاوره و بازرگانی به نام خود ثبت می کند؛ تصمیم او برای راه اندازی بانکی خصوصی در نیمه راه بود که کارش به مشکل برخورد می کند.

با همه این اوصاف اولین پرسشی که مطرح می شود این است که مگر هیچ نهاد نظارتی در این کشور وجود ندارد که فردی گمنام در مدت زمانی کوتاه به بزرگ سرمایه داری تبدیل می شود که درخواست بانک خصوصی می دهد. یا همین فرد پنجاه و نیم درصد کارخانه فولاد خوزستان را درجا و نقد می خرد و یکی هم از او نمی پرسد که وجه چنین معامله ای را از کجا آورده ای؟! جالب است که برای معامله کارخانه فولاد، مشایبی، دست راست احمدی نژاد توصیه ای برای او خطاب به شمس الدین حسینی، وزیر اقتصاد و حمید بهبهانی، وزیر وقت راه و ترابری مبنی بر موافقت احمدی نژاد با خرید پنجاه و نیم درصدی کارخانه فولاد خوزستان نوشته تا در واگذاری کارخانه به او تسریع شود.

همین سند یکی از اسنادی است که وابستگی دفتر احمدی نژاد به این اختلاس را نمایان می کند؛ هرچند او مدعی است که این اتهامی بیش نیست و دستهایی پس پرده برای او و نزدیکانش پاپوش دوخته اند.

سوواستفاده از اصل ۴۴ قانون اساسی رژیم تحت نام خصوصی سازی کار را بدانجا رسانده است که بسیاری آن را اصل اختصاصی سازی می نامند نه خصوصی سازی. با این همه، فروش اموال دولتی به نزدیکان پاپوران رژیم ادامه دارد و بعضی از کارخانه ها و املاک به ثمن بخش به آنان واگذار می شود. محمدرضا خباز، عضو کمیسیون اقتصادی مجلس آخوندها درباره "امیرمنصور خسروی"، گفته است: "وی ۲۳۰ هکتار زمین در کیش و صدها هکتار زمین در اطراف کاشانک به قیمت متری ۱۶ ریال می گیرد، یعنی قیمت هر متر زمین ۱۶ ریال بوده که با این مبلغ حتی خاک نیز به چشم انسان نمی ریزند."

در ظاهر امر باندهای قدرت رژیم از یکدیگر پیشی می گیرند و هرکس افشای این اختلاس را کار خود می نامد. این درحالی است که محمود احمدی نژاد می گوید: "دولت و بانک مرکزی، وزارت اقتصاد و مسوولان اطلاعاتی دولت متوجه موضوع اختلاس شده و آن را شناسایی کردند و سر و صدایش را در نیابردند تا این افراد را شناسایی و اموال شان را ضبط کنند."

این که دولت می خواهد بدون سر و صدا اموال اختلاس کنندگانی که به ظاهر شناسایی شده اند را ضبط کند یک طرف و بی عملی آنها در برابر امر اتفاق افتاده طرف دیگر کار را به جایی رسانده که دولت مدعی مبارزه با مفسدان اقتصادی خود به بزرگترین مفسد تا کنونی تاریخ ایران تبدیل شده است. مدتها قبل گروهها و جریانهایی سر و صدایی به راه انداختند که یکی از نزدیکان احمدی نژاد در یکی از ماجراهای اقتصادی دست دارد. فرد مزبور، رحیمی مورد توجه احمدی نژاد و رییس مرکز مبارزه با مفساد اقتصادی است. خامنه ای نیز گماشته خود را در مسند ریاست جمهوری حمایت می کند، حکم حکومتی صادر می کند و رحیمی را از پیگرد در امان می دارد. خود احمدی نژاد در سالهایی که شهردار تهران بود، در ماجرای مالی درگیر بود. ۳۷۰ میلیارد تومان در شهرداری تهران گم شد و هرگز مشخص نشد ماجرای این پول به کجا کشیده شد و تکلیف پرونده آن چه شد. اما اکنون که رژیم نیازمند یک جراحی است، رییس قوه قضاییه، صادق لاریجانی که به جز دستور "رهبر" هرگز از خود اختیاری ندارد، محسنی اژه ای را مامور کرده است تا به این پرونده نظارت کند. محسنی اژه ای پیش از داستانی کل کشور که شغل کنونی اوست، وزیر اطلاعات رژیم بود. او از جمله کسانی است که در مواقع ضروری به دستور اشباح پشت صحنه وارد کارزار می شود تا هر پرونده ای را به نفع راس قدرت فیصله دهد. هر تصمیمی که اژه ای در این پرونده بگیرد، هیچ ربطی به اجرای عدالت یا تعیین تکلیف اختلاس و یا بازگرداندن اموال غارت شده به صندوق دولت ندارد، بلکه او دستورات مقامات بالاتر را اجرا می کند و پرونده را به نفع آنان سر و سامان خواهد داد. کار قوه قضاییه در چشم بعضی از جریانهای داخلی رژیم نیز قابل قبول نیست. آنان قوه قضاییه را به کم کاری یا کاهلی و بی تفاوتی متهم می کنند. احمد توکلی، نماینده اصولگرای مجلس آخوندها از کوتاهی دستگاه قضایی در رسیدگی به پرونده فساد مالی نزدیکان رییس جمهور انتقاد می کند و می گوید: "اگر به این مشکلات رسیدگی می شد، امروز شاهد اختلاس سه هزار میلیارد تومانی در دستگاه بانکی کشور نبودیم."

اما توکلی به خوبی می داند عدم پیگیری قوه قضاییه به دستور خامنه ای است و توقف رسیدگی به این گونه پرونده ها از کانال او اتفاق می افتد. حال چرا او خود را به جهالت می زند امر دیگری است.

همزمان با ماموریت اژه ای، مجلس آخوندها روز یکشنبه ۲۷ شهریور جلسه غیر علنی تشکیل می دهد. در این جلسه ابعادی از این اختلاس رو می شود. در جلسه مزبور وزیر اقتصاد، شمس الدین حسینی و محمود بهمنی، رییس کل بانک مرکزی اعلام کردند که افراد مظنون در این اختلاس شناسایی و بعضا بازداشت شده اند. پس از این لاف و گزاف گوییهای دولتیها، محسن اژه ای بر می آشوبد و می گوید: "باعث تاسف است که برخی افراد به جای این که برای فساد بزرگی که صورت گرفته است، از مردم عذرخواهی کنند و بگویند

چه زمینه‌ای بوده که موجب این مساله شده است و در معرفی افراد خاطی و ارایه اسناد به قوه قضاییه کمک کنند، به فرافکنی اقدام و در مصاحبه‌هایشان ادعا می‌کنند که همه مضمونان را شناسایی کرده‌اند." در این جلسه همچنین مصطفی پورمحمدی، رییس سازمان بازرسی کل کشور رژیم شرکت داشت که می‌گوید: "مجموعه عملکرد اختلاس گران در سه بانک تات، گردشگری و آریا نشانگر این است که آنها مورد حمایت دفتر رییس جمهور بوده‌اند."

همچنین محمدرضا تابش، رییس فراکسیون اقلیت مجلس آخوندی در گفت‌وگو با روزنامه اعتماد با اشاره به برخی جزییات سخنان مصطفی پورمحمدی گفته است: "موارد مشابهی نظیر اختلاس سه هزار میلیارد تومانی وجود دارد، ولی چون گفته‌اند سخنی نگوییم، از بیان آنها صرف‌نظر می‌کنم. شبیه به تخلف سه هزار میلیارد تومانی باز هم وجود دارد، اما عزمی برای رسیدگی به آنها وجود ندارد."

اما محمود بهمنی، رییس کل بانک مرکزی اوضاع را از این هم بدتر می‌داند و در این جلسه به دفاع از سیستم بانکی کشور پرداخته و گفته است: "ممکن است تخلفاتی هم وجود داشته باشد، اما با توجه به حجم منابع، تعداد کارکنان و تعداد واحدهای فعال، نسبت تخلفات در سیستم بانکی بسیار پایین‌تر از بسیاری دستگاه‌های دیگر است."

حال باید حدس زد کدام یک از دستگاه‌های کشور در فساد غرق است که اختلاس سه هزار میلیارد تومانی در مقابل آن چیز قابل توجهی نیست. به عنوان نمونه می‌شود به گفته عبدالرضا رحمانی فضلی، رییس دیوان محاسبات کشور اشاره کرد که می‌گوید: "۱۲ میلیارد و ۱۰۰ میلیون دلار از درآمدهای مازاد فروش نفت در سال گذشته عملاً گم شده است و هیچ اثری از آن نیست."

او ادامه می‌دهد: "این مبلغ نه به خزانه داری واریز شده، نه به حساب ذخیره ارزی و نه در بودجه سالانه کشور منظور شده است."

عنایت دارید؟ اختلاس آقای منصور خسروی چیزی حدود سه میلیارد دلار است، در حالی که یک رقم از گمشده‌های وزارت نفت بیش از ۱۲ میلیارد دلار است. حال چند رقم گمشده دیگر وجود دارد که از آن حرفی به میان نمی‌آید را باید از آقای پور محمدی، رییس سازمان بازرسی کل کشور پرسید که سفارش کرده کسی در این باره چیزی نگوید.

اینان در مجلس آخوندها جمع شده‌اند و به دنبال تشکیل کمیته حقیقت یاب هستند تا چه کنند؟ چه حقیقتی را کشف کنند؟ آن چیزهایی که به تابش توصیه شده تا حرفی از آنها به میان نیاورد را؟

بیهوده نیست که محمد رضا تابش، رییس فراکسیون اصلاح طلبان مجلس آخوندها به روزنامه اعتماد می‌گوید: "به عقیده بنده مطرح شدن این تخلف در شرایط فعلی کشور، انحراف افکار عمومی از بسیاری از وقایع پشت پرده است و به جرات می‌توان گفت پشت صحنه این قضیه بر متن غلبه دارد. اگر عزم جزم اصلاح امور شد و نه فقط رسیدگی این اختلاس بزرگ یا به عبارتی محدودیتها رفع شد، به منتقدان اجازه اظهار نظر داده شد و مجلس و قوه قضاییه کارکرد طبیعی خود را به دست آوردند، در آن صورت می‌توان به تکرار نشدن تخلفات بزرگی از این دست امیدوار بود در غیر این صورت این تخلف موضوعی حاشیه‌ای و تسویه حساب‌های درونی است."

جان کلام را تابش در اظهارات خود بیان کرده است. پر بدیهی است که خامنه‌ای و دارو دسته او محدودیتها را کم که نه بلکه، اضافه هم خواهند کرد، نه تنها امکان اظهار نظر به منتقدان داده نخواهد شد بلکه، سرکوب و بگیر و ببند هر روز بیشتر می‌شود. به گفته هم‌ریشان او در مجلس، این نهاد به شعبه‌ای از دفتر خامنه‌ای تبدیل شده است. علی لاریجانی، رییس مجلس خود می‌گوید که اگر قانونی در مجلس تصویب شد و خامنه

ای از آن رضایت نداشته باشد، آنرا ملغی خواهد کرد. حال او چه انتظاری از این مجموعه دارد؟ بنابراین باید همان بخش آخر گفته ایشان را پذیرفت که این پرونده اختلاس، موضوعی حاشیه ای است و تسویه حساب باندهای درونی رژیم است که باید مد نظر قرار گیرد. و گر نه اگر قرار باشد که در شهر مست گیرند، باید هر آنچه هست گیرند. در این صورت چیزی از اساس رژیم دزدان و دغلبازان باقی نخواهد ماند.

پس از جلسه غیر علنی مجلس، علی لاریجانی می گوید به شکایت نمایندگان از رییس جمهور رسیدگی خواهد شد. علی مطهری دیگر نماینده مجلس تهدید می کند در صورتی که سووال از رییس جمهور در دستور مجلس قرار نگیرد، استعفا خواهد داد. درگیری مجلس و دولت بار دیگر خود را در این پرونده باز می نمایند و این بار مجلسیها و در راس آنها علی لاریجانی سعی دارد بیشتر بهره برداری را از این موقعیت بکند. هرچند نمایندگانی همچون کوچک زاده تلاش دارند تا با دفاع از دولت احمدی نژاد در برابر این موج ایستادگی کنند، اما تا کنون تنها افراد نزدیک به احمدی نژاد متهم به همکاری با اختلاس گران شده اند و به دلیل حمایت همه جانبه خامنه ای در گذشته از او، تا کنون سعی شده تا احمدی نژاد را از این ماجرا کنار نگه دارند. اما چه کسی است که نداند در سفره چرمینی که اژه ای برای گردن زدن پهن کرده است، اسامی اطرافیان احمدی نژاد یکی یکی در لیست قرار می گیرد. در این باره که آیا احمدی نژاد نیز در این چاه سرازیر خواهد شد یا نه، هنوز نمی شود نظر قطعی داد. اما در این ماجرا می رود تا عمر باندی از باندهای قدرت رژیم ولایت فقیه بسر آید.

اختلاس سه هزار میلیارد تومانی حاصل سیستم تا مغز استخوان فاسد رژیم جمهوری اسلامی است. این رژیم و همه اجزا آن فاسد است. ولی فقیه آن با حکم حکومتی جلو بررسی قوه قضاییه در پرونده اختلاس را می گیرد و دست همه پایوران آن آلوده به دزدی و چپاول ثروت ملی مردم ایران است. قتل و جنایت، زندان و شکنجه، تجاوز و گله های اوباش خیابانی برای افزودن به عمر رژیمی است که یکی از افتخارات آن به ثبت رساندن بزرگترین اختلاس تمام تاریخ یک کشور کهن است.

دو DVD در یک بسته

۱- فیلم کامل یادمان چهلمین سالگرد رستاخیز سیاهکل در گُرن - آلمان،

۲- چهلمین سالگرد حماسه سیاهکل در تلویزیونهای آسوسات، سیمای آزادی و تیشک

مجموعه این دو DVD ۹ ساعت است

بها: ۱۰ یورو یا ۱۵ دلار به اضافه ۲ یورو یا ۳ دلار برای هزینه پست

برای دریافت این بسته با آدرس زیر تماس بگیرید

nabarad@iran-nabard.com

کارگران و مزدبگیران.....

اختلاس میلیاردي حاکمان و افزایش فقر برای کارگران و مزدبگیران

زینت میرهاشمی

در فراسوی پیش آمدهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در شهریور ماه، با رویدادهایی چون افزایش فشار، آزار و زندان برای فعالان کارگری و افزایش فقر و تنگدستی در میان کارگران و مزدبگیران مواجه بودیم. همچنین تبلیغ بستنی با روکشی از پودر طلا به بهای ۴۰۰ هزار تومان و اختلاس میلیاردي در شبکه حکومتی را شاهد بودیم.

طبل رسوایی اختلاس افسانه ای ۱۴ رقمی با عبور از لجنزار فساد مالی حکومتی به سطح کشیده شد و بخش کوچکی از فعالیتهای اقتصادی پایوران ام القرای اسلامی بر ملا شد. بر اساس خبرهای منتشر شده، مه آفرید امیر خسروی خریدار ماشین پژو ۵۰۴ احمدی نژاد، مهره اصلی این اختلاس میلیاردي است.

جبهه اتحاد حکومتی اگر چه پایداری خود را در وحدت در برابر سرکوب فعالان کارگری و مزدبگیران و نقض حقوق بشر نشان داد، اما در برابر اختلاس میلیاردي حکومتی یا به زبان «خودیها» دزدی «بی سابقه» در حیات رژیم ولایت فقیه، این جبهه ترک برداشت. با توجه به خطر جنبشهای برانداز مردمی و بحران عدم مشروعیت، بالاکشیدن این حجم از ثروت مردمی توسط باندی از حکومت نمی تواند تنها در هزار توی حکومت و توسط ولی فقیه حل و فصل شود. اگر باندهای حکومتی در سرکوب مخالفان خود بازو در بازو می توانند قدرتمند عمل کنند اما نابرابری در تقسیم چپاول ثروت مردمی و بر هم زدن تعادل وزن جیبها، موضوعی است که به چالش جدی در بین این جبهه تبدیل می شود. به ویژه در این رویارویی باندها، باند احمدی نژاد نورچشمی ولی فقیه در مسند ریاست جمهوری، در مظان اتهام است.

اما فقط باند احمدی نژاد در مظان اتهام قرار ندارد. وبگاه ابصار نیوز از مدافعان دولت احمدی نژاد، به نقل از رجانویز ۳۰ شهریور نوشت: «ناطق نوری اختلاس ۳ هزار میلیارد تومانی بانک صادرات را معادل بهای حدود ۳۰ میلیون بشکه نفت و ۳۰ کیلومتر اسکناس ۱۰ هزار تومانی برآورد کرد.» جهت اطلاع، ناطق نوری پدر همسر محمد جهرمی مدیر عامل بانک صادرات است. مدیر بانک صادرات از نزدیکیان احمدی نژاد است.

باند احمدی نژاد کشف این اختلاس را کار خود دانست. معاون گماشته ولی فقیه در مقام ریاست «ستاد مبارزه با مفساد اقتصادی» با تهدید طرف مقابل گفت: «عه ای نمی گذارند» که میزان وامهای دریافتی از بانکها و گیرندگان آن مشخص شود. وی «دانه درشتها» را تهدید به افشاگری کرد. در حالی که این دانه های درشت زیر بال و پر او از رانتهای حکومتی بهره مند هستند.

روز چهارشنبه ۲۳ شهریور، تارنمای اینترنتی «دولت ما»، نزدیک به باند احمدی نژاد در رابطه با این اختلاس، پاسدار حسین شریعتمداری، نماینده ولی فقیه در کیهان را به «تلاش برای آزاد سازی متهم اختلاس و لاپوشالی ماجرا» متهم کرد. حامیان ولی فقیه تیم احمدی نژاد را در این رابطه متهم می کنند. تیتراهای منعکس شده در روزنامه های حکومتی روز یکشنبه ۲۷ شهریور پیرامون این موضوع، درهم ریختگی و فساد در سیستم حکومتی را نشان می دهد که در راس آن ولی فقیه قرار دارد.

روزنامه قدس نوشت «اختلاس بزرگ، در جلسه غیر علنی مجلس چه گذشت؟» جهان صنعت از قول توکلی نوشت: «خودکشی پیشکش، استعفا دهید».

با دستگیری ۱۹ نفر در رابطه با این پرونده، شاید روزهای آینده شاهد دادگاه نمایشی همراه با سناریوهای دستگاه وزارت اطلاعات باشیم. به خوبی روشن است که چپاول مالی در این ابعاد نمی تواند بدون ارتباط با راس هرم قدرت صورت گرفته باشد. افشای اسکله های قاچاق وابسته سپاه پاسداران به وسیله احمدی نژاد، گوشه ای از دزدی اموال مردم توسط نورچشمیهای ولی فقیه را نشان داد.

رئیس کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس در گفتگو با ایلنا یکشنبه ۲۷ شهریور، اشاره ای به دزدیهای دولت در رابطه با گرفتن شهریه در مدارس دولتی نمود. این کارگزار حکومتی گفت: «گزارشهای رسیده به ما حاکی از آن است که درآمد برخی مدارس دولتی از دریافت مبالغ غیر قانونی از اولیای دانش آموزان در حد میلیاردی است که به خزانه هم ریخته نمی شود.»

وعده های پوشالی گماشته ولی فقیه برای بردن پول نفت بر سر سفره مردم با پُر شدن جیب مفتخواران حکومتی تحقق پیدا کرد. افزایش کودکان کار، فقر و تنگدستی، عدم پرداخت حقوق مزدبگیران و کارگران از جمله عدالت حکومت ولایت فقیه است.

جمهوری اسلامی از یک طرف در خدمت به نئولیبرالیسم و اجرای فرمان نهادهای مالی بین المللی، البته تا جایی که فقط به منافع حاکمیت گره می خورد کوتاهی به خرج نداده و از طرف دیگر با زیر پا گذاشتن پیمانهای بین المللی مانع ایجاد تشکیلات مستقل کارگری می شود.

به بند کشیدن فعالان کارگری و سندیکایی عملی غیر انسانی و ضد حقوق بشر است. این سرکوبگری، مانعی در برابر رشد جنبش کارگری، شکل گیری سندیکاها و تشکلهای مستقل کارگری ایجاد می کند. علاوه بر حکمهای سنگین زندان، اخراج از کار، تداوم فشار، اذیت و آزار بر خانواده از جمله هزینه های سنگینی است که در رژیم ولایت فقیه برای ابتدایی ترین حقوق زندگی عادلانه از جمله حق کار، امنیت کار، برخورداری از مزدی عادلانه و آزادی تشکلهای صنفی، پرداخت می شود. در فقدان تشکلهای مستقل کارگری، اعتراضهای کارگری که شمار آنها قابل توجه است، در پراکندگی و ناپیوستگی در برابر یورش سرمایه داران به حقوقشان، به ناچار برای حفظ وضع موجود صورت می گیرد. تهاجم، تعرض و تحدید کارگران به سیاست تدافعی، از راهکارهای غیر انسانی جمهوری اسلامی است که در برابر نیروهای کار اعمال می شود.

برخی از مهمترین حرکتهای اعتراضی کارگران و مزدبگیران در شهریور ۱۳۹۰

کارگران شرکت پیمانکار کیسون، طرف قرارداد با متروی اهواز به دلیل عدم پرداخت ۷ ماه حقوق خود از روز شنبه ۵ شهریور دست از کار کشیدند. تعداد کارگران شرکت کننده در این حرکت اعتراضی ۴۰۰ تن می باشد. به گزارش ایلنا، این اعتصاب روز یکشنبه ۶ شهریور در محل دپو جنب فرودگاه اهواز ادامه یافت. کارگران متروی اهواز، عدم دریافت فیش حقوقی، مغایر بودن لیست بیمه با میزان حقوق دریافتی، به روز نبودن قراردادها، عدم امکان استفاده از ساعات استراحت بین کار، اعمال نشدن اضافه حقوق و تبعیض بین کارگران بومی و غیربومی را از تخلفات پیمانکار خود (شرکت کیسون) عنوان کردند.

بر اساس خبر ارسالی به کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری، بیش از ۲۰۰ نفر از کارگران کارخانه ی کاغذ پارس به دلیل عدم پرداخت چند ماهه ی دستمزد صبح روز دوشنبه ۷ شهریور ماه تجمع اعتراضی ای مقابل فرمانداری شهرستان شوش در خوزستان برپا کردند.

کارخانه ی کاغذ سازی پارس که مواد اولیه ی خود (تفاله ی نیشکر) را از کارخانه ی نیشکر هفت تپه تامین می کند، در سالهای قبل بیش از ۳۰۰۰ کارگر رسمی و قراردادی داشته است که اکثر آنها رسمی بوده اند و اکنون به دلیل «تعدیل نیرو» کمتر از ۷۰۰ کارگر در آن مشغول به کار هستند.

روز سه شنبه ۸ شهریور، کارگران شرکتی شهرداری ارومیه در مقابل شهرداری تجمع کردند. علت اعتراض کارگران، بیکار سازی و عدم پرداخت بدهیها از سوی شهرداری ارومیه است.

شهردار ارومیه ضمن تایید تجمعات اعتراضی کارگران در این رابطه به خبرنگار ایسنا گفت؛ شرکت جدیدی که برنده مناقصه شهرداری شده است، تمایلی به استفاده از نیروهای شرکت قبلی نداشت که این موضوع اعتراض کارگران طرف قرارداد شرکت پیشین را در پی داشت.

اعتصاب کارگران متروی اهواز که از روز شنبه ۵ شهریور آغاز شده بود، در روز چهارشنبه ۹ شهریور نیز ادامه یافت.

به گزارش ایسنا، کارگران پروژه قطار شهری اهواز به دلیل تاخیر هفت ماهه در پرداخت حقوق، دست از کار کشیدند و کارگاههای متروی اهواز را تعطیل کردند

به گزارش اتحادیه مستقل کارگری شمال خوزستان، بیکاران شهرستان اندیمشک در روز چهارشنبه ۹ شهریور در مقابل اداره کار این شهر تجمع کردند. تجمع کنندگان عنوان کردند؛ ما بیکاران به واسطه بیبکاری از همه حقوق اجتماعی و شهروندی محروم شده ایم.

کارگران سد مخزنی ژاوه واقع در استان کردستان از روز چهارشنبه ۹ شهریور در محل کارشان دست به اعتصاب زدند.

به گزارش سایت موکریان، مطالبات کارگران معترض عدم پرداخت ۶ ماه حقوق و دستمزد ماهیانه خود و پرداخت کامل حقوق و مزایای معوقه عنوان شده است.

معلمان حق التدریسی در ادامه اعتراضات خود در روز جمعه ۱۱ شهریور برای چندمین روز در مقابل معاونت منابع انسانی ریاست جمهوری دست به تحصن زدند. این گروه از معلمان پیش از این بارها در برابر مجلس و دفتر ریاست جمهوری دست به تحصن و اعتراض زده بودند که اعتراضشان راه به جایی نبرده بود.

یکی از تحصن کنندگان در گفت و گو با خبرنگار ایسنا گفت؛ نزدیک به ۲۷ هزار نفر از نیروهای حق التدریسی آموزش و پرورش در اعتراض به اخراج از محل کار خود و همچنین مخدوش بودن آزمون پذیرش این نیروها که در ۳ تیر سال جاری برگزار شد، در اینجا حضور پیدا کردند تا بتوانند با معاون منابع انسانی رئیس جمهور دیدار کنند. وی افزود؛ در حال حاضر ما چند روز است که در تهران حضور داریم و هر روز در برابر یکی از نهادهای دولتی حضور پیدا می کنیم و شبها برای خواب به مرقد امام می رویم که هر بار برخورد نامناسبی با ما صورت می گیرد و برخی مسئولان و نمایندگان به ما می گویند که ما بی سواد هستیم.

روز دوشنبه ۱۴ شهریور، کارگران سد مخزنی ژاوه واقع در استان کردستان در محل کارشان دست به اعتصاب زدند. بنا به خبر رسیده به آژانس خبری موکریان، مطالبات کارگران معترض که در اعتراض به عدم پرداخت ۶ ماه حقوق و دستمزد ماهیانه خود از روز نهم شهریور ماه دست به اعتصاب زده اند پرداخت کامل حقوق و مزایای معوقه عنوان شده است.

روز دوشنبه ۱۴ شهریور، کارگران کارخانه ذوب فلزات ابهر در اعتراض به عدم دریافت حقوق خود طی دو سال گذشته مقابل استانداری زنجان تجمع کردند. به گزارش فارس تجمع کنندگان اظهار کردند، کارگران کارخانه ذوب فلزات ابهر همه مراحل قانونی را طی کرده و نتیجه قابل محسوسی دریافت نشده است، چرا که مرتب به کارگران وعده حل مشکل داده می‌شود.

روز دوشنبه ۱۴ شهریور، کارگران بخشهای مختلف تولیدی در شرکت قطعات توربین شهریار در اعتراض به دستمزدهای معوقه خود دست به اعتصاب و اعتراض زدند. به گزارش سایت پیام، کارگران اعتصابی با تجمع در مقابل مسجد کارخانه خواستار گفتگو با کارفرما شده بودند. با وجود گذشت ۲ ساعت از برپایی اعتراض و تجمع در این کارخانه کارفرما از رویارویی با کارگران خودداری ورزیده بود، اما در نتیجه ادامه اعتصاب کارفرما مجبور شد تا به خواست کارگران گردن نهاده و بخشی از دستمزدهای معوقه آنان را پرداخت کند. این چندمین بار است که کارگران این کارخانه، که حدود ۳۰۰ نفر هستند برای مطالبات خود دست به اعتصاب و تجمع اعتراضی می‌زنند.

به دنبال تعطیلی کارخانه آرد و نشاسته یاسوج، کارگران این واحد تولیدی تجمع اعتراضی در رابطه با وضعیت شان برپا داشتند. خبرگزاری دولتی فارس در روز سه شنبه ۱۵ شهریور طی گزارشی نوشت؛ کارخانه آرد و نشاسته قبلاً یک واحد بسیار فعال بوده ولی به دلیل این که سیستم و تجهیزات آن به‌روز نشده اکنون مستهلک شده و قادر به پرداخت مطالبات کارگران خود نیست.

صبح روز چهارشنبه ۱۶ شهریور گروهی از کارگران ایران خودرو دیزل در برابر ساختمان دیوان عدالت اداری تجمع کردند.

به گزارش سایت تابناک، این تجمع به نمایندگی از ۱۰ هزار کارگر ایران خودرو دیزل و در اعتراض به صدور احکامی از سوی دیوان عدالت اداری برای شرکت ایران خودرو دیزل است که آسیب آن به جای مدیرانی که در گذشته مرتکب اشتباه یا تخلف شده‌اند، دامن کارگرانی را می‌گیرد که هم اکنون در حال خدمت‌رسانی در خطوط تولید هستند.

در پی اعتصاب جمعی از کارگران رسمی و قراردادی شرکت آهنگری تراکتورسازی تبریز، تعدادی از کارگران توسط نیروهای امنیتی بازداشت و با اتهامات سنگینی روبه‌رو شدند.

به گزارش روز چهارشنبه ۱۶ شهریور هرانا، حدود دو هفته پیش کارگران رسمی و قراردادی شرکت آهنگری تراکتورسازی تبریز، در اعتراض به وضعیت اقتصادی خانواده‌های خود و عدم دریافت چندین ماه حقوق، دست از کار کشیده و اعتصاب کردند.

در پی این اعتصاب، نیروهای امنیتی - اطلاعاتی وارد کارخانه شده و عده‌ای از معترضان را با برخوردی بسیار نامناسب دستگیر نموده و به اداره اطلاعات تبریز انتقال دادند.

کارگران بازداشتی در حین بازجویی با اتهامات سنگینی چون «فعالیت‌های ضد نظام»، «اقدام علیه امنیت ملی»، «حمایت از سوی بیگانگان»، «اختلال در امنیت ملی»، «توهین به مقدسات نظام» و... مواجه شدند. هم چنین پیرو وارد آوردن فشارهای روحی و جسمی بر بازداشت شدگان، ماموران اقدام به کوتاه کردن موی سر آنها به طرز بسیار تحقیر آمیزی نمودند. گفتنی است که بازداشت شدگان پس از سه روز بازداشت در سلولهای انفرادی، تا زمان تشکیل دادگاه به طور موقت و به قید وثیقه آزاد شدند.

لازم به یادآوریست که حدود ۸۰۰ تن از کارگران شرکت آهنگری تراکتور سازی تبریز برای احقاق خواسته‌هایی نظیر پرداخت به موقع حق بیمه کارگران، محسوب کردن شرایط سخت و زیان آور هنگام بازنشستگی، اضافه کردن مدت قرارداد کارگران و کارکنان قراردادی شرکت، پرداخت بهره وری‌های معوقه، پرداخت کامل حقوق در پایان هر ماه در اواسط مرداد سال جاری دست به اعتصاب زده بودند.

روز شنبه ۱۹ شهریور جمعی از کارگران مجتمع گوشت فارس واقع در مرودشت در مقابل استانداری و اداره جهاد کشاورزی شیراز دست به تجمع اعتراضی زدند. کارگران معترض با در دست داشتن پلاکاردهایی خواستار مطالبات و حقوقهای معوقه خود شدند.

دو هفته از اعتصاب کارگران متروی اهواز گذشت. به گزارش روز بکشنبه ۲۰ شهریور اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران ایران، پیش شرط اولیه کارگران اعتصابی متروی اهواز دریافت حداقل ۵ ماه دستمزدشان است. این در حالیست که مدیران شرکت کیسون (پیمانکار پروژه متروی اهواز) بدلیل اختلافی که با کارفرما (سازمان قطار شهری اهواز) در زمینه مالی دارند به این خواسته برحق کارگران تن در نمی دهند و دستمزد کارگران را پرداخت نمی کنند.

مدیران قطارشهری اهواز و شرکت کیسون کماکان ادعاهایشان را تکرار میکنند و این کارگران و خانواده هایشان هستند که بدلیل عدم دریافت ۶ ماه حقوقشان تحت فشار کمرشکن اقتصادی قرار دارند. کارفرما و پیمانکار را در این میان ملالی نیست و به خیمه شب بازیشان ادامه می دهند.

کارگران شهرداری جزیره قشم روزهای دوشنبه ۲۱ و سه شنبه ۲۲ شهریورماه در اعتراض به عدم دریافت ۴ ماه دستمزدهای معوقه خود، دست به اعتصاب زدند.

به گزارش سایت پیام، کارگران اعتصابی شهرداری جزیره قشم با تجمع در مقابل فرمانداری این جزیره خواستار دریافت دستمزدهای معوقه خود شدند، اما مقامات رژیم هیچ اقدامی در این خصوص انجام ندادند.

گزارش رسیده از ایرانشهر گویای آن است که بیش از صد تن از کارگران نساجی بافت بلوچ در ادامه اعتراضهای خود مبنی بر عدم پرداخت مطالبات شان، روز دوشنبه صبح ۲۱ شهریور درخانه امام جمعه اهل سنت ایرانشهر تجمع اعتراضی برپا کردند. قابل توجه اینکه ۵۴۰ تن از کارگران نساجی بافت بلوچ ۹ سال است که حقوق بازنشستگی خود را دریافت نکرده و در شرایط سخت معیشتی قرار دارند.

کارگران سد مخزنی ژاوه واقع در استان کردستان به دلیل عدم پرداخت ۶ ماه حقوق از طرف کارفرما و در اعتراض به این امر از تاریخ ۹ شهریور اعتصاب خود را شروع کرده و تاکنون به اعتصاب خود ادامه داده‌اند. بر اساس گزارش روز پنجشنبه ۲۴ شهریور سایت کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری، در پی این اعتصاب، کارفرما به آن‌ها قول پرداخت ۱ ماه حقوق‌شان را داده است اما کارگران پرداخت تمامی مطالبات خود را خواستار شده و اعلام کرده اند تا زمان دریافت تمام مطالبات به اعتصاب ادامه خواهند داد.

روز پنجشنبه ۲۴ شهریور، پس از گذشت ۱۹ روز از اعتصاب کارگران متروی اهواز و گم شدن خواست ابتدایی کارگران یعنی پرداخت دستمزدشان در میان اختلافات مالی کارگران پروژه قطار شهری اهواز از ۲۰ روز پیش به دلیل تاخیر در پرداخت حقوق، دست به اعتصاب زده‌اند. به گزارش ایسنا، کارگران پروژه متروی اهواز از روز شنبه ۵ شهریور، دست از کار کشیدند و علت آن را تاخیر ۶ ماهه در پرداخت حقوق عنوان کرده‌اند.

روز شنبه ۲۶ شهریور، کارگران مجتمع گوشت فارس در مقابل دفتر امام جمعه شیراز تجمع اعتراضی برپا کردند. به گزارش سایت ایران کارگر، کارگران معترض خواهان بازنشسته شدن کارگران واجد شرایط بازنشستگی، احقاق حقوق معوقه کارگران این شرکت و همچنین راه اندازی شرکت و برگشت به کار بودند. کارگران با دادن شعار مطالبات خود را در مقابل دفتر امام جمعه مطرح کردند اما پس از آن که هیچ پاسخ و واکنشی از جانب امام جمعه شیراز نگرفته بودند، به سمت استانداری فارس حرکت کردند و سپس با سر دادن شعارهایی در مقابل استانداری فارس، مطالبات خود را پیگیری شدند.

روز یکشنبه ۲۷ شهریور، شرکت حفاری و اکتشاف انرژی گستر پارس (پدکس)، ۷۵ نفر از کارگران خود را که در اعتراض به عدم دریافت حقوق معوقه خود دست به اعتراض زده بودند، از کار اخراج کرد. به گزارش هرانا این کارگران بعد از ۷ روز اعتصاب توسط کارفرما اخراج شدند. شرکت حفاری و اکتشاف انرژی گستر پارس، پدکس (Pedex)، سازندهٔ دکلهای نفتی، که در سال ۱۳۶۰ تاسیس شد، از شرکتهای حفاری «خصوصی» وابسته به بنیاد مستضعفان است.

روز یکشنبه ۲۷ شهریور، کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری اعلام کرد؛ هزاران کارگر شرکت واحد اتوبوسرانی با امضای طوماری خطاب به وزیر کار رژیم اعتراض و مخالفت خود را نسبت به اصلاحیه قانون کار اعلام کردند. متن اصلاحیه قانون کار توسط وزارت کار جمهوری اسلامی در ۷۴ ماده تدوین شده و قرار است در مجلس شورای اسلامی تصویب شود.

سرکوب، آزار، پرونده سازی، دستگیری، شکنجه و محاکمه فعالان

کارگری در ایران را به شدت محکوم می کنیم.

جهان در آینه مرور.....

سازماندهی جنبشهای عصر جدید پس از جنگ سرد (۱۵)

لیلا جدیدی

- سوسیال دمکراسی اروپا، متعهد به برنامه های نو-لیبرالیسم

- پیرامون اعتراضات مردم یونان، ایتالیا، اسپانیا و بریتانیا

- شکست ناپذیران مصری

- نتانیاهو بین دو سنگ آسیاب

سوسیال دمکراسی اروپا، متعهد به برنامه های نو-لیبرالیسم

در سالهای گذشته، نو-لیبرالیسم به تدریج حکومتهای سوسیال دمکرات را به پیروی از سیاستهای اقتصادی خود کشانده است. از دهه ۸۰ تا کنون، آمریکای شمالی و کشورهای اروپای غربی سیاستهای نو-لیبرال را دنبال کرده اند. همزمان، کشورهای پیرامونی از آمریکای لاتین گرفته تا آفریقا، آسیا و اروپای شرقی تحت فشار غرب به ویژه ایالات متحده آمریکا و نهادهای مالی همچون صندوق بین المللی پول و بانک جهانی، تحت برنامه های همچون "تعدیل ساختاری" و "رפורم اقتصادی" به سازش با شرایط اقتصاد نو-لیبرالیستی کشانده شده اند.

سوسیال دمکراسی بین سالهای ۱۹۴۵ تا ۱۹۶۰ ایدیولوژی و جنبشی را نمایندگی می کرد که دفاع از تقسیم منابع دولتی میان اکثریت مردم وجه مشخصه آن بود. این جنبش، توسعه سطح آموزش و بهداشت و همچنین برنامه های حمایتی از "مزد نگیران" مانند کودکان و کهن سالان و کاهش بیکاری را در برنامه خود داشت. سوسیال دمکراسی که "اصلاح سرمایه داری" را مد نظر داشت، قول آینده بهتر برای نسل بعدی را می داد. "امانوئل والراستاین"، جامعه شناس آمریکایی و تحلیلگر سیستم جهانی در این باره می گوید، سوسیال دمکراسی در اروپای غربی، بریتانیا، استرالیا، نیوزلند و کانادا و حتی در آمریکای شمالی -در واقع در کشورهای ثروتمند- بسیار قدرتمند بود. وی اشاره می کند که این ایده به قدری پیش رفت که حتی راست میانه نیز تا حدودی ایده دولت رفاه را می پذیرفت. دیگر کشورها هم سعی می کردند با نام "توسعه ملی"، سوار این واگن شوند. "والراستاین" علت موفقیت و پیشرفت سوسیال دموکراسی را در دو ویژگی این دوران توصیف می کند: "نخست، توسعه اقتصاد جهانی که منابع لازم را برای توزیع مجدد ممکن می ساخت و سپس، هژمونی ایالات متحده آمریکا در سیستم جهانی که ثبات نسبی در سیستم جهانی را تضمین می کرد."

وی می افزاید: "اما این تصویر به ظاهر زیبا پایدار نبود، زیرا اقتصاد جهانی توسعه نیافت و وارد رکودی طولانی شد. قدرت هژمونیک آمریکا نیز به تدریج کاهش یافت، به طوری که در قرن ۲۱ این واقعیتها شتاب گرفتند. در همین حال یک ایدیولوژی راست تر به نام نو-لیبرالیسم که تکیه بر دولتها را به تکیه بر بازار منتقل می کرد، جایگزین شد. این ایده با جهانی سازی و تاکید بر این که "گزینه دیگری وجود ندارد"، پیش رفت. به نظر می رسد برنامه های نو-لیبرالیستی به وعده "رشد" با تکیه بر بازار سهام وفا می کرد، اما این امر همراه با بدهیهای کلان، بیکاری و کاهش درآمد اکثریت مردم جهان بود. بیشتر احزاب چپ میانه، سوسیال

دمکراتهایی بودند که به این سمت متمایل شدند. آنها از دولت رفاه حمایت نکردند و به این نتیجه رسیدند که نقش دولت رفاه باید کاهش پیدا کند."

بحث "والراستاین" را در زمانی دیگر پی می گیریم، تمرکز این نوشتار بر رویدادهای اخیر در کشورهای اروپای غربی است که چگونه سرمایه داری نو-لیبرال دهها سال تلاش در جهت پیشرفتهای اجتماعی را به عقب برگردانده است. با تن دادن سوسیال دمکراسی اروپا به برنامه های نو-لیبرال، نابرابری اقتصادی به میزانی باورنکردنی افزایش یافته است. کارگران و زحمتکشان جهان به سوی فقر بیشتر سوق داده شده اند. در ماههای گذشته تظاهرات گسترده ای که در کشورهای اروپایی به ویژه در ایتالیا، اسپانیا، یونان و بریتانیا علیه سیاستهای ریاضت اقتصادی شکل گرفته، پایان سوسیال دمکراسی و تسلیم آن به تهدید بانکهای اروپایی را نشان می دهد.

"الکساندر کاکبرن"، یک روزنامه نگار سرشناس چپ در این باره می گوید: "چند میخ دیگر لازم است تا تابوت سوسیال دمکراسی بسته شود؟ احزاب سوسیال دمکرات وقتی گرد و خاک جدی بر پا شده، همواره جانب سرمایه داری را گرفته اند. در سال ۱۹۱۴ لنین می دید احزاب سوسیال دمکرات پرنسیب با ارزش همبستگی بین المللی طبقه کارگر را کنار می گذارند و زیر پرچم دولت خودی، صف آرای می کنند. نتیجه آن که میلیونها نفر از طبقه کارگر برای تجهیز ارتش سربازگیری شدند و جنگ جهانی اول پیش برده شد، امروز، یک قرن بعد، اگر او شرایط کنونی را می دید، بی تردید شگفت زده نمی شد.

پیرامون اعتراضات مردم یونان، ایتالیا، اسپانیا و بریتانیا

*دور تازه اعتراضها در یونان



روز شنبه ۱۰ سپتامبر تظاهرات بزرگی علیه سیاستهای ریاضتی که از سوی بانکهای اروپایی و دولت سوسیال دمکرات "پازوک" بر مردم این کشور تحمیل شده، برگزار گردید. این تظاهرات از سوی دو اتحادیه بزرگ به نامهای "GSEE" و "ADEDY" که رهبران آن عضو "پازوک" و طرفدار "پاپاندرو" هستند اما به ظاهر مخالف دولت، ترتیب داده شده بود. تظاهرات با ضربات باتوم و گاز اشک آور از سوی پلیس روبرو شد.

هزاران راننده تاکسی که سه روز پیش از آن اعتصاب خود را آغاز کرده بودند، همچنین دندانپزشکان، پزشکان و برخی دیگر از متخصصان، تظاهرات را همراهی کردند. در این روز صاحبان رستورانها نیز در اعتراض به افزایش مالیات تعطیل کردند. هفت هزار پلیس بسیج شده بودند تا نه تنها با اعتصاب کنندگان

بلکه، با دیگر افسار همچون دانشجویان، کارگران خدماتی و طرفداران تیم فوتبال "پراکلیس" که به تظاهرات پیوسته بودند، مقابله کنند. جالب توجه آن که یک روز پیشتر پلیس و ماموران آتش نشانی نیز علیه کاهش دستمزد دست به تظاهرات زده بودند. آنها شعار می دادند: "ما را به سمت فقر سوق ندهید!" معلمان و بسیاری از کارمندان دولتی نیز تهدید به اعتصاب عمومی کرده بودند. اتحادیه "جی اس دی دی" در بیانیه ای گفت: "بانکداران و تاجران بزرگ این بحران را به وجود آوردند، اما ما باید کارمان را از دست بدهیم."

با این حال "پاپاندرو" همچنان بر تعهد خود در اجرای پیش شرطهای اعطای وام به یونان از سوی اتحادیه اروپا و بانک مرکزی و صندوق بین المللی پول تاکید کرد. این وامها به منظور پرداخت بدهی به بانکهای اروپایی اختصاص می یابد و نه تنها صرف کمک به مردم نمی شود، بلکه مشروط به کاهش دستمزد، اخراج شاغلان و افزایش مالیات شده است. در همین زمینه، وزیر دارایی نیز از افزایش بیشتر مالیاتها خبر داد.

دولتهای اروپایی برای اتخاذ تصمیم نهایی در مورد یونان به جنگ لفظی مشغولند. مقامهای آلمانی هراس خود را از این که بدهیهای یونان، پروژه اروپا متحد را یکسره به سر حد انفجار برساند، مخفی نمی کنند. بنا بر گزارش "اشپیگل"، "فیلیپ روسلر"، وزیر اقتصاد و معاون صدر اعظم آلمان روی سناریو اخراج یونان از اروپا کار می کند.

از سوی دیگر، کمیسیونر عالی آلمان در اتحادیه اروپا معتقد است که نیروهای پاسدار صلح باید هنگام اخذ مالیاتی از مردم در یونان حاضر باشند. روزنامه های یونان در سر تیتیر خود از تهدید "رایش چهارم" در اروپا نوشتند و سیاست اقتصادی آلمان را با اشغال یونان توسط هیتلر در جنگ جهانی دوم مقایسه کردند.

"الکساندر کاکبرن" در این باره می گوید: "جورج پاپاندرو" راههای دیگری داشت. او به آسانی می توانست به تهدید بانکهای اروپایی بی اعتنایی کند و به واحد پول ملی کشور خود برگردد و در روابط اقتصادی، حاکمیت کشورش را حفظ کند."

* خشم مردم ایتالیا از بسته ۵۴ میلیارد یورویی ریاضتهای اقتصادی

در ماه سپتامبر و در پی اعلام دولت "سیلویو برلوسکونی" مبنی بر این که که قصد دارد جهت متوازن کردن هزینهها با بودجه این کشور، رهایی از کسری بودجه و کاهش بدهیهای خارجی، مالیاتها را افزایش دهد و همچنین معرفی "قوانین طلایی" به منظور افزودن بر قانون اساسی این کشور، تظاهراتی از سوی اتحادیههای کارگری در اعتراض به



افزایش مالیاتهای مختلف در این کشور برگزار شد.

سرانجام لایحه جدید ریاضتهای اقتصادی به تصویب رسید. میلیونها ایتالیایی از تصویب لایحه ریاضت اقتصادی خشمگین و ناراضی هستند. بسته ۵۴ میلیارد یورویی ریاضتهای اقتصادی، دشواریهای بسیاری را بر مردم این کشور تحمیل خواهد کرد. صفحه اول روزنامه های ایتالیایی در کنار خبر تصویب لایحه مزبور، گزارشهایی را از تظاهرات و درگیری صدها تن در اعتراض به این قانون به چاپ رسانده اند. به گزارش اسوشیتدپرس، صدها تن در خیابانهای رم با پرتاب بمبهای دود زا با پلیس به مقابله پرداختند، مغازه ها به

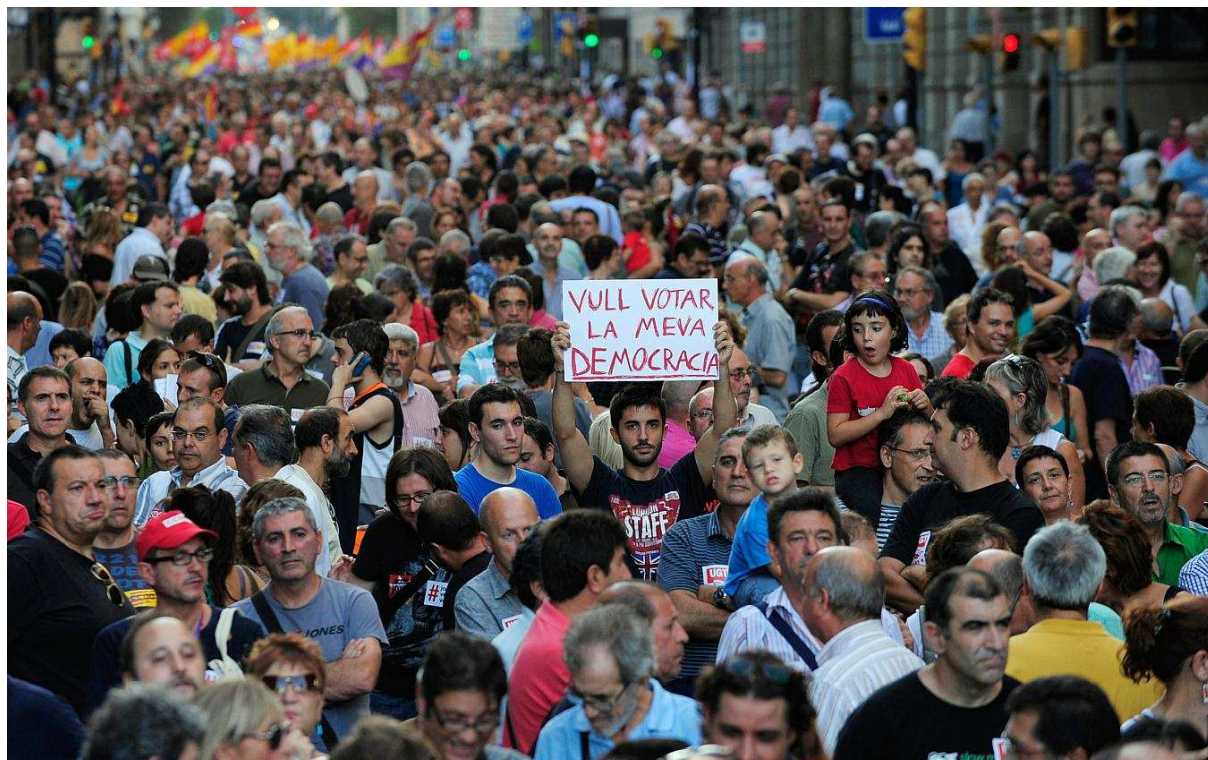
سرعت بستند و این در حالی بود که هلیکوپترها بر فراز مناطق درگیری گشت می زدند. پلیس در مقابل مجلس و همچنین قصر اقامتی "برلوسکونی" برای پراکنده کردن مردم دست به کار بود.

مردم ایتالیا معتقدند در این قانون نکته ای به چشم نمی خورد که به رشد آینده کشور کمک کند.



*اسپانیا، "گروه خشم" گسترش می یابد

هزاران تن از مردم در مادرید، پایتخت اسپانیا علیه برنامه جدید اقتصادی دولت و همچنین افزودن "قوانین طلایی" به قانون اساسی این کشور اعتراض کردند. قوانین طلایی به دولت این کشور اجازه می دهد به منظور کاهش کسری بودجه، مالیات ها را افزایش و بودجه بخشهای دولتی را کاهش دهد.



پارلمان اسپانیا روز دوم سپتامبر با ۳۱۶ رای مثبت به تصویب این طرح رای داده بود. این تظاهرات از محل میدان "پلازا"، جایی که جوانان معترض به سیاستهای ریاضتی دولت از ماه پیش تحصن کرده اند، آغاز شد. جنبش معروف به "گروه خشم اسپانیا" در ماههای اخیر سرچشمه بسیاری از اعتراضهای خیابانی در کشورهایمانند فرانسه، بلژیک و یونان بوده است. قرار است در روز هشتم ماه اکتبر معترضان کشورهای اروپایی به طور مشترک در مقابل پارلمان اروپا دست به تظاهرات بزنند.

"گروه خشم اسپانیا" از ماه ژوئن راهپیمایی خود را آغاز کرد. آنها از طریق پایگاه اینترنتی "تویتر" تعداد بسیاری را عضو کردند. هسته اصلی این گروه نخستین بار در تاریخ ۲۲ ماه می گذشته، پیش از برگزاری

انتخابات منطقه‌ای در اسپانیا و در اعتراض به شکست سیاستهای اقتصادی دولت شکل گرفت. این گروه توانسته است از آغاز شکل‌گیری حمایت بسیاری از شهروندان اسپانیایی را جلب کند.

*یک میلیون کارگر در بریتانیا آماده برای اعتصاب

به نظر می‌رسد در بریتانیا "زمستان سختی" در پیش خواهد بود. در ماه سپتامبر سال جاری بزرگترین اتحادیه‌های کارگری این کشور اعلام کردند که قصد دارند دست به اعتصاب بزنند. این اقدام تهدیدی جدی در برابر هیات حاکمه خواهد بود زیرا دولت بریتانیا در برابر بزرگترین اقدام اعتراضی کارگران و زحمتکشان از اعتصاب عمومی سال ۱۹۲۶ تا کنون قرار گرفته است.

اتحادیه‌های کارگری بریتانیا از جمله اتحادیه کارگری آتش نشانان و اتحادیه‌های کارگری "یونیسون"، "یونایت" و "جی ام بی" درباره نحوه مشارکت در این اعتصاب که احتمالاً در ماه نوامبر خواهد بود، با اعضایشان مشورت می‌کنند. دولت در مخالفت با این اقدام، بهانه "باعث خشم عمومی شدن" را تکرار کرد. "دیو پرنیتیس"، رئیس اتحادیه کارگری "یونیسون" در جریان کنفرانس سالیانه کنگره اتحادیه‌های کارگری بریتانیا ضمن حمایت از اعتصاب عمومی گسترده گفت که او به ۹ هزار کارفرما به طور رسمی اعلام کرده که بیش از یک میلیون نفر از اعضای این اتحادیه خواستار اعتصاب شده‌اند. "پرنیتیس" در سخنرانی‌اش در کنگره اتحادیه‌های کارگری گفت: "این اقدام ما در واقع نوعی رویارویی برای حفظ زندگی مان است."

"گیل کارتمیل"، معاون اتحادیه کارگری "یونایت" هم گفته است: "زمانی که دولت ائتلافی قدرت را به دست گرفت، ما می‌دانستیم که باید برای حفظ زندگی مان بجنگیم. ما می‌دانستیم که این دولت قصد دارد ما را تضعیف کرده و بین ما تفرقه بیندازد."

"برایان استراتون"، از اتحادیه کارگری "جی ام بی" نیز در جریان کنفرانس سالیانه کنگره اتحادیه کارگری گفت: "ما درباره یک روز دست کشیدن از کار و اندکی اعتراض به وضع موجود حرف نمی‌زنیم. ما درباره اعتراضی طولانی‌تر و محکم‌تر سخن می‌گوییم."

شکست ناپذیران مصری



علیرغم کوشش شورای عالی ارتش مصر برای خاموش کردن جنبش مردم، اعتراضها همچنان ادامه دارد. مردم و فعالان مصری با سر دادن شعارهایی همچون "این حرف را به گوش بسپار ارتشبد، انقلاب در میدان تحریر ادامه خواهد داشت"، "طنطاوی همان مبارک است"، اراده خود را برای برقراری دموکراسی و عدالت اجتماعی نشان داده‌اند. از سوی دیگر،

دولت جانشین مبارک که از حمایت آمریکا و اسرائیل برخوردار است، به نظر نمی‌آید قصد این را داشته باشد که قدرتی را که از فداکاریها و مبارزات سخت مردم این کشور و به ویژه فعالان جنبش به دست آورده، به آسانی رها کند.

روز جمعه ۹ سپتامبر، هزاران نفر از فعالان، دانشجویان، کارگران، کشاورزان و دیگر زنان و مردان زحمتکش مصری که گروه گروه در قسمتهای مختلف شهر و در مقابل مراکز دولتی تجمع کرده بودند، به سوی میدان تحریر حرکت کردند. در این تظاهرات گسترده بر انجام سه خواسته فوری تاکید می‌شد: ۱- برقراری

دموکراسی ۲- برگزاری انتخابات ۳- پایان محاکمه غیر نظامیها در دادگاه نظامی. معترضان تاکید می کردند که شمار ارادل و اوباش دوبرابر شده و ارتشبد "محمد حسین طنطاوی"، رئیس شورای عالی نیروهای مسلح مصر هیچ اقدامی نکرده است. به گفته فعالان، بیش از ۳۰ گروه سیاسی پیرامون لیست ۸ گانه مطالبات با هم به توافق رسیده اند.

شایان توجه است که جمهوری اسلامی نیز ادعا کرد که این تظاهرات را "مردم مسلمان مصر" به مناسبت "روز قدس" برگزار کردند. این در حالیست که در این تظاهرات، "اخوان المسلمین" شرکت نکرده و رهبران آن گفتند که زمان مناسبی برای تظاهرات نیست زیرا به برخی از مطالبات دست یافته اند.

در تظاهرات روز جمعه، هزاران تن در شهر "اسکندریه" به خیابانها آمدند و شعار می دادند: "افسران جنایتکار را محاکمه کنید!" در "سوئز"، تظاهرات وسیعی در برابر استانداری برگزار شد که با خشونت پلیس روبرو شد. پلیس با چوب و باتوم به جان مردم افتاد. همچنین، در ماه گذشته اعتصابها در سراسر مصر در جریان بوده است. کارگران خواستار دستمزد بیشتر و پاکسازی کارخانه ها و نهادهای دولتی از مدیران دوران مبارک شدند. هزاران کارگر پست در اعتصاب بسر می برند. کارگران برق، کارگران شرکتهای صنعتی، فارغ التحصیلان رشته حقوق، کارگران اتوموبیل سازی، کارگران شرکت شیمیایی، ماهیگیران و کارگران نساجی دست به اعتصابهای وسیعی زده اند. برخی از کارگران یک جاده اتوبان را بستند و علیه همکاری دولت با شرکت نفت انگلیس به اعتراض دست زدند. ۲۲ هزار کارگر نساجی در شهر "محلا" از روز ۱۰ سپتامبر اعلام اعتصاب عمومی کردند که دولت با دستپاچگی برخی از مطالبات آنها را برآورده کرد و آنان در چنین شرایطی اعتصاب را به تاخیر انداختند. کارگران این شهر تاریخ طولانی در مبارزه مسلحانه و اعتصابات عمومی دارند. اعتراضات آنها در سال ۲۰۰۶ و ۲۰۰۸ در نهایت پشتوانه جنبش در میدان تحریر گردید. بسیاری دیگر از کارگران نیز تهدید به اعتصاب کرده اند. "عصام شرف"، نخست وزیر دولت موقت مصر تاکید کرد، تا زمانی که اعتصابات ادامه دارد به مطالبات کارگران پاسخی داده نخواهد شد، اما کارگران افزوده بر تهدید به اعتصابات بیشتر گفتند تا زمانی که مانند کارگران "محلا" به خواسته های خود دست نیابند، به اعتصاب ادامه خواهند داد.

از دیگر رویدادهای مصر در این حرکت گسترده اعتراضی، حمله به سفارت اسرائیل بود. دانشجویان و افرادی که در برابر دانشگاه قاهره تجمع کرده بودند، در مسیر خود به سمت میدان تحریر به سفارت اسرائیل حمله ور شدند. آنها دیوارهای حفاظتی سفارت را ویران کرده، وارد سفارتخانه شده و اسناد و وسایل آن را بیرون ریختند. سفیر اسرائیل به همراه خانواده و ۸۰ کارمند برای بازگشت به کشور خود به فرودگاه منتقل شدند.

از ماه پیش که نیروهای اسرائیلی شش پلیس مصری را در نزدیکی مرز، در جریان پاسخگویی به حمله مرزی به قتل رساندند، برخشم مردم افزوده شده است. همچنین از زمان برکناری حسنی مبارک، برخی از مردم خواستار لغو پیمان تاریخی صلح با اسرائیل شده اند. بنا به گزارش شاهدان، دیوار بتونی که اطراف سفارت کشیده شده بود، توسط معترضان که می گفتند یادآور دیوار کرانه غربی برای آنها است، خرد شد و مردم با شادی تکه سنگها را به یادگاری بر می داشتند، این فرو ریزی "دیوار برلین" مصر بود. دفتر "بنیامین نتانیاها"، نخست وزیر اسرائیل این حرکت را "نقض آشکار قوانین بین المللی" نامید و با این حال، از دولت مصر به دلیل کمک به فرونشاندن ناآرامی سپاسگزاری کرد. در برابر این اعتراضات، نخست پلیس واکنش نشان نداد اما پس از آن که آمریکا و اسرائیل به دولت مصر هشدار دادند، شبانه به سوی مردم حمله شد. در این برخورد خشونت آمیز ۳ نفر کشته و بیش از هزار نفر زخمی شدند.

در پی رویدادهای "عصام شرف" به دلیل محدودیت اختیارات برای مقابله با معترضان استعفا داد، اما شورای عالی مصر استعفای وی را نپذیرفت. سرانجام، کابینه "شرف" و شورای عالی نظامی مصر نشست فوق العاده و مشترکی پیرامون آنچه که "وضعیت امنیتی رو به وخامت" خوانده می شد، تشکیل دادند. حاصل این نشست ۶ راهکار برای سرکوب سریع اعتراضات بود. یکی از این راهکارها توقف اجازه کار به کانالهای تلویزیونی ماهواره ای است. همچنین دخالت اعضای کابینه در اجرای قوانینی که در بهار گذشته برای توقف اعتصابات به بهانه "مختل کردن زندگی مردم" مدون شد.

"اسامه هیکل"، وزیر اطلاعات در گزارش تلویزیونی پس از نشست مذکور اعلام کرد که با معترضان برخورد شدید خواهد شد. وی در رابطه با لغو پیمان صلح با اسرائیل گفت، مصر متعهد به پیمانهای بین المللی خواهد بود. او از نیروهای سیاسی فعال مصری خواست که احساس مسوولیت کرده و از نا امنی در کشور جلوگیری کنند.

از دیگر اقدامات سرکوبگرانه حکومت، حمله به دفاتر "الجزیره" در قاهره بود. این کانال تلویزیونی درگیری بین پلیس و معترضین در مقابل سفارت اسرائیل را به طور مستقیم گزارش کرده بود.

واکنشهای خشونت آمیز حکومت نو خاسته به اعتراضهای مردم زحمتکش مصر مانند هر حکومتی که با خشونت تظاهرات مسالمت آمیز مردم را پاسخ می دهد، نشان از هراس طبقه حاکمه از اعتراضات رشد یابنده مردم است. مردم مصر با هوشیاری برای حفظ دستاوردهای انقلاب خود هیچ راهی جز تداوم مبارزات شان ندارند. تجربه انقلاب ۵۷ در ایران که خمینی و مزدورانش بدان چنگ زدند، این واقعیت را که انقلاب تا پیروزی کامل باید ادامه داشته باشد، ثابت کرده است.

نتانیاهو بین دو سنگ آسیاب

بیش از شش دهه از استقرار دولت اسرائیل و بیش از ۴۴ سال از اشغال کرانه غربی و نوار غزه توسط اسرائیل



Activestills.org

می گذرد. اعتراضهای اخیر مردم اسرائیل به سیاستهای اقتصادی دولت راستی نتانیاهو که شامل دستمزد پایین، افزایش هزینه زندگی، مواد خوراکی، آموزش و پرورش و مسکن بود، واقعیت مهمی را آشکار کرده است. بحران سرمایه داری حفره بین غنی و فقیر را عمیق تر کرده و زحمتکشان جهان، صرف نظر از این که چه ملیت، نژاد و یا دینی دارند، یک درد و یک دشمن مشترک دارند..

روز سه شنبه ۳ سپتامبر بیش از نیم میلیون نفر به خیابانهای تل آویو، اورشلیم و دیگر شهرهای اسرائیل آمدند تا مانند همدردان خود در مصر، تونس، سوریه، لیبی و... صدای خود را به گوش میلیاردرها و دولت نتانیاهو برسانند. سخنگوی "اتحادیه ملی دانشجویان" در این باره گفت: "اسرائیل دیگر هرگز مانند سابق نخواهد بود و اسرائیل جدید خواهان تغییرات واقعی است."

اگر چه معترضان انتظار داشتند یک میلیون نفر در این اعتراض شرکت کنند، اما حضور نیم میلیون نفر برای جمعیت ۷ میلیونی اسرائیل، تعداد قابل توجهی به شمار می آید، به ویژه آن که بهانه های امنیتی و مساله

فلسطین همواره بهانه رژیم آپارتاید اسرائیل در اجبار مردم به سکوت بوده است. از سوی دیگر، این رویداد زمانی به وقوع می پیوندد که فلسطینیها قصد دارند در اواسط ماه سپتامبر در سازمان ملل حاضر شده و درخواست عضویت مستقل کشور فلسطین در این نهاد بین المللی را ارایه دهند.

این مساله آنچنان برای نتانیاهو و آمریکا با اهمیت است که از پیش "محمود عباس" را که در ادامه مذاکره همواره پافشاری کرده است، تهدید کرده اند. رهبران این دو کشور می گویند، چنانچه فلسطینیها این درخواست را طرح کنند، به معنای پایان مذاکرات و پروسه صلح خواهد بود. ایالات متحده آمریکا همچنین تهدید به قطع کمک ۴۷۰ میلیون دلاری به فلسطینیها کرده و رییس کمیته روابط خارجی در مجلس نمایندگان این کشور نیز هشدار داده که رای مثبت کشورها به خواست فلسطینیها، در روابط اقتصادی با آمریکا تاثیر گذار خواهد بود.

شایان توجه است که رهبران و سازمان دهندگان تظاهرات در اسرائیل تاکنون به نهایت تلاش کرده اند که خواست اصلاحات را مطرح کنند و سخنی از تغییر حکومت به میان نیاورند. آنها اعلام می کنند که خواهان مذاکره با دولت هستند. این در حالیست که دولت با اصلاحات کوچک و وعده های سر خرمن تلاش می کند از تنش بیشتر جلوگیری کند اما همزمان به جای خانه سازی و ایجاد مسکن که مهمترین خواست معترضان است، همچنان قراردادهای ایجاد شهرکها در مناطق اشغالی و تشویق به مهاجرت را ادامه می دهد. دولت اسرائیل همچنین قصد خود از به کارگیری خشونت علیه فلسطینیها را مخفی نمی کند. نتانیاهو تهدید کرده است که چنانچه فلسطینیها دست به تظاهرات بزنند، با آنها به شدت مقابله خواهد کرد و از پیش نیز نیروهای خود را برای این کار آماده کرده است.

برای اشتراک نسخه چاپی نبرد خلق با آدرس زیر تماس بگیرید

nabarad@iran-nabard.com

بهار عرب.....

گفتگو با سمیر امین در باره انقلاب مصر

منبع: فوروم اجتماعی جهان

تاریخ انتشار: ۱۴ سپتامبر ۲۰۱۱

برگردان: آناهیتا اردوان

پرسش: آیا اتفاقاتی که تونس و مصر را تکان داد تنها یک شورش مردمی بود یا مشخصه ورود این کشورها به یک پروسه انقلابی می باشد؟

سمیر امین (۱): اینها شورشهای اجتماعی هستند که پتانسیل آن را دارند تا سبب تبلور آلترناتیوهای گردند که احتمالاً در طولانی مدت به بخشی از جنبش سوسیالیستی تبدیل شوند. به همین دلیل است که سیستم سرمایه داری و سرمایه داری انحصاری جهانی قادر به تحمل تکامل چنین جنبشهایی نیست. آنها از همه ابزارهای ممکن، از فشار مالی و اقتصادی گرفته تا تهدید نظامی جهت بی ثبات کردن این جنبشها استفاده

خواهند کرد. سیستم سرمایه داری جهانی از نیروهایی مانند نیروهای فاشیستی یا برقراری یک دیکتاتوری نظامی حمایت خواهد کرد.

در یک کلام، آنچه اوباما می گوید را باور نکنید. اوباما همان بوش است، ولی با زبانی متفاوت. یک ریاکاری ثابت در سخنان همه آنها وجود دارد. در حقیقت، دولت آمریکا در رابطه با مصر همیشه حامی دولت بود.



قربانی کردن حسنی مبارک برای آنها سودآور بود ولی آنها هرگز از پلیس و ارتش قطع امید نخواهند کرد. آنها بخشیدن قدرت بیشتر به ارتش، از طریق پیوند آن با گروههای مذهبی را در نظر دارند. در واقع، آنچه دولت آمریکا برای مصر در نظر دارد، یک مدل پاکستانی است که یک مدل دموکراتیک نیست، بلکه ترکیبی از قدرت است که دیکتاتوری نظامی اسلامی نام دارد.

در هر صورت، در رابطه با مصر بخش عظیمی از نیروهای مردمی از اهداف نیروهایی که فعال شده اند، کاملاً آگاه هستند. مردم مصر از نظر سیاسی بسیار آگاهند. تاریخ مصر نشان می دهد که این کشور از ابتدای قرن نوزدهم تلاش کرد از تاریکی بیرون بیاید، اما این کوشش به دلیل ضعف و کمبودهای داخلی ولی به طور عمده تهاجم مکرر نیروهای خارجی شکست خورده است.

پرسش: این تغییرات فاحش عمدتاً برآیند بیکاری مردم، جوانان و تحصیل کرده هایی است که از شرایط خود رنج می بردند و قادر به یافتن شغل مناسب نبودند. شما این مساله را چگونه توضیح می دهید؟

سمیر امین: مصر تحت قدرت جمال عبد الناصر دارای یک سیستم اقتصادی و سیاسی بود که اگر چه قابل نقد است، اما پایدار بود. عبدالناصر بر صنعتی کردن ساختار اقتصادی جهت خارج کردن کشور از مستعمره بودن که اقتصاد مصر را به صدور کتان محدود می کرد، تاکید می ورزید. این سیستم موفق شد توزیع مناسبی از ثروت، سازگار با منافع طبقه متوسط را بدون پایین آوردن استاندارد زندگی طبقات محروم جامعه برقرار سازد.

در هر صورت، همه اینها در روند تهاجم نظامی سالهای ۱۹۵۶ (۲) و ۱۹۶۷ (۳) که اسراییل را مجهزتر ساخت، از بین رفت. سادات و مبارک بیشتر بر آن مناسبات اقتصادی که بر پایه سود دهی استوار بود، تکیه کردند که منجر به بی خاصیت شدن آن شد. نرخ بالای رشد اقتصادی مصر که در سی سال گذشته توسط بانک جهانی اعلام و تحسین شده، صوری و بی پایه است. رشد اقتصادی مصر به بازار خارجی و جریان سرمایه نفت از سوی کشورهای ثروتمند خلیج فارس وابسته است و از این رو بسیار آسیب پذیر است. این آسیب پذیری به موازات بحران اقتصادی جهانی به سرعت نمایان گردید. پدیدار گشتن چهره واقعی وضعیت اقتصادی با یک نابرابری و بیکاری باورنکردنی که شرایط اکثریت جوانان مصری را تحت تاثیر قرار داد، همراه بود. شرایط منفجر کننده بود و انفجار هم صورت گرفت. موضوعی که امروز فراتر از مطالبات اصلی و استقرار آزادیهای دموکراتیک آغاز شده، جنگ سیاسی است.

پرسش: چرا نیروی مذهبی اخوان المسلمین تلاش می کند که خود را میانه رو معرفی کند؟

سمیر امین: زیرا از آنها خواسته شده که این نقش را به عهده بگیرند. آنها هرگز میانه رو نبوده اند. اخوان المسلمین، رهبری یک جنبش سیاسی و نه یک جنبش مذهبی را به عهده دارد که از مذهب به عنوان یک وسیله استفاده می کند. این جنبش از زمان تاسیس در سال ۱۹۲۰ توسط انگلیس و سلطنت، نقش بسیار فعالی در مبارزه علیه کمونیسم، لیبرالیسم و نیروهای دموکراتیک ایفا کرده است. اخوان المسلمین به طور واضح و روشن در بسیاری مواقع اعلام کرده است که این مساله مهمترین هدف و عامل ماندگاری و ادامه موجودیت آن است. آنها به طور علنی ابراز می دارند که اگر در انتخابات برنده شوند، آخرین بار خواهد بود، زیرا که سیستم انتخابی صادرات غرب و با طبیعت اسلام در تناقض است. آنها در این رابطه به طور قطع به هیچ وجه تغییر نکرده اند.

در حقیقت، اسلام سیاسی همیشه توسط آمریکا حمایت شده است. آنها طالبان را در جنگ علیه اتحاد جماهیر شوروی به عنوان قهرمانان آزادی معرفی کردند. جنبش زنان فمینیست آمریکا زمانی که طالبان مدارس دخترانه ای که توسط کمونیستها تاسیس شده بود را می بستند، توضیح می دادند که می بایست به سنت و فرهنگ حاکم در افغانستان احترام گذاشت.

آمریکا دو نقش بازی می کند؛ از یکسو، حمایت می کند و از دیگر سو از افراط گریهای بنیادگرایی جهت تغذیه نژادپرستی، عدم پذیرش مهاجران و بنابراین، محمل تهاجم نظامی استفاده می کند. رژیم مبارک براساس همین استراتژی هرگز علیه اسلام سیاسی مبارزه نکرد، تا جایی که آنها در سیستم جا افتادند و به مداخله در آن پرداختند.

پرسش: آیا مبارک به دخالت اخوان المسلمین در مسایل مصر کمک کرد؟

سمیر امین: دقیقاً، مبارک به آنها سه نهاد اساسی اعطا کرد، دادگستری، تلویزیون و آموزش. ولی رژیم نظامی همیشه خواستار نگاهداری مدیریت در دست خود بوده است. امروز اخوان المسلمین خواستار مدیریت است. آمریکا نیز از مشاجره بین افراط گرایان مذهبی و ارتش استفاده می کند تا کاملاً از مطیع بودن هر دو اطمینان حاصل نماید. مساله اساسی این است که همه، سرمایه داری را آن گونه که هست، قبول داشته باشند. اخوان المسلمین هرگز به طور جدی خواهان تغییر نبوده است. به همین دلیل، آنها همراه با دولت مبارک علیه اعتصاب کارگری سالهای ۲۰۰۷ تا ۲۰۰۸ موضع گرفتند. رویکرد آنها در برابر شورش دهقانان مصری که توسط زمین داران بیرون رانده شده بودند نیز همین بود. اخوان المسلمین طرف گرایشی را گرفت که مخالف جنبش دهقانان بود. مالکیت خصوصی، تجارت آزاد و سود برای آنها مقدس است.

پرسش: نقشه اصلی برای خاورمیانه چیست؟

سمیر امین: همه سر به راه باشند. ارتش و همینطور اخوان المسلمین، هژمونی آمریکا در منطقه و صلح با اسرائیل را بپذیرند. آنها باید به نوعی موافقت خود را نشان دهند تا اسرائیل اجازه یابد به استعمار آنچه از فلسطین باقی مانده، ادامه دهد.

پی نوشت:

- (۱) سمیر امین، اقتصاددان فرانسوی مصری است. وی یکی از اعضای شورای بین المللی فوروم اجتماعی جهان و رییس فوروم جهانی آلترناتیوها می باشد.
- (۲) مصر در سال ۱۹۵۱ به طرح تحریم اقتصادی اتحادیه عرب علیه اسرائیل جهت مخالفت با حملات این کشور به اردوگاههای فلسطینی در روستاهای لبنان، سوریه، اردن و مصر، پیوست. در این روند، مصر کانال سوئز را به روی کشتیهای اسرائیلی بست که مورد مخالفت سازمان ملل واقع شد. در سال ۱۹۵۶ اسرائیل، انگلستان، فرانسه و آمریکا به مصر حمله کردند و کانال سوئز، نوار غزه و صحرای سینا را اشغال کردند.
- (۳) در سال ۱۹۶۷ مصر در مخالفت با فرمان آماده باش کامل اسرائیل در جریان تنش با سوریه بر سر مساله اشغال مناطق مرزی متعلق به این کشور توسط اسرائیل اعلام کرد که تنگه نیران را بر روی کشتیهای اسرائیل خواهد بست. آمریکا، انگلیس و فرانسه به شدت مخالفت کردند و بالاخره اسرائیل در ۵ ژوئن همان سال به مصر حمله کرد و شبه جزیره سینا را نیز اشغال نمود.

حمایت از مراجعه به ملل متحد برای به رسمیت شناختن کشور فلسطین



خانم مریم رجوی، رئیس جمهور برگزیده مقاومت ایران، طرح دولت فلسطین به رهبری پرزیدنت محمود عباس برای مراجعه به شورای امنیت و مجمع عمومی ملل متحد، به منظور به رسمیت شناختن کشور مستقل فلسطین را اقدامی در راستای صلح و دموکراسی و همزیستی در تمامی منطقه توصیف کرد. وی تأکید نمود تشکیل چنین دولتی یک ضربه کاری به نفوذ ارتجاع و بنیادگرایی اسلامی و تروریسم برخاسته

از آن در تمام منطقه و یک گام بزرگ در خلع ید از فاشیسم دینی حاکم بر ایران از کشورهای منطقه است. هر کس که واقعا خواهان دموکراسی و صلح در منطقه باشد و درک درستی از بنیادگرایی اسلامی و تهدیدهای آن برای صلح و دموکراسی داشته باشد بدون تردید از طرح دولت فلسطین حمایت خواهد کرد. خانم رجوی افزود بدون تردید بازنده چنین تحولی، آنهم همزمان با قیامهای آزادیخواهانه کشورهای منطقه، رژیم ایران و مزدوران و جریانهای وابسته به آن در عراق و سوریه و فلسطین و لبنان دیگر کشورهای منطقه هستند. به همین خاطر این رژیم به رغم همه شعارهای دجالگرانه اش به نفع فلسطین، مستقیم و غیرمستقیم در مقابل دولت فلسطین و طرحها و برنامه های آن کار شکنی می کند. همچنان که گروههای فلسطینی وابسته به خودش را وادار کرده است که با طرح محمود عباس به شکلهای گوناگون مخالفت کنند.

دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران

۲۸ شهریور ۱۳۹۰ (۱۹ سپتامبر ۲۰۱۱)

اتحاد جمهوری اسلامی و اسرائیل علیه کشور فلسطین

منصور امان



مُخالفت با اعلام تشکیل کشور فلسطین و درخواست به رسمیت شناخته شدن بین المللی آن، اسرائیل، جمهوری اسلامی و حماس را در یک جبهه بسیار تماشایی متحد ساخته است.

در حالی که از رام الله تا قاهره موجی از همبستگی، تهاجم سیاسی دولت خودگردان فلسطین را پُشتیبانی می کند، رژیم راست گرای افراطی

اسرائیل، حاکمان تهران و شبه نظامیان حماس یک صدا به مُخالفت با این اقدام برخاسته و دولت خودگردان را زیر حملات مُشترکی قرار داده اند.

جالب این جاست که اعضای این ائتلاف، علت رویکرد خود را نیز با استدلال یکسانی توضیح می دهند. اسرائیل به تهدید حماس و جمهوری اسلامی و سوواستفاده آنها برای ایجاد یک "غزه دیگر" استناد می کند و جمهوری اسلامی و حماس نیز سوواستفاده اسرائیل از این طرح برای تداوم اشغال و تهدید همسایگان را حُجت می گیرند.

تا پیش از این، بنیادگرایان اسلامی و یهودی با سیاست تقابلی و تنش آفرینانه، یکدیگر را تقویت کرده اند. موشکهای بی خاصیت حماس همان قدر به پروار شدن سیاست اشغالگرانه و تجاوزکارانه اسرائیل یاری رسانده است که حملات تلافی جویانه این کشور علیه شهروندان غیرنظامی، به قُدرت گرفتن حماس. همین بهره گیری مُتقابل در مورد لفاظیهای جمهوری اسلامی علیه اسرائیل که با پخش پول و اسلحه بین شبه نظامیان لُبنانی و فلسطینی تکمیل می شود و استفاده استراتژیک اسرائیل از آن برای بقای خود نیز صادق است.

ناگفته پیداست که هدف بازیگران این سناریوی وحشت پراکنی، جلوگیری از ایجاد فضا و شکل گیری شرایط برای طرح و عملی شدن راه عادلانه ی برون رفت از بُحران کُهنه ی اسرائیل - فلسطین است. ابتکار تشکیلات خودگردان در بدترین موقعیت برای جمهوری اسلامی ارایه شده است. رژیم ولایت فقیه در همان حال که مُطالبه کنندگان آزادی و عدالت در ایران را به گُلوله بسته و به روی شهروندان تیغ کشیده است، با تمام توان علیه "بهار عربی" در سوریه نیز به حرکت درآمده است. جبهه گیری غریبان رژیم آیت الله خامنه ای در کنار اسرائیل علیه خواست مردم فلسطین و حمله ی هیستریک به رهبران آنها، به گونه قطعی جایگاه آن به عنوان دشمن بهار اجتماعی در منطقه را تثبیت می کند. این یک ضربه ی کارای دیگر به سیاست جنگ نمایندگیها و ایجاد ضربه گیر در کانونهای بُحرانی منطقه به شمار می رود. ارتجاع اسلامی و استبداد و دیکتاتوری سیاسی بازنده های اصلی پروسه تحولات دموکراتیک در خاورمیانه و شُمال آفریقا هستند. این واقعیت را اجبار جمهوری اسلامی به پا گذاشتن به باتلاق جبهه گیری علیه مردم سوریه و فلسطین به روشنی نشان می دهد.

به رادیو پیشگام در آدرس زیر گوش کنید

www.radiopishgam.com

آن سَبوِ بَشکست

مهدی سامع

مستبدان و ستمگران برای تحمیق و چپاول مردم فقط به دستگاه سرکوب متکی نیستند. آنان کم و بیش با توسل به دستگاههای ایدئولوژیک و تبلیغ و ترویج گفتمانهای ارتجاعی، سدهای سِتبری در مقابل جریان آگاهی بخش ایجاد می کنند. خمینی و جانشین او با تمام توان از ابزار تحمیق برای تامین امنیت حاکمیت دینی استفاده کرده و می کنند. گرچه در استفاده از این ابزار خامنه ای ادامه دهنده راه و روش خمینی است، اما نحوه و ابعاد استفاده خامنه ای بسیار بیشتر و سازمانیافته تر از خمینی است. نهادهایی چون سازمان تبلیغات اسلامی*، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی** و مجمع جهانی اهل بیت*** همراه با صدها نهاد وابسته و سایت اینترنتی به اضافه هزاران انجمن و هیات مذهبی در دوران مرجع خودخوانده شیعیان جهان، آیت الله سید علی خامنه ای سازمانیابی شده است. تمامی این نهاد به طور مستقیم توسط بیت ولی فقیه مدیریت می شود.

در ماه گذشته دو کنفرانس به وسیله این نهادها در تهران و مشهد برگزار شد.

پنجمین اجلاس مجمع جهانی اهل بیت بود که در شامگاه چهارشنبه ۲۳ شهریور به کار خود پایان داد. در پایان این اجلاس بیانیه‌ای قرائت شد که در بخشی از آن که به دادگاه متهمان به ترور رفیق حریری مربوط است آمده است: «شرکت کنندگان در اجلاس حمایت قاطع خود را از مقاومت اسلامی و حزب الله لبنان اعلام نموده و تأکید می کنند که این جنبش به عنوان خط مقدم مبارزه با رژیم غاصب صهیونیستی و مقاومت در مقابل زورگویی های استکبار جهانی، هم این که آماج هجوم عروسک های خیمه شب بازی غرب قرار دارد که در دادگاهی بی ارزش و فرمایشی تلاش می کنند مقاومت اسلامی را تحت فشار قرار دهند».

خامنه ای یک روز قبل از پایان این اجلاس در دیدار با شرکت کنندگان این اجلاس با استثنا کردن دیکتاتوری بشار اسد در سوریه گفت: «حرکتهای اسلامی اخیر در مصر، تونس، لیبی، بحرین و یمن از الطاف الهی است و موضع ما حمایت از این حرکتهای تقویت آنهاست و امیدواریم این حرکتهای اسلامی منجر به قطع کامل سلطه دشمنان اصلی یعنی صهیونیستها و آمریکا شود».

در رویدادی دیگر نخستین اجلاس بین المللی بیداری اسلامی به عنوان یکی از فعالیتهای «مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی» در روز شنبه ۱۲ شهریور با مدیریت علی اکبر ولایتی در تهران برگزار شد. در این نشست تعدادی از سرکردگان رژیم همراه با تعدادی از عوامل خامنه ای در کشورهای خاورمیانه که از آنان به عنوان «نخبگانی» یاد شده، شرکت داشتند.

خامنه ای در این اجلاس با بیان خطوط اساسی دیدگاههایش در مورد بهار عربی گفت: «شعارها و اصول باید تنقیح و با مبانی و محکومات اسلام تطبیق داده شوند. استقلال، آزادی، عدالتخواهی، تسلیم نشدن در برابر استبداد و استعمار، نفی تبعیضهای قومی و نژادی و مذهبی، نفی صریح صهیونیزم. اینها ارکان نهضت های امروز کشورهای اسلامی است و همه برگرفته از اسلام و قرآن است.... هرگز به آمریکا و ناتو و به رژیم های

جنایتکاری چون انگلیس و فرانسه و ایتالیا که زمانی دراز سرزمین شما را میان خود تقسیم و غارت کردند اعتماد نکنید؛ به آنها سوء ظن داشته باشید و لبخند آنها را باور نکنید؛ پشت این لبخندها و وعده ها، توطئه و خیانت نهفته است... نگذارید الگوهای لائیک یا لیبرالیسم غربی، یا ناسیونالیسم افراطی، یا گرایشهای چپ مارکسیستی خود را بر شما تحمیل کند... دموکراسی لائیک و در مواردی ضد مذهب غربی با مردمسالاری اسلامی که متعهد به ارزشها و خطوط اصلی اسلامی در نظام کشور است، هیچ نسبتی ندارد... سخن از بیداری اسلامی، سخن از یک مفهوم نامشخص و مبهم و قابل تأویل و تفسیر نیست؛ سخن از یک واقعیت خارجی مشهود و محسوس است که فضا را انباشته و قیامها و انقلابهای بزرگی را پدید آورده و مهره‌های خطرناکی از جبهه دشمن را ساقط کرده و از صحنه بیرون رانده است. با این حال، صحنه همچنان سیال و نیازمند شکل دادن و به سرانجام رساندن است... هدف نهایی باید «امت واحده اسلامی و ایجاد تمدن اسلامی» باشد».

در این سخنان راهبرد ولی فقیه برای مداخله در انقلابهای کشورهای عربی با صراحت ترسیم شده و برای مهندسی کردن ایجاد «امت واحده اسلامی و ایجاد تمدن اسلامی» رهنمود داده شده است. در ضمن خامنه ای که در ولایتش با استبداد مذهبی و آپاتاید کامل جنسیتی، قومی و مذهبی تعریف می شود عوامفریبانه صحبت از «تسلیم نشدن در برابر استبداد و استعمار، نفی تبعیضهای قومی و نژادی و مذهبی» می کند.

روزنامه الزمان بین المللی در شماره روز ۲۸ شهریور خود در باره این نشست می نویسد: «یک منبع ایرانی دیروز به الزمان فاش ساخت که کنفرانس بیداری اسلامی که در تهران برگزار شده، هدفش وحدت احزاب و جنبشهای شیعه در کشورهای عربی و اسلامی تحت رهبری ایران است. این منبع که نخواست نامش فاش شود گفت که از نخستین تصمیمات این کنفرانس این است که درخواست رئیس جمهور فلسطین محمود عباس از سازمان ملل برای اعلام کشور فلسطینی را رد کند و وقتی که این طرح به سازمان ملل ارائه شود ایران علیه آن رأی خواهد داد... شرکت کنندگان مطلع شدند که کمکهای مالی ایران از هم اکنون از طریق هیأت رئیسه این کنفرانس بر اساس التزام به تصمیمات و میزان اجرای آنها، به احزاب و جنبشهای آنان خواهد رسید.

این افقی است که سید علی خامنه ای برای آینده بهار عربی ترسیم می کند و گماشتگان خود را ملزم به مداخله برای تحقق آن می کند. صرف نظر از این که انقلابهای کشورهای عربی کدام مسیر را طی کنند و چه نیروهایی ابتکار عمل را در دست گیرند، اکثریت تحلیل گران و مفسران سیاسی بر این باورند که بهار عربی مسیر جمهوری اسلامی و نظام ولایت فقیه را نخواهد رفت. اما از آن مهم تر این که افقی که خامنه ای ترسیم می کند برای مردم ایران یک فاجعه بزرگ به وجود آورده و زنان و مردان کشور ما با پرداخت هزینه های گزاف افق دیگری را در چشم انداز قرار داده اند که بیش از همه ولی فقیه از آن وحشت دارد و برای همین در هر فرصت به آن می تازد و با صرف بودجه های کلان میارزه مردم ایران برای آزادی و حاکمیت غیر دینی را سرکوب می کند. اما واقعیت این است که همه تلاشهای سرکوبگرانه با شکست مواجه شده و هر روزنه کوچک منجر به فوران خشم انباشت شده مردم می شود.

دلایل شکست خامنه ای برای تحقق افقی که ترسیم می کند بسیار است. جنبشها و قیامهای دموکراسی خواهی مردمی طی سالهای اخیر با شعار ضد ولایت فقیه، چشم اندازی که مردم در مقابل خود قرار داده اند را به بهترین شکل مشخص می کند. در اعماق جامعه هم جریان گریز از حکومت دینی به صورتهای مختلف شکل گرفته است. واکنشهایی که محصول مستقیم حاکمیت مذهبی است. دو اظهار نظر از نزدیک ترین افراد به ولی فقیه نشان می دهد که در اعماق جامعه نیروی گریز از ولایت چگونه انباشت می شود.

ابراهیم بیانی، معاون اطلاعات سپاه فجر در استان فارس می گوید: «تحقیقات ارتش سایبری سپاه پاسداران نشان می‌دهد که کاربران اینترنت در تهران در روز عاشورا از نظر مراجعه به سایتهای غیراخلاقی در میان ۱۸۲ کشور جهان در رتبه نخست قرار گرفته‌اند». (خبرگزاری دولتی فارس، جمعه ۴ شهریور ۱۳۹۰) وی اضافه می‌کند: «با این آمار تکان دهنده چگونه ممکن است با وجود ماهواره‌ها دیگر انگیزه‌ای برای حضور جوانان در مساجد، روزه گرفتن و انجام فریضه امر به معروف باشد».

به گزارش خبرگزاری حکومتی مهر، محمدتقی مصباح یزدی شامگاه چهارشنبه ۲۳ شهریور، در مراسم آغاز سال تحصیلی «موسسه امام خمینی» گفت: «طلبه‌ای که تا پاسی از شب پای اینترنت می‌نشیند و مشغول برنامه‌های غیرعلمی آن است و یا مشغول دیدن فیلمهای تلویزیون است و نماز صبحش قضا می‌شود کجا مورد توجه امام زمان است و نور چشم او محسوب می‌شود».

با چنین اعترافاتی به نظر می‌رسد که ولی فقیه نظام بهتر از هرکس می‌داند که آن سبب شکسته است و حاکمیت دینی در ام‌القرای آن به تاریخ سپرده خواهد شد.

زیر نویس:

* سازمان تبلیغات اسلامی در گذشته توسط احمد جنتی، محمود محمدی عراقی، و قبل از آن توسط شورایی اداره شده است. در تاریخ سوم مهرماه سال ۱۳۸۰ از طرف خامنه‌ای، آخوند سیدمهدی خاموشی به ریاست این سازمان منصوب گردید. <http://www.ido.ir/>

** مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی با هدف نزدیک شدن پیروان مذاهب اسلامی به منظور ایجاد بین الملل اسلامی و به بیان دقیق تر متحد کردن نیروهای بنیادگرای اسلامی به دستور خامنه‌ای تشکیل شده است. در ماده اول اساسنامه این نهاد نوشته شده: «مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی که از این پس در این اساسنامه مجمع تقریب نامیده می‌شود، مؤسسه‌ای است اسلامی، علمی، فرهنگی و جهانی که به دستور حضرت آیت الله خامنه‌ای، ولی امر مسلمین در سال ۱۳۶۹ هجری شمسی تأسیس شده و دارای شخصیت حقوقی مستقل است و طبق مقررات این اساسنامه اداره می‌شود.» اولین گردهمایی این مجمع در آبان ۱۳۸۲ در دانشگاه تهران برگزار شد. <http://www.taqrrib.info/persian/>

*** مجمع جهانی اهل‌بیت که ویژه سازماندهی نیروهای شیعی طرفدار ولایت فقیه در سراسر جهان است، در سال ۱۳۶۹ با نظر سید علی خامنه‌ای تأسیس شد. مرکز چاپ و نشر مجمع جهانی اهل بیت تاکنون بالغ بر ۴۰۰ عنوان کتاب به ۲۱ زبان و در صدها هزار نسخه به چاپ رسانده است.

<http://www.ahl-ul-bayt.org/fa.php>

«ما بی شمارانیم و برای سرنگونی رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه متحد و متشکل می‌شویم»
 «مرگ بر دیکتاتوری، مرگ بر خامنه‌ای، زنده باد آزادی»

زنان.....

زنان در مسیر رهایی

آناهیتا اردوان

قاچاق زنان برای استفاده از آنان در پیوند اعضای بدن

شبکه خبری زنان، ۱۳ سپتامبر ۲۰۱۱- زنانی که از کشور کنیا جهت بهره کشی جنسی به کشورهای دیگر قاچاق می شوند، احتمال دارد که در تجارت پرسود قاچاق پیوند اعضای بدن نیز مورد استفاده قرار گیرند. شرق و مرکز آفریقا دارای بالاترین میزان قاچاق انسان است. بدین ترتیب، سازمانهای غیر دولتی متعددی در کنیا از سوی پلیس بین المللی (اینترپل) مورد بازجویی قرار گرفته اند. زنان جوان کنیایی به عنوان منبعی برای اهدای ناخواسته اعضای مختلف بدن به حساب می آیند. بر اساس گزارش پلیس اینترپل، قاچاق انسان جهت پیوند ارگانهای بدن به ویژه کلیه، یکی از جنایتهای رو به افزایش است. لیستهای طولانی از بیمارانی که خواهان دریافت اعضای پیوندی برای بدن می باشند، باعث شده که جنایتکاران از فرصت به دست آمده سواستفاده کرده و با توسل به نومیادی بیماران و پتانسیل اهدا کنندگان اعضای بدن، به استعمار آنان مبادرت ورزند. محاکمه ها پیرامون این مساله انحرافی، تبانی قاچاقچیان انسان با ماموران دولتی کنیا که شامل پلیس، سازمان امنیتی و دستگاه قضایی این کشور می شود را آشکار ساخته است. همین تبانی یکی از بزرگترین دلایل رشد تجارت قاچاق انسان در کشور مزبور است.

سازمان بهداشت جهانی عنوان می کند که کشورهای آمریکا و اروپای غربی بالاترین شمار بیماران منتظر پیوند اعضای بدن از جمله کلیه، کبد، قلب و لوزالمعده را دارا می باشند. تحقیقات نشان می دهد که دختران بسیار جوان زیر سن ۱۶ سال به کشورهای فوق جهت پیوند غیرقانونی اعضای بدن، قاچاق شده اند. به قربانیان معمولاً از تأثیرات منفی برداشتن اعضای بدن بر تندرستی انسان، آگاهی داده نمی شود و در حقیقت آنان را فریب می دهند. جراحی برداشت اعضای بدن قربانیان در شرایط غیر بهداشتی صورت می گیرد که تندرستی و حتی زندگی آنان را با خطر روبرو می سازد.

سازمان بهداشت جهانی اعلام کرد که قاچاق انسان جهت پیوند اعضای بدن با توجه به افزایش تعداد واسطه گران، نقض آشکار و مستقیم قانون است که تنها زندگی قربانیان را به خطر نمی اندازد، بلکه تأثیرات سوو اقتصادی، سیاسی و بهداشتی فراوانی برای کشور کنیا دارد. متأسفانه بسیاری از سازمانهایی که موظف به دفاع از حقوق قربانیان هستند نیز در این تجارت پرسود به دام تبانی با شبکه های غیرقانونی افتاده اند. افزوده بر این به بسیاری از زنانی که جهت پیوند اعضای بدن به کشورهای دیگر قاچاق می شوند، معمولاً هیچ مبلغی پرداخت نمی شود. آنان تنها رها می شوند تا مرگ به استقبال شان آید. زنان از مناطق فقیر نشین کنیا بیشتر از دیگران به دام باندهای قاچاق سکس و فروش اعضای بدن گرفتار می آیند.

کشور کنیا در حال حاضر دارای قانون حفظ و حمایت حقوق زنان، مردان و کودکانی که طعمه قاچاقچیان می گردند، نیست. پارلمان انتقالی کنیا به تازگی طرح ثبت تولد و مرگ را مورد بررسی قرار داده که قادر است در پروسه مبارزه با قاچاق انسان موثر واقع گردد. بر اساس این طرح، علت مرگ می باید توسط پرسنل پزشکی تایید و سپس در گواهی فوت افراد، ذکر شود. افزوده بر این، نام تمامی بنیادهایی که به مسایل بعد از فوت شخص می پردازند مانند بنیاد کفن و دفن نیز می بایست در گواهی فوت عنوان شود.

پاکستان سومین کشور خطرناک برای زنان

د تامیز آف ایندیا، ۲۷ آگوست ۲۰۱۱- بر اساس تحقیقات موسسه "تامسون رویتر"، کشور پاکستان بعد از افغانستان و جمهوری کنگو، خطرناکترین کشور برای سکونت زنان، به حساب می آید. کمیسیون حقوق بشر پاکستان در گزارش ۲۰۱۰ خود اعلام کرده است که هشتصد زن قربانی قتل ناموسی شده و ۲۹۰۰ زن مورد تجاوز جنسی (تقریباً هر روز، هشت زن) قرار گرفته اند. رسانه های گروهی پاکستان ابراز داشته اند که امسال جنایت علیه زنان نسبت به سال گذشته با افزایش ۱۸ درصدی روبرو بوده است.

برابری جنسیتی در محل کار، یک هدف و نه یک واقعیت

لاپرسنا ساندیگو، ۲۶ آگوست ۲۰۱۱- بر اساس تحقیقات موسسه "دانشگاه زنان"، زنان آمریکایی یک سال بعد از فارغ التحصیل شدن از دانشگاهها، هشتاد درصد و بعد از ده سال تجربه کاری، ۹۶ درصد درآمد مردان هم شغل خود را دریافت می کنند. به بیان دیگر، روند افزایش دستمزد زنان نسبت به مردان بسیار کند پیش می رود.

فاصله سطح دستمزد بین زنان و مردان در مورد زنان رنگین پوست بیشتر است. یک زن که در طول سال ۲۰۰۹ به طور دایم کار کرده، فقط ۷۷ درصد از درآمد همکار مرد خود را دریافت کرده است. بدین ترتیب، او در طول زندگی خود مبلغ چهارصد هزار دلار به خاطر جنسیت خود زیان دیده است. زنان بزرگسال بیشترین لایه فقیر را تشکیل می دهند و میزان فقر در میان ۱۵ درصد از زنانی که در سن کاری هستند، سی درصد بیشتر از مردان است. مردان در مشاغل با دستمزد بالا، غلبه بیشتری دارند. تقریباً هشتاد درصد از افرادی که سالیانه صد هزار دلار یا بیشتر درآمد دارند، مرد هستند.

طرح "پرداخت دستمزد عادلانه"، صاحبان کار را مجبور می سازد تا اطلاعات مربوط به پرداخت دستمزد کسانی که مورد تبعیض قرار گرفته یا خیر را عمومی کنند. در حال حاضر، زنان کارگر اجازه دسترسی به این اطلاعات بدون شکایت به دادگاه را ندارند. زنان حتی در برخی شرکتها حق ندارند از میزان دستمزد همکاران خود مطلع شوند. طرح "چک حقوق عادلانه" تاکید می کند که میزان پرداخت دستمزد نمی تواند بر اساس جنسیت افراد تعیین شود. در صورتی که مشخص شود کارفرمایی به چنین امری مبادرت ورزیده، ملزم است که افزوده بر میزان دستمزد پرداخت نشده، مبلغی اضافه بر آن به عنوان جریمه نیز پرداخت کند. این قانون قبلاً پیرامون کارگرانی که مورد تبعیض نژادی قرار گرفته اند، به طور عملی اجرا شده است. دو طرح مزبور قادر است مانع گریز کارفرمایان از پرداخت دستمزد برابر مردان با زنان گردد.

رفع اختلاف سطح دستمزد به ویژه برای زنانی که تنها نان آور خانواده خود هستند، مساله بسیار با اهمیتی به حساب می آید. ۳۴ درصد از مادران شاغل، در اداره زندگی با فرزندان زیر ۱۸ سال خود، شخصاً عهده دار تامین معیشت خانواده هستند. روند پرداخت دستمزد برابر، برای آینده خانواده های آمریکایی حیاتی است و به میزان زیادی به پیشنهاد و تصویب طرحهایی مانند دو طرح یاد شده در بالا، بستگی دارد.

حقوق زنان تونسی در خطر است

با این که "بن علی" با انقلاب تونس از قدرت ساقط شد و زنان در این انقلاب مشارکت وسیعی داشته و امیدوار بودند که این مساله سبب مشارکت آنها در فعل و انفعالات دموکراتیک کشور شود، اما اکنون بسیاری

نگرانند که حقوقی که زنان در مدت پنجاه سال گذشته از آن بهره مند بوده اند، توسط نیروهای محافظه کار قدرت یافته در خیزشهای اخیر، به طور کلی پایمال گردد.

مدیر تشکل "برابری و مساوات" ابراز می دارد که حقوق زنان با واکنش شدید اعتراضی محافظه کاران در رسانه های خبری روبروست و می افزاید: "ما قادر نیستیم صدای خود را به دیگران برسانیم و این مساله بسیار نگران کننده است. همه چیز برای ما به انتخابات مجمع قانون گذاری در ۲۳ اکتبر امسال بستگی دارد."

این مجمع وظیفه دارد که قانون اساسی جدید تونس را با بازخوانی قانون اساسی قبلی که نظام سیاسی بعد از استقلال تونس از فرانسه را تعیین می کرد، تنظیم و نظام سیاسی آینده را مشخص نماید.

"النهذا"، حزب اسلامی که در اواخر سلطه بن علی سرکش شده بود، اکنون به یکی از قدرتمندترین و سازمان یافته ترین احزاب سیاسی تونس تبدیل شده و طرفداران بسیاری به خصوص در روستاهای تونس دارد. اگر چه این حزب از اسلام دموکراتیک و میانه رو سخن می راند، اما بسیاری از شخصیت‌های سکولار معتقدند که "النهذا" به تناقض گویی دچار است و از ترفند محافظه کاران برای پیروزی در انتخابات استفاده می کند. شایان ذکر است که بیشتر اعضای حزب "النهذا" زن هستند.

تنش بین آنهایی که سکولار هستند و آنهایی که مایلند اسلام در ساختار سیاسی جایگاهی پراهمیت داشته باشد، به مساله مهمی تبدیل شده که برای ملل آفریقای شمالی موضوعی جدی به شمار می آید. زنان تونسی از حق انتخاب کردن و حق انتخاب شدن، پرداخت دستمزد برابر با مردان و حق طلاق برخوردار بوده اند. محدودیت چند همسری و رضایت زن برای ازدواج مجدد مرد نیز جزو حقوقی است که زنان از آن بهره می بردند. حق کورتاژ در پنجاه سال قبل در حالی در تونس به تصویب رسید که این مساله هنوز در بسیاری از کشورهای اروپای غربی از جمله فرانسه تابو بود. در حال حاضر گروههای محافظه کار مذهبی از آزادی بیان سوواستفاده و افکار عمومی را به طور غیرمترقبه ای پیرامون تعلق زنان به خانه، عدم حق اشتغال آنها و چند همسری مردان تحریک کرده و اسفبارتر از همه این که، زنان نیز اجازه شرکت در این مذاکرات را ندارند.

حذف زنان از مشاغل سطح بالا در کشور انگلیس

گاردین، ۱۶ آگوست ۲۰۱۱- بر اساس گزارش "کمیسسیون برابری و حقوق بشر"، زنان از بیش از ۵ هزار و ۴۰۰ شغل در میان ۲۶ هزار شغل سطح بالا در انگلیس حذف شده اند. این در حالیست که گزارشهای متعدد نشان می دهد که سطح تحصیلات زنان انگلیسی نسبت به گذشته بهتر شده و زنان به میزان بیشتری وارد دانشگاه می شوند و با مدارک بهتری نسبت به مردان از دانشگاهها فارغ التحصیل می شوند.

"به ما نگویند چه بپوشیم، به آنها بگویید تجاوز جنسی نکنند"

اسوشیتدپرس، ۱۸ سپتامبر ۲۰۱۱- بیش از پنجاه زن در اندونزی، با بر تن کردن دامنه های کوتاه به رویکرد فرماندار جاکارتا در برخورد به تجاوز دست جمعی به یک زن، اعتراض کردند. فرماندار جاکارتا دلیل تجاوز را پوشش ناهنجار قربانی عنوان کرده بود.

سازماندهنگان راهپیمایی عنوان کرده اند که آنها در این تظاهرات با بر تن کردن دامنه های کوتاه، خشم و انزجار خود را نسبت به رویکرد فرماندار جاکارتا اعلام می کنند که به جای مجازات و تنبیه متجاوزان، قربانی را متهم کرده است.

راهپیمایان پلاکاردهایی در دست داشتند که روی آن نوشته بود: "به ما نگویند چگونه پوششی باید داشته باشیم، به آنها بگویید که تجاوز جنسی نکنند."

قابل ذکر است که فرماندار از رویکرد خود ابراز پشیمانی و عذرخواهی کرده، اما این مساله مانع راهپیمایی زنان نشد. پلیس شهر جاکارتا اعلام کرده که تجاوز جنسی نسبت به سال گذشته افزایش یافته است.

گسترش برده داری در تایلند

شبکه خبری زنان، ۱۹ سپتامبر ۲۰۱۱- زنان کشاورز فقیر در کامبوج توسط باندهای قاچاق متقاعد می شوند که اگر زمینهای خود را رها کرده و به کشور تایلند مهاجرت کنند، به مشاغل بهتر با دستمزدهای مناسب تری دست خواهند یافت. زمانی که آنها زمینهای خود را رها کرده و توسط قاچاقچیان به تایلند برده می شوند، خود را در کرجیهای ماهیگیری در جنوب دریای چین یافته و خلاف میل خود به کار مجبور می گردند.

قاچاق انسان جهت کار اجباری در حوزه های کشاورزی، ماهیگیری و ساختمان سازی در کامبوج و تایلند افزایش یافته است.

قربانیان تجاوز جنسی در هند

شبکه خبری زنان، ۲۱ جولای ۲۰۱۱- زنان در کشمیر با تجاوز جنسی به عنوان یک بحران در زندگی خود روبرو هستند. قربانیان تجاوز جنسی مایل به گزارش جنایت نیستند زیرا در این صورت از آنها انتقام گرفته می شود.

تجاوز جنسی بر زندگی زنان کشمیری آنچنان تاثیر عمیقی می گذارد که همه هستی آنان را به طور کلی تغییر می دهد. زن کشمیری قربانی تجاوز جنسی، نه تنها خود بلکه بر اساس سنت غالب بر جامعه، همه اعضای خانواده اش با بی حیثیتی مواجه است. همسران این قربانیان آنان را رها کرده و اجازه بازگشت به خانه را به آنها نمی دهند و مرد دیگری حاضر به زندگی با آنان و حتی با خواهران آنها نیست. بنابراین، قربانیان تجاوز جنسی سکوت را تنها راه گریز فراروی خود می بینند تا بیشتر از آنچه که هست، به عنوان یک "زن مورد تجاوز قرار گرفته شده" مورد تنبیه و آزار قرار نگیرند.

تجاوز جنسی به عنوان یک جنایت جنگی از دیرباز بسیار رایج بوده و هست. قربانیان تجاوز جنسی همه عمر از بیماریهای روحی و روانی رنج خواهند برد و تحقیقات علمی نشان می دهد که خانواده های این قربانیان نیز از حمایت آنان سر باز می زنند.

پنجاه هزار زن در جریان جنگ بوسنی مورد تجاوز جنسی قرار گرفته اند. نزدیک ۲۵۰ هزار زن در رواندا طعمه تجاوز جنسی شدند. سی هزار نفر از این قربانیان باردار و بر اساس گزارشهای موثق، بیش از هفتاد درصد از آنان به بیماری ایدز مبتلا گشته اند. نیروهای ژاپنی به هشتاد هزار زن در جریان اشغال "نانکینگ" - چین تجاوز کردند. نیروهای پاکستانی بیش از دویست هزار زن را در خلال جنگ استقلال طلبانه بنگلادش مورد تجاوز جنسی قرار دادند. نیروهای آمریکایی نیز به تجاوز جنسی در کشتار "مای لی" - ویتنام متهم گردیدند. از زنان در مذاهب گوناگون به عنوان غنیمت جنگی یاد شده است.

برای اشتراک نسخه چاپی نبرد خلق با آدرس زیر تماس بگیرید

nabarad@iran-nabard.com

هنر و فرهنگ.....

رویدادهای هنری شهریور ماه

لیلا جدیدی

سخن روز:

- بیاد داشته باشید، توفان فرصت مناسبی است برای این که کاج و سرو، قدرت و استواری خود را نشان دهند (هوشی‌مین (۱۹۶۹-۱۸۹۰)، رهبر جنبش آزادیبخش ویتنام که از سال ۱۹۴۵ تا ۱۹۶۹ اولین رییس دولت جمهوری دموکراتیک ویتنام بود.

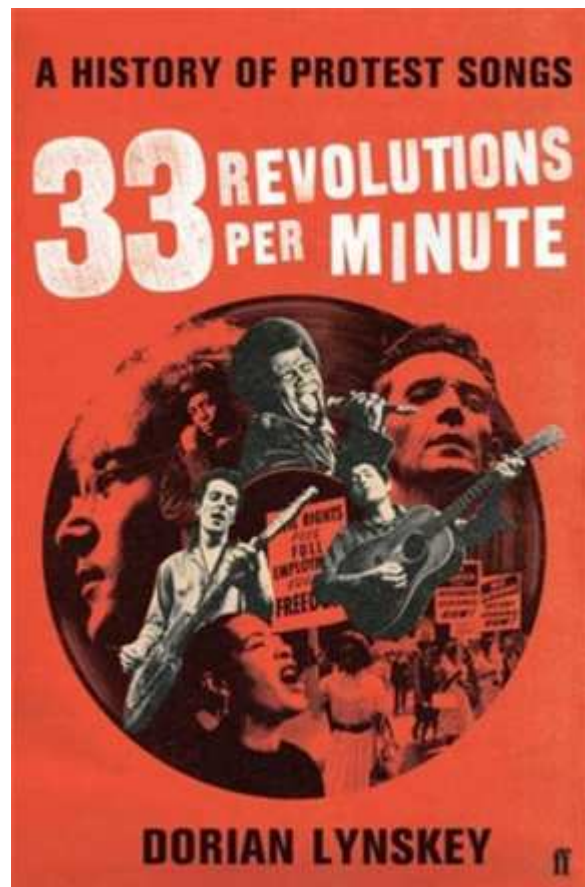
- دنیا آن قدر بزرگ است که برای همه ی مخلوقات جایی هست، پس در عوض این که جای کسی را بگیرید، تلاش کنید جای واقعی خود را بیابید (چارلز اسپنسر چاپلین (۱۶ آوریل ۱۸۸۹-۲۵ دسامبر ۱۹۷۷)، بازیگر و کارگردان برجسته و برنده جایزه اسکار)

کتاب

تاریخچه ترانه های انقلابی

در کتاب تازه ای به نام "۳۳ انقلاب در هر دقیقه"، نویسنده و منتقد موسیقی، "دورین لینسکی" به این مساله می پردازد که چگونه موسیقی پاپ و ترانه های محبوب و مورد علاقه مردم در طول سالها موجب بروز جنبشهای مردمی و تظاهرات مختلف شده است و چگونه "بیلی هالیدی" و "باب دیلان" که در کتاب به طور مفصل از آنها سخن رفته، برخی از مهم ترین این نوع ترانه ها را ارایه داده اند. "جان لنون" در یکی از ترانه هایی که در سال ۱۹۶۸ ساخته، می خواند: "نو می گویی یک انقلاب می خواهی؟ خوب... همه ما می خواهیم دنیا را عوض کنیم..."

"دورین لینسکی" در کتاب "۳۳ انقلاب در هر دقیقه" می نویسد: "هرچند همه ما نمی توانیم دنیا را عوض کنیم، اما بسیاری از ستاره های موسیقی پاپ توانسته اند این کار را انجام بدهند و به صورتی دنیای همه ما را



عوض کنند."

"دورین لینسکی" سالهاست به حرفه نقد موسیقی اشتغال دارد و به همین جهت نیز کتاب او مملو از اطلاعات و جزئیات تازه و گاه هرگز فاش نشده در رابطه با این ترانه هاست. برای مثال در بخشی از کتاب

آمده که هنگامی که "بیلی هالیدی" نوجوان برای نخستین بار در کلوب "کافه سوسایتی" نیویورک ترانه "میوه غریب" را می خواند، مدیر کلوب به گارسونها دستور می دهد پذیرایی از مشتریها متوقف شود تا آنها شش دانگ حواس شان پیش خواننده باشد.

در کتاب "۳۳ انقلاب در هر دقیقه" در توصیف ترانه های انقلابی آمده است: "این کاری است که یک ترانه سرا انجام می دهد تا کمی از یک ترانه سرای معمولی قدم فراتر بگذارد." "لینسکی" در پایان کتاب خود می نویسد: "شاید در کتاب بعدی بتوانیم به ترانه هایی که در جریان خیزش مردم عرب توسط خوانندگان محبوب آنها خوانده شده، بپردازیم."

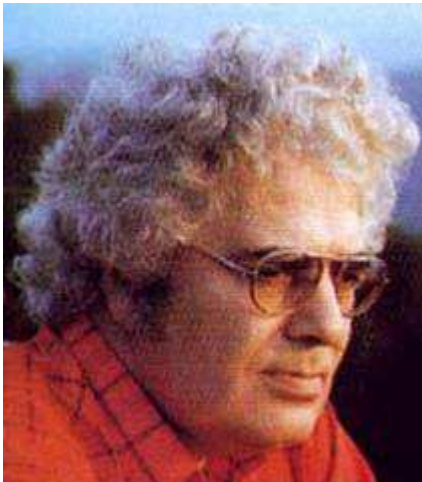
"طبقه سیاستمدار ایتالیا"

کتاب "طبقه سیاستمدار ایتالیا" نوشته "سرجیو ریزو" که به فساد مقامات ایتالیا پرداخته، مشکلات و مسایل مردم این کشور را مورد بررسی قرار می دهد. نویسنده این کتاب می گوید: "گوبا سیاستمداران ما ترتیب اولویتها را تغییر داده و نخست به منافع خود توجه دارند و پس از آن به منافع ما مردم. این موضوع را مردم به خوبی می فهمند."

در همین زمینه کاربران "فیس بوک"، صفحه ای با عنوان "رازهای طبقه حاکمه" آماده کرده اند که تنها طی چند روز بیش از ۳۵۰ هزار مخاطب را با خود همراه کرده است.

انتشار کتاب "خانه من در انتهای جهان است" از احمد

شاملو



کتاب "خانه من در انتهای جهان است"، بیوگرافی کوتاهی از آغاز کار احمد شاملو و تعدادی از آثار منتشرنشده اش تا اواخر دهه ۶۰ است. این کتاب به بهانه یازدهمین سال خاموشی این شاعر، به کوشش سیاوش شاملو و با گردآوری، تصحیح و ویرایش بهروز صاحب‌اختیاری منتشر شده است.

این اثر دربرگیرنده‌ی یادداشتهایی از احمد شاملوی جوان در سن ۱۶ تا ۱۹ سالگی می باشد. افزوده بر مقاله‌ها، برخی از سروده‌های چاپ‌نشده این شاعر به همراه یک داستان چاپ‌نشده او نیز ارائه شده است.

هنگامی که نشر آزاد وجود ندارد

حسن کیائیان، مدیر "نشر چشمه" که یکی از معتبرترین انتشاراتیهای ایران است و از سوی جمهوری اسلامی به "براندازی نرم" متهم شده، می گوید، هرچند وقت یکبار صدای نفسهای هیولای تعطیلی را در چند قدمی خود می شنود.

آقای کیائیان در سایت "نشر چشمه" از اوضاع کتابخوانی در ایران و همچنین بی‌توجهی به کتابفروشیها انتقاد کرده است. وی نوشته است: "واقعیت این است که روزبه‌روز از میزان نیاز مردم به کتاب در کشور ما کاسته می‌شود."

وی می افزاید: "تعطیلی ناخواسته و غم‌انگیز کتابفروشی قدیمی و استخوان‌دار "نشرآبی"، تعطیلی خودخواسته ولی دردناک کتابفروشیهای "نشرنی" و "انتشارات پارت"، زنگ خطری بود که در سال گذشته در این راسته به صدا درآمد. دیگر کتابفروشیها و مراکز فرهنگی گذر هم هر چند وقت یک‌بار صدای نفسهای هیولای تعطیلی را در چند قدمی خود می‌شنیدند/ می‌شنوند و تنها مهر کتاب و دلبستگی به این شغل بود/ هست که همچنان آنان را سرپا نگه داشته است... خواسته‌ی کتابفروشیها، دفاتر انتشاراتی، مراکز فروش محصولات موسیقیایی و دیگر اصحاب فرهنگ در گذر فرهنگی تهران گفته و دیده شدن است، همشهریانی که وقتی به این خیابان می‌رسند، شاید- از سرعت اتوموبیل خود بکاهند و از آن بیشتر، اگر شد سالی، ماهی -لااقل- طول پیاده‌روهای این گذر فرهنگی را طی کنند و نیم‌نگاهی هم به ویتترین این فروشگاهها و کتابفروشیها بیاندازند."

مرتضی احمدی: "من که قاچاق یا دزدی نکردم"

مرتضی احمدی که بازیگری در سینما و تیاتر، سالها فعالیت در حوزه‌ی دوبلاژ، خوانندگی، تحقیق و نگارش چندین کتاب و... بخشی از سرفصلهای زندگی هنری او را تشکیل می‌دهد، در باره نوشته خود به نام "پیش‌پرده و تاریخچه‌ی آن" می‌گوید: "۱۴ سال است که دیگر به محوطه‌ی وزارت ارشاد پا نگذاشته‌ام، زیرا آن قدر از سوی مسوولان این وزارتخانه که اتفاقاً وزارتخانه‌ی مربوطه‌ی ماست، برخوردهای بدی دیده‌ام که آرزو می‌کنم تا پایان عمر، گذرم به ارشاد نیافتد."

وی با اشاره به توقف تعدادی از آثارش در وزارت ارشاد، اظهار داشت: "من که قاچاق یا دزدی نکرده‌ام! انتشار کتابهایم هم با مجوز وزارت ارشاد صورت گرفته، اما نمی‌دانم چطور ممکن است یک کتاب بعد از بارها اخذ مجوز و انتشار، در چاپ دهم یکباره غیرقابل چاپ معرفی شود؟ کتاب "کهنه‌های همیشه نو" ی من به چنین سرنوشتی دچار شده. "فرهنگ لغات" هم به سرنوشت مشابه‌ای دچار شده و در چاپ پنجم متوقف مانده است."

موسیقی

جشنواره بتهوون در شهر بن، آلمان



شهر "بن" به مدت یک ماه میزبان "جشنواره‌ی بتهوون" است. بیش از ۲ هزار هنرمند از کشورهای گوناگون بیش از ۱۶۰ کنسرت کلاسیک و برنامه‌های جانبی اجرا خواهند کرد. در این جشنواره، "ارکستر ملی جوانان عراق" هم شرکت می‌کند.

هر سال در ماه سپتامبر و اکتبر شهر "بن" آلمان شاهد

"جشنواره‌ی بتهوون"، بزرگترین جشنواره‌ی موسیقی کلاسیک این کشور است. در جشنواره‌ی امسال که عنوان "موسیقی آینده" دارد، تعداد کنسرتها و برنامه‌های جانبی افزایش چشمگیری یافته است. از روز نهم سپتامبر تا نهم اکتبر، با همکاری "دویچه وله"، بیش از ۱۶۰ کنسرت کلاسیک و پاپ، برنامه‌های هنری گوناگون، میزگرد و سخنرانی برگزار می‌شود. نخستین "جشنواره‌ی بتهوون" را آهنگساز نامدار، "فرانتس

لیست" در سال ۱۸۴۵ به مناسبت هفتاد و پنجمین سالروز تولد "بتهوون" برگزار کرده بود. به همین دلیل امسال، در دویستمین سالگرد تولد "لیست"، شب ۲۴ سپتامبر به کارهای او تعلق گرفته است. شایان توجه است که یکی از سنتهای "جشنواره‌ی بتهوون"، همکاری با ارکسترهای خارجی و جوان است. در سالهای اخیر ارکسترهایی از ویتنام، ونزوئلا، برزیل و اروپای شرقی شرکت داشتند و امسال "ارکستر ملی جوانان عراق" دعوت شده است. این گروه که نوازندگان آن کرد و عرب هستند، در روز اول اکتبر در سالن "بتهوون" شهر "بن" برنامه اجرا می‌کنند. از آنجا که انتظار می‌رود شمار تماشاچیان به مراتب بیشتر از تعداد صندلیهای سالن باشد، این کنسرت در میدان مرکزی شهر بر پرده‌های بزرگ نشان داده می‌شود.

شهرام ناظری: "دیگر بس است. بی عدالتی بس است"

شهرام ناظری، هنرمند برجسته موسیقی سنتی ایران، در گفت‌وگویی با ماهنامه "تجربه" به پخش بدون مجوز آثارش از صدا و سیما اعتراض کرد و خواستار توقف بیعدالتیهای موجود شد. وی گفت: "اکنون بیش از سی سال است که صدا و سیما آثار و صدای مرا به گونه‌های مختلف مورد استفاده قرار داده و پخش کرده است و جالب اینجاست که در این مدت که در حقیقت یک عمر محسوب می‌شود، بدون اجازه از من و بدون اطلاع من و بدون در نظر گرفتن حق و حقوق من از نظر کپی‌رایت عمل کرده است."

وی می‌افزاید: "هر کدام از شما مسوولان سی ماه حقوق‌تان را دریافت نکنید چه واکنشی نشان می‌دهید؟ حال ببینید من شهرام ناظری که سی سال یعنی، یک عمر تحمل کرده‌ام، همچون کوه ایستاده‌ام، من می‌گویم دیگر بس است. بی‌عدالتی بس است. خیلیها خیلی ادعاهای زیادی دارند، اما من، شهرام ناظری، فرزند ایران و از نژاد کرد از ابتدای انقلاب یعنی، سال ۵۷ تا امروز که دارم با شما سخن می‌گویم، در این مدت ۳۳ سال نه کمک مالی و نه وامهای آنچنانی گرفته‌ام و نه زمین و نه خانه و نه هیچ چیز دیگر. هرگز از کسی یا نهادی نه تنها چیزی طلب نکرده‌ام، حتی حق و حقوق طبیعی سی ساله خود را نیز نگرفته‌ام. این را بدان سبب آورده‌ام که بدانید یک هنرمند با چه شرایطی در این مملکت روند کار هنری خود را ادامه داده است."

آنچه که این هنرمند مطرح می‌کند، فقط یک جنبه از بی‌عدالتی نسبت به هنرمندان است. سانسور، بازداشت و ممنوعیت، فشارهایی که هنرمندان را به ترک کشور کرده است از مشکلات اصلی هنرمندان ایران بوده است.

سرانجام توهم یک "هنرمند" به رژیم استبداد مذهبی

سعید مقیسه، قائم مقام شبکه سه سیمای رژیم در گفتگو با خبرنگار "دنیای صنعت" در مورد باز بودن آغوش این رسانه برای ایرانیان داخل و خارج و حضور "حبیب" در ایران، در اظهاراتی تحقیرآمیز می‌گوید، وی می‌تواند برگردد اما "به شرطی که آدم شود".

حبیب محببیا، خواننده‌ای که پس از خروج از کشور، به فعالیت هنری خود در لس‌آنجلس ادامه می‌داد، سال گذشته به ایران برگشت. رسانه‌های دولتی بازگشت او را به وعده شماری مقامات دولتی مبنی بر اجازه فعالیت به وی مرتبط ساختند. "حبیب" پس از بازگشت به ایران در یک مصاحبه از برگزاری کنسرت و انتشار آلبوم جدید خبر داد؛ اتفاقی که هیچگاه نیافتاد.

دستگیری مستندسازان

خبرگزاری رسمی جمهوری اسلامی به نقل از "باشگاه خبرنگاران جوان" وابسته به صدا و سیمای جمهوری اسلامی در روز جمعه ۲۵ شهریور خبر داد، شبکه گسترده ای از کسانی که تامین کننده اطلاعات، فیلم، خبر، سوژه یابی و تهیه گزارش از محیطهای مختلف ایران برای بی بی سی فارسی بوده اند، شناسایی شدند و طی روزهای آینده اقدام مقتضی در مورد آنان به عمل خواهد آمد.

در پی بازداشت تعدادی از مستندسازان سینمای ایران به این اتهام، برخی از سایتها و اشخاص، بازداشتها را امنیتی خواندند. هیات مدیره "مستندسازان سینمای ایران" در بیانیه ای ضمن مردود شناختن این اتهام، "چنین اظهاراتی را غیرمسوولانه" خواند که "موجب تضییع حقوق بازداشت شدگان و تشدید نگرانی همکاران و جامعه سینمایی ایران می شود".

در حالی که هنوز هیچ یک از مقامهای مسوول قضایی، امنیتی و فرهنگی نامی از بازداشت شدگان نبرده اند، روزنامه "کیهان"، ناصر صفاریان، مجتبی میرتهماسب، هادی آفریده، محسن شهرنازدار و کتایون شهابی را به عنوان پنج فیلمسازی معرفی کرده که بازداشت شده اند.

در همین حال بی بی سی اعلام کرد که کارمندی در ایران ندارد و با هیچ کس نیز در این کشور همکاری نداشته است.

ممنوع الخروج شدن مجتبی میرتهماسب

به گزارش فرهنگسرای پویا، مجتبی میرتهماسب، کارگردان که برای شرکت در کنفرانس مطبوعاتی پیرامون آخرین ساخته سینمایی خود و دیگر فیلمساز ایرانی، جعفر پناهی راهی پاریس بود، توسط ماموران امنیتی مستقر در فرودگاه بازداشت و حکم ممنوع الخروج بودن به وی ابلاغ شد. ماموران پس از بازرسی وسایل سفر وی، پاسپورت، کامپیوتر، دوربین فیلمبرداری و عکاسی او را ضبط کردند.

فیلم "این فیلم نیست"، ساخته مشترک جعفر پناهی و مجتبی میرتهماسب تا کنون برای نمایش در ۵۰ فستیوال معتبر جهانی گزینش شده است. وی قرار بود در هفته آینده در فستیوالهای تورنتو و نیویورک و در مراسم افتتاحیه فیلم در پاریس شرکت کند.

فرهنگسرای پویا در پاریس ضمن اعلام این خبر می گوید: "حکومت ایران در ادامه سیاستهای سرکوبگرانه خود موج تازه ای از فشار و ارباب به جامعه سینماگران ایران را آغاز کرده است و بیم آن می رود که در روزهای آینده محدودیتهای بیشتری را در مورد سینماگران و هنرمندان اعمال کند."

کارگردان ممنوع الخروج برنده جایزه فستیوال کن شد

محمد رسول اف، کارگردان فیلم "به امید دیدار" از رژیم جمهوری اسلامی اجازه خروج برای حضور در نمایش فیلم خود در جشنواره کن را دریافت نکرد. با این حال این فیلم با استقبال خوبی مواجه شد و جایزه بهترین کارگردانی را از بخش "نوعی نگاه" به دست آورد.

وی در مورد واکنش خشم آلود رژیم به این انتخاب می گوید: "اینجا بیشتر رسانه های وابسته به دولت که غالب رسانه ها را تشکیل می دهند، حضور این فیلم و دریافت جایزه بهترین کارگردانی و جایزه "فرانسیس

شاله" را نوعی توطیه ناشی از رفتار سیاسی فستیوال کن اعلام کردند و می گویند، فیلم بسیار ضعیف و فاقد ارزش هنری است. دسته ای از رسانه های وابسته به دولت مرا یک ایرانی خاین که برای کسب شهرت و پول چهره ی کشورش را مخدوش و سیاه نشان می دهد، معرفی می کنند. آنها داستان تحریف شده ای از فیلم را منتشر کردند تا اشتیاق تماشای فیلم از سوی علاقه مندان در ایران را از میان ببرند. مجموعه ی این شرایط، ساخت فیلم بعدی ام را دشوار تر می کند."

مردم بناب در حسرت تنها سینمای شهر که مانتو فروشی شد!

باوجود این که سینمای بناب شش سال است تغییر کاربری داده و تبدیل به بوتیک لباس زنانه شده اما همچنان مردم این شهر فروشگاه لباس را به رسمیت نشناخته و در مکالمات خود آن را "سینما" می خوانند؛ گویی خاطرات خوش آن در یادها همچنان زنده بوده و از تعطیلی سینمای شهر گلایه می کنند.

شمقدری: بهار عربی متأثر از سریال یوسف بود

معاون سینمایی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی معتقد است ایجاد موج بهار عربی در کشورهای مصر و تونس بی تاثیر از سریال یوسف پیامبر نبوده است. شمقدری می گوید: "شاید به تعبیر من یکی از جرقه هایی که باعث رخ دادن بهار عربی در برخی کشورهای عربی شد، مخالفت کشور مصر و تونس با پخش این سریال بود."

جالب است که پیشتر علی خامنه ای در مورد رویدادهای مصر گفته بود: "رویدادهای مصر و تونس پژواک انقلاب اسلامی است."

این در حالیست که اخوان المسلمین مصر سخنان وی را بی ربط خوانده و اعلام کرد: "انقلاب، انقلاب مردم مصر است نه انقلاب اسلامی."

"جدایی نادر از سیمین" نماینده ایران برای حضور در اسکار شد

هیات انتخاب فیلم ایرانی برای معرفی به اسکار ۲۰۱۲، فیلم "جدایی نادر از سیمین"، ساخته اصغر فرهادی را برگزید. این فیلم به مدت هفت روز متوالی در ایران اکران شد. اعضای هیات انتخاب عبارت بودند از: رویا تیموریان، پوران درخشنده، محمد بزرگ نیا، شهرام جعفری نژاد، محمد داودی، علیرضا شجاع نوری، مهدی صباغزاده، رسول صدر عاملی و امیر اسفندیاری.



اقتباس تازه ای از رمان آنا کارنینا، اثر لئو تولستوی

"کیرا نایتلی" و "جود لا"، بازیگران بریتانیایی در اقتباس تازه ای از رمان "آنا کارنینا"، اثر "لئو تولستوی" بازی خواهند کرد.

فیلمنامه این فیلم را "تام استاپارد"، نمایشنامه

نویس و فیلمنامه نویس برنده جایزه اسکار خواهد نوشت و "جو رایت"، کارگردان فیلم "تاوان"، این داستان عاشقانه تاریخی را کارگردانی خواهد کرد.

"کیرا نایتلی" در این فیلم نقش "آنا" را بازی خواهد کرد، زن متهالی که با سربازی جوان تر از خود رابطه دارد. "جود لا" نقش "الکسی کارین"، همسر او را ایفا می کند. در اقتباس تازه "آنا کارنینا" که سال آینده اکران خواهد شد، "آرون جانسون" نقش "کنت ورونسکی"، معشوق "آنا" را ایفا خواهد کرد. "جیمز شاموس" از شرکت فیلمسازی "فوکوس فیچرز" گفت: "جو رایت" فیلمساز ماهر است و با فیلمنامه درخشان "تام استاپارد"، این اقتباس از "آنا کارنینا" سرشار از شکوه و احساسات خواهد بود.

حقوق بشر.....

ملل متحد ساکنان اشرف را به طور رسمی پناهجو می شناسد

سایت همبستگی ملی:شنبه، ۲۶ شهریور ۱۳۹۰ / ۱۷ سپتامبر ۲۰۱۱

مجاهدان اشرف در ۲۱ مرداد و ۱۲ شهریور در نامه های خود به کمیسر عالی پناهندگان ملل متحد، باز تأیید موقعیت پناهندگی خود را طبق قانون اساسی عراق در سال ۱۹۷۰ و قانون اقامت خارجیان در این کشور در سال ۲۰۰۰ و ۲۰۰۲ خواستار شدند. در این نامه ها که رونوشت آن برای خانم مریم رجوی رئیس جمهور برگزیده مقاومت ایران و نمایندگان اشرف در خارج از عراق و حقوقدانان و پرفسور گودوین گیل کارشناس ارشد بین المللی در حقوق پناهندگی ارسال شده، خاطر نشان شده بود که مالکی که وابستگی او به رژیم ایران امر شناخته شده ای است، حملات خود به اشرف را به بهانه اینکه مجاهدین دارای استاتو و موقعیت قانونی نیستند توجیه می کند.

همزمان، وکلای مجاهدین و پرفسور گودوین گیل از مجاهدان اشرف خواستند که مشخصات کامل خود را با ذکر سالهایی که احتمالاً در زندانهای رژیم شاه یا خمینی بسر برده اند و همچنین جراحات و صدمه ای که از سوی نیروهای عراقی به آنها وارد شده است، بطور انفرادی اعلام و برای کمیسر عالی ملل متحد ارسال نمایند.

نهایتاً در آستانه ششمین ماه تحصن هموطنان در برابر مقر اروپایی ملل متحد در ژنو، و در پی کارزار جهانی حمایت از اشرف که رئیس جمهور برگزیده مقاومت آن را هدایت میکند، در روز ۱۳ سپتامبر (۲۲ شهریور) کمیساریای عالی پناهندگان ملل متحد اعلام کرد

درخواست های مشخص کردن موقعیت پناهندگی ساکنان اشرف را دریافت نموده است . هر چند کمیساریا برای خوشامد مالکی و رژیم از اشرف تحت عنوان «کمپ عراق جدید» نام می برد، اما در بیانیه خود طبق قوانین بین المللی قدم اساسی را برداشته و اعلام کرده است :

ساکنان کمپ اکنون بطور رسمی پناهجو تحت قانون بین الملل هستند و درخواست آنها (برای باز تأیید پناهندگی شان) نیازمند داوری است .

به این ترتیب ملل متحد از طریق کمیساریای عالی پناهندگان اعلام میکند :

قانون بین الملل ایجاب می کند که آنها باید قادر باشند از حفاظت بنیادین امنیت و رفاه برخوردار باشند. این شامل اصل «نان رفولمان» و حفاظت علیه اخراج یا بازگشت به مرزهای سرزمین هایی است که جان یا آزادی آنها مورد تهدید قرار می گیرد .

علاوه بر این کمیساریای عالی پناهندگان ملل متحد از دولت عراق میخواهد که ضرب الاجلش را برای بستن اشرف تمدید کند و امکانات لازم را فراهم نماید تا این درخواست ساکنان اشرف درخصوص موقعیت پناهندگی شان بتواند درزمانبندی و با شیوه مناسب استماع شود .

کمیساریا بر خلاف شایعات خاطر نشان کرده است که: هیچ گونه الزام رسمی و قانونی برای افراد برای جداسدن از سازمان مجاهدین خلق ایران در رابطه با موقعیت پناهندگی وجود ندارد. البته پرونده همه افراد براساس محتوای آن و قانون بین الملل مورد قضاوت قرار می گیرد.

به این منظور در یک محل امن و بیطرف مصاحبه های خصوصی و محرمانه صورت می گیرد. کمیساریای عالی ملل متحد خاطر نشان کرده است: با دولت عراق و هیأت مساعدت ملل متحد در عراق و طرفهای ذیربط دیگر (ساکنان اشرف) کار خواهد کرد تا محلی بیابد که امنیت و حقوق کلیه افراد را مورد احترام قرار دهد .

با این همه کمیساریا دربیانیه خود میگوید که برسمیت شناختن پناهندگی گروهی را مناسب نمیداند و آن را با عملکرد و راهنمای عمل خود در مورد گروههایی که تاریخچه فعالیت مسلحانه داشته باشند، منطبق نمی داند. کما اینکه اگر دلایل جدی در مورد کارها و جرایمی وجود داشته باشد که طبق کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنو، مانع برسمیت شناختن پناهندگی است، بایستی مورد بررسی قرار بگیرد .

در عین حال کمیساریای عالی پناهندگان ملل متحد، متعهد میشود نقش مناسب خودش را همراه با دولت عراق، یونامی و دیگر طرفهای ذیربط ایفا کند تا راه حلی برای این مشکل طولانی مدت پیدا نماید .

همزمان کمیساریای عالی پناهندگان ملل متحد در یک نامه در مورد « ساکنان کمپ اشرف در عراق »

به وکلای مجاهدان اشرف، آنها را از نامه کمیسر عالی به مالکی مطلع کرده است. در این نامه آمده است :
در رابطه با نامه مورخ ۲۹ اوت ۲۰۱۱ شما،

ما معتقدیم که اشاره به مواضع گذشته کمیساریا و عدم اعتماد (به کمیساریا)، غیرضروری بوده و کمک کننده نیستند. ما توجه داریم که چنین اشاراتی در نامه های بعدی حذف شده اند که ما از این برخورد سازنده تر استقبال می کنیم .

ما بر اساس این واقعیت که هم اکنون درخواستهای کتبی برای تعیین استاتوی پناهندگی از جانب بیش از ۳۰۰۰ ساکنین را دریافت کرده ایم پیش میرویم و با آن بعنوان تقاضانامه برای استاتوی پناهندگی برخورد میکنیم.

مهمتر اینکه، کمیسر عالی نامه ای در تاریخ ۲۳ اوت ۲۰۱۱ به نخست وزیر عراق نوری مالکی ارسال کرده و در آن درخواست تمدید مهلت برای بستن کمپ را کرده است تا به ما امکان این را بدهد که پروسه قضاوت را انجام بدهیم. همچنین دستیار کمیسر عالی در امر حفاظت در ۱۲ سپتامبر ۲۰۱۱ به همتهای ذیربط در دولت عراق نامه داده و آنها مطلع ساخته است که ما درخواستها را دریافت کرده ایم و ما اکنون استاتوی ساکنان اشرف را «پناهجو» محسوب میکنیم. این برای دولت عراق، الزامات قانونی به همراه دارد که در سند مورخ ۱۳ سپتامبر ۲۰۱۱ تصریح شده است.

ما معتقدیم که علاقه و نگرانی ما در این موضوع به دولت عراق گوشزد شده است .

به این ترتیب، دولت عراق مسئولیت اصلی امنیت و حفاظت افراد در خاک خود را بعهده دارد . همانطور که ملاحظه میکنید، کمیساریا در یک محیط پیچیده در عراق عمل میکند و بنابراین ما نمیتوانیم آن تضمینی را که در این خصوص در نامه ۱۲ سپتامبر ۲۰۱۱ خود در مورد امنیت ساکنان اشرف، در پی آن هستید به شما بدهیم. امنیت پناهجویان و پناهندگان النهایه مسئولیت کشور میزبان است . از سوی دیگر هیأت مساعدت ملل متحد در عراق نقش خاصی برای ایفا کردن دارد .

بهرحال ما داریم بطور شبانه روزی کار می کنیم تا قدمهای لازم را برای شروع ثبت و پروسه تعیین تکلیف کردن برداریم. ما همچنین در رابطه با رفاه و امنیت ساکنان اشرف با دولت عراق صحبت کرده ایم . کمیساریا متعهد است که نقش خودش را در کادر محدودیت های اختیاراتش همراه با سایر طرف ها از جمله یونامی انجام بدهد تا یک راه حل برای این مشکل طویل المدت پیدا کند. رفتار ما با ساکنان اشرف مشابه دیگر پناهجویان خواهد بود و ما متعهد هستیم که درخواست های هر یک از آنها را در یک پروسه منصفانه و با راندمان بررسی کنیم.

رئیس جمهور برگزیده مقاومت با تبریک به مجاهدان اشرف بخاطر نخستین قدم اساسی که ملل متحد و کمیساریای عالی پناهندگان برای برخورداری آنها از حفاظت بین المللی برداشته اند، جوشش خون شهیدان را یادآوری کرد و زحمات و تلاشهای متحصنان و یاران اشرف نشان در سراسر جهان را برای نگاهبانی از این خونها و حفظ جان مجاهدان اشرف، ستود .

خانم رجوی خاطر نشان کرد آنچه ملل متحد و کمیساریای عالی انجام دادند بسیار لازم، اما ناکافی است. لازم است زیرا، با مشخص شدن استاتو و موقعیت حقوقی مجاهدان اشرف از سوی ملل متحد، بهانه حمله و کشتار از مالکی و رژیم، گرفته میشود و اکنون یک راه بند جدی بر سر راه حملات وحشیانه قرار گرفته است. توجیه حمله و کشتار با این ادعا که مجاهدین در عراق دارای هیچگونه استاتو و موقعیت قانونی نیستند دیگر موضوعیت و کاربرد ندارد و دولت عراق باید به موقعیت قانونی مجاهدین اذعان کند. کما اینکه ایالات متحده هم می باید طبق آنچه ملل متحد و کمیساریای عالی اعلام کرده اند، در تأمین و تحقق حقوق و حفاظت های تأکید شده در بیانیه کمیساریا مشارکت و از نقض آنها توسط دولت عراق ممانعت کند .

همچنین کمیساریا باید برای ممانعت از توطئه های رژیم و عوامل دست نشانده آن در عراق، موقعیت پناهندگی همه ساکنان اشرف را بطور کامل به رسمیت بشناسد. کاری که اگر از این پیشتر طبق قوانین بین المللی انجام می شد، جان ۴۷ نفر از دست نمی رفت و ۱۰۷۱ نفر مجروح و مصدوم نمی شدند .

اکنون ملل متحد و بازوی بشردوستانه پناهندگی آن، کمیساریای عالی، نخستین قدم اساسی را برداشته اند و جامعه بین المللی از این طریق، اشرف را به لحاظ قانونی و سیاسی برخوردار از حفاظت بین المللی شناخته است. اما از آنجا که رژیم ولایت فقیه و دست نشانندگان و مزدوران آن در عراق، قانون نمی شناسند، این شناسایی بین المللی بایستی بر روی زمین و در صحنه عملی به دستور دبیرکل تضمین اجرایی پیدا کند .

از یک سو جامعه بین المللی باید مالکی را وادار به قبول قوانین بین المللی و عدم تبعیت از دستورات ولی فقیه نماید و از سوی دیگر دبیرکل بایستی با دستور مستقر کردن ناظران ملل متحد در اشرف و حفاظت از آنان، منطقه اشرف را غیر نظامی و خالی از افراد و نیروهای مسلح عراقی و مزدوران نیروی تروریستی قدس و تحت نظارت دائمی ملل متحد اعلام کند.

اگر نیروهای آمریکایی حاضر به انجام مسئولیت خود طبق توافقی که با مجاهدان اشرف امضاء کرده اند، نیستند، نیروهای ملل متحد باید حفاظت ساکنان اشرف را تأمین و تضمین کنند .

بساط شکنجه روانی با ۳۰۰ بلندگو و همچنین محاصره اشرف و صدور احکام آخوند ساخته که مالکی پیاپی آنها را اعلام کرده است، همراه با شوه‌های مسخره تلویزیونی و لجن پراکنی علیه مجاهدین بویژه زنان قهرمان اشرف و زمینه سازی برای اذیت و آزار اشرفیان، بایستی بالکل متوقف شود. مالکی بایستی به احکام دادگاه اسپانیا تن بدهد و هر ادعایی هم که علیه مجاهدین دارد، در این دادگاه یا در کمیسیون حقیقت یاب بین المللی مطرح کند. چیزی که آن را از سالها پیش از طریق لرد اسلین درخواست کرده ایم.

خانم رجوی به تأکید، سازمان ملل و یونامی را به انجام وظایف بشردوستانه خود طبق قطعنامه ۲۰۰۱ شورای امنیت ملل متحد و طبق ماده ۶۶ گزارش دبیرکل ملل متحد درباره اشرف به منظور جلوگیری از هرگونه حمله و اذیت و آزار و بمنظور احقاق حقوق ساکنان اشرف فراخواند.

بیانیه سی امین سالگرد تأسیس شورای ملی مقاومت ایران

سی سال از تأسیس شورای ملی مقاومت ایران در ۳۰ تیر ۱۳۶۰ می گذرد. شورا در آغاز سی و یکمین سالگرد حیات خود و در پنجاه و نهمین سالگرد قیام ۳۰ تیر ۱۳۳۱ در حمایت از دکتر محمد مصدق و در صد و پنجمین سالگرد انقلاب مشروطه، وظیفه خود می داند به همه زنان و مردانی که طی یک قرن گذشته در راه آزادی، استقلال، دموکراسی و عدالت به شهادت رسیده‌اند، ادای احترام کند.

شورای ملی مقاومت به ویژه یاد و خاطره ۳۶ ستاره پرفروغ اشرف را که در حمله جتایتکارانه روز ۱۹ فروردین امسال به شهادت رسیدند، گرامی می‌دارد: مجاهدان دلیر سیدحسین احمدی، قاسم اعتمادی، احمد آقایی، حسن اوانی، جعفر بارجی، مهدی برزگر، مرتضی بهشتی، مرضیه پورنقی، ضیا پورنادر، سعید رضا پورهاشمی، محمدرضا پیرزادی، شهناز پهلوانی، حنیف کفایی، غلام تلغری، بهروز ثابت، سعید چاووشی، منصور حاجیان، مسعود حاجی لویی، زهیر ذاکری، فائزه رجبی، آسیه رخشانی، ناصر سپه پور، ورقا سلیمانی، علیرضا طاهرلو، مجید عبادیان، بهمن عتیقی، نسترن عظیمی، فریدون عینی، امیر مسعود فضل‌اللهی، محمد قیومی، خلیل کعبی، فاطمه مسیح، مهدیه مدد زاده، علی اکبر مدد زاده، صبا هفت برادران و محمدرضا یزدان دوست که در پیکار برای آزادی و عدالت و دفاع از حقوق انسانی خود جان فدا کردند، پیام آوران راه آزادی و شرافت انسانی بودند.

دولت نوری المالکی، به نیابت از بیت خامنه‌ای، در این خیال خام بود که با حمله ددمنشانه نظامیان، که بنا به گواهی بسیاری از برجسته ترین حقوقدانان، جنایت اشکار علیه بشریت شمرده می‌شود، می‌تواند مجاهدان دلیر اشرف را نابود کند یا آنان را به تسلیم وادارد. حماسه سترگ روز ۱۹ فروردین ۱۳۹۰ یک بار دیگر رؤیای ولی فقیه و مزدورانش را نقش بر آب کرد. هم‌چنان که حملات وحشیانه مزدوران خامنه‌ای در روزهای ۶ و ۷ مرداد ۱۳۸۸ به اشرف با شکست مفتضحانه مواجه شد، این بار نیز خامنه‌ای و ایادی حقیرش به یمن پایداری دلیرانه و مقاومت صبورانه زنان و مردان مجاهد در شهر اشرف و حمایت گسترده جهانی از این استواری برحق و عادلانه، ناکام ماندند.

در آغاز سی و یکمین سال حیات شورا، به همه رزمندگانی که سال گذشته، در پایداری اشرف، در صحنه‌های قیام و در زندانهای رژیم، در راه مبارزه با استبداد دینی و برقراری دموکراسی و حاکمیت مردم ایران به خاک افتادند، درود می‌فرستیم وهمبستگی خود را با زندانیان سیاسی و عقیدتی مقاوم در سیاهچالهای خامنه‌ای و با تمامی خانواده‌های شهیدان و زندانیان سیاسی، ابراز می‌داریم. هم چنین خاطره اعضای درگذشته شورا طی

یک سال گذشته؛ بانوی هنر ایران خانم مرضیه، هنرمند گرانقدر میهن منوچهر سخایی و «مجاهدین صدیق» مهدی افتخاری و رضا شیرمحمدی را گرامی می‌داریم.

ما به همهٔ زنان و مردان ایران زمین از خوزستان تا خراسان، از کردستان تا بلوچستان و از آذربایجان و سواحل خزر تا تهران و اصفهان و شیراز و سواحل دریای عمان و خلیج فارس که برای برچیدن حاکمیت آخوندی به‌پا خاسته‌اند؛ به کارگران، مزدبگیران و معلمان محروم کشورمان که دلیرانه در برابر استبداد ایستادگی می‌کنند؛ به جوانان و دانشجویان ایران که صدای حق طلبی مردم ایران را در جنبشهای خود بازتاب می‌دهند؛ به زنان ستم‌دیده، که در هر گوشه کشور در مقابل تهاجم وحشیانه مزدوران رژیم به حقوق انسانی خود مقاومت می‌کنند؛ به روشنفکران، هنرمندان و ورزشکاران که در همراهی با مردم به ننگ تسلیم در مقابل استبداد مذهبی تن نمی‌دهند؛ و به ایرانیان شریف پشتیبان مقاومت در خارج از کشور که صدای آزادیخواهی مردم ایران را باز تاب می‌دهند، درود می‌فرستیم.

شورای ملی مقاومت از تلاشهای شبانه روزی و بدون وقفهٔ خانم مریم رجوی، رئیس جمهور برگزیدهٔ شورا، برای جلب حمایت جهانی از مبارزهٔ مردم ایران و حقوق رزمندگان اشرف، قدردانی می‌کند. شورا از تلاشهای بی وقفهٔ وکلا و حقوقدانان حامی مقاومت و از حمایتهای مداوم زنان و مردان آزادیخواه و نیروهای دموکراتیک و مدافع حقوق بشر در سراسر جهان، به‌ویژه مردم آزادیخواه و نیروهای ملی و دموکراتیک عراقی، سپاسگزاری می‌کند.

شورا به مردم دلیر خاورمیانه و شمال آفریقا که در بهار عربی، علیه نظامهای دیکتاتوری به پا خاسته‌اند درود می‌فرستد و همبستگی خود را با مبارزه مردم این کشورها برای آزادی، اعلام می‌کند.

در سال گذشته رویدادهای مهمی در ایران و در خاورمیانه و شمال آفریقا اتفاق افتاد که به طور مستقیم یا غیرمستقیم، در سرنوشت رژیم ولایت فقیه و مقاومت سازمانیافته مردم ایران مؤثر بود. این رویدادها تضاد بین مردم و حکومت آخوندها را تشدید و به پیشرفت مبارزه مردم ایران کمک کرد. شورای ملی مقاومت ایران دیدگاههای خود پیرامون این تحولات را با هموطنان در میان می‌گذارد.

الف: بهار عربی در خاورمیانه و شمال آفریقا

1- خود سوزی یک جوان تونسسی به نشانهٔ اعتراض به فقر و بیکاری، در یکی از شهرهای کوچک این کشور، آتش قیام را برافروخت و دیری نپایید که انقلاب یاسمن به پیروزی رسید و حکومت دیکتاتوری بن علی سرنگون شد. پس از آن، مردم دلیر مصر به‌پاخاستند و با قیامهای خود، که کانون آن تحصن شبانه روزی در میدان آزادی بود، رژیم مبارک را سرنگون کردند. همزمان، مردم یمن علیه حاکمیت استبدادی و دیر پای خود قیام کردند پس از آن جنبش و قیام در پاره‌ی دیگر از کشورهای شمال آفریقا و خاورمیانه شروع شد که هنوز ادامه دارد. شروع انفجاری خشم فروخته و سرکوب شدهٔ مردم این کشورها جهان را در بهت و حیرت فروبرد. این قیامها تمامی تحولات سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا را به طور عمده و بلاواسطه، و تحولات سیاسی جهان را به طور غیرمستقیم، تحت تاثیر خود قرار داده‌اند.

2- خصلت توده‌یی و حضور طیف گسترده و گوناگونی از گرایشهای سیاسی و اجتماعی در این خیزشها، عامل تعیین کنندهٔ جدیدی را وارد معادلات سیاسی کرده که سبب شده است با وجود انواع مطامع و مقاصد قدرتهای بزرگ و نیز ضعف و انحراف در رهبری این خیزشها، فرهنگ و ادبیات انقلاب و قیام بار دیگر در

ابعاد کلان وارد مناسبات اجتماعی و سیاسی شود. طی دو دهه گذشته، مماشاتگران با دیکتاتورها با بهانه مخالفت با خشونت و در حقیقت تائید خشونت و سرکوب از جانب مستبدان، هرگونه برآمد توده ای رادیکال را نفی و علیه آن لجن پراکنی و تبلیغات زهرآگین می کردند. اکنون این مردم خاورمیانه و شمال آفریقا هستند که با شعار «الشعب یرید اسقاط النظام» (مردم سرنگونی نظام را می خواهند)، تاریخ جدید این منطقه استبداد زده را با قیامهای پرشور خود می نویسند. سیاست مماشات با نظامهای استبدادی در منطقه خاورمیانه به طور جدی به چالش کشیده شده و صفحه جدیدی در روابط بین المللی گشوده می شود.

3- قیام مردم لیبی در ناباوری جهانی، منجر به آزاد شدن بنغازی، دومین شهر بزرگ لیبی شد. نیروهای نظامی رژیم قذافی با درنده خوئی از زمین و هوا مردم بی دفاع این شهر را مورد حمله قرار دادند. مزدوران لباس شخصی قذافی که از سایر کشورهای آفریقایی برای سرکوب مردم لیبی اجیر شده بودند جنایت‌های زیادی مرتکب شدند. شورای امنیت ملل متحد قطعنامه ۱۹۷۳ را برای ممنوع کردن پرواز هواپیماهای رژیم قذافی و حفاظت از شهروندان لیبی تصویب کرد. این قطعنامه که با استقبال نیروهای مخالف رژیم قذافی قرار گرفت، راه را برای دخالت نظامی علیه نیروهای معمر قذافی و تشکیل ارتش آزادیبخش ملی لیبی باز کرد. سرنگونی حکومت قذافی و پیروزی نبرد آزادیبخش مردم لیبی پیامی نوید بخش برای مردم ایران و تمامی خلقهای تحت ستم در بردارد. رژیم آخوندی و شخص خامنه ای بارها نگرانی خود را از روند پیشرفت و پیروزی مردم لیبی ابراز کردند.

قیام دلیرانه مردم سوریه که به رغم کشتار سبعانه و آتش گشودن روز مره به روی تظاهر کنندگان، همچنان ادامه دارد، می تواند موقعیت ژئوپلیتیک خاورمیانه را به کلی دگرگون کند. رژیم بشار اسد با سرکوب بیرحمانه و مانورهای تبلیغاتی به اصطلاح رفرمیستی می کوشد تا رژیم لرزانش را از سقوط نجات دهد. کمکهای بی دریغ رژیم ایران و شخص خامنه ای و شرکت مستقیم نیروی سرکوبگر و تروریستی قدس وابسته به سپاه پاسداران، تا کنون نتوانسته در اراده مردم دلیر سوریه برای سرنگونی دیکتاتوری سوریه خللی ایجاد کند. خامنه ای در یک موضع گیری ننگین و ارتجاعی، قیام مردم سوریه را وابسته به غرب اعلام کرد. واکنش مردم سوریه در قبال این موضع سخیف و مشارکت سپاه پاسداران در سرکوب قیام کنندگان، بسیار روشن و شفاف بود: آنها در شعارهای خود خامنه ای را مورد حمله قرار دادند و عکسهای او را به آتش کشیدند. خیزش مردم سوریه گرچه از حمایت لازم از سوی دولتهای بزرگ غربی برخوردار نشده و غرب به ویژه آمریکا به رفرم در درون رژیم سوریه دل بستگی نشان می دهد و اگرچه قطعنامه تحریم حکومت سوریه بارها با کارشکنیهای روسیه و چین روبه رو شده است، اما تحت فشار جنبش مردم سوریه و افکار عمومی بین المللی، کشورهای بزرگ غربی مجبور به تصویب بعضی از تحریمها علیه سرکوبگران مردم سوریه و از جمله سرکردگان سپاه پاسداران و نیروی تروریستی قدس شدند. این تحریمها و تحولات مربوط به لیبی که برای رژیم آخوندها به شدت تهدید کننده و هشداردهنده است خامنه ای را بر آن داشته تا با تمام قوا برای جلوگیری از سقوط رژیم سوریه تلاش کند.

4- پس از پیروزی اولیه مردم تونس و مصر، خامنه ای طمع داشت که از پیروزیهای مردم تونس و مصر برای ولایت خود فرصت به وجود آورد، هم چنان که در جنگ اشغالگرانه عراق به وجود آورد. اما این طمع رذیلانه خیلی زود نقش بر آب گردید و رؤیای «انقلاب اسلامی» در خاورمیانه و شمال آفریقا به کابوس سقوط رژیم سوریه تبدیل شد. واکنشهای منفی و صریح نخبگان سیاسی و اجتماعی این کشورها به ادعاهای خامنه ای و

حضور پر رنگ جوانان با گرایشهای گوناگون سیاسی-اجتماعی خامنه ای را به موضع تدافعی کشاند. اما از همه مهمتر، پاسخ مردم ایران به اراجیف خامنه ای بود. مردم، در سلسله قیامهای بهمن و اسفند ۱۳۸۹، با شعار «مبارک، بن علی، نوبت سیدعلی» به صراحت نظر خود را بیان کردند. در واکنش به قیامهای دلیرانه زنان و مردان ایران زمین، خامنه ای سیاست فرار به جلو را برگزید و در روز دوشنبه اول فروردین امسال در سخنرانی خود در مشهد، گفت: «آمریکا و غرب... تلاش کردند آن چه در این کشورها اتفاق افتاد را در ایران اسلامی، ایران مردمسالاری و ایران ملت، پیاده کنند... در این ترفند، عوامل آنها در داخل کشور، افراد ضعیف و فرومایه و حقیقاً دستخوش هواهای نفسانی که سعی کردند شاید بتوانند، اما معلوم بود حرکت شکست خورده و کاریکاتوری مضحک و بی نتیجه است و ملت ایران [بخوانید پاسداران و چماقداران لباس شخصی] بر دهان آنها کوبیدند.»

بدیهی است که خامنه ای نمی تواند با فرار به جلو، بر این حقیقت که به شدت از پیشرفت بهار عربی هراسان است، سرپوش بگذارد.

ب : بحران عمیق در هرم قدرت، جنبشهای انفجاری در جامعه

5- تحلیل از روند تحولات سیاسی در جامعه و درون هرم قدرت، باید بر روند رشد و گسترش قیامها و جنبشهای دوساله گذشته متکی باشد. جنبشها و خیزشهای سالهای ۱۳۸۸ و ۱۳۸۹ همه نیروهای سیاسی و اجتماعی و کل حاکمیت را تحت تاثیر خود قرار داده است. سران رژیم به طور روزمره از خطر بروز «فتنه» و خطرات شدیدتر از آن که در پیش است، ابراز نگرانی می کنند و در حالی که در یک گام به جلو مدعی مہار قیامها می شوند، در دو گام به عقب هشدار می دهند که آتش فتنه زیر خاکستر است و هر دم امکان بروز آن وجود دارد. خامنه ای بهتر از هرکس دیگر می داند که تشدید تضاد جامعه با ولایت منزوی و منفورش همواره می تواند با بروز انفجاری جنبشهای توده یی، تخت سلطنت مطلقه اش را واژگون کند. ادعای خامنه ای در مورد مہار خیزشهای مردمی سال ۱۳۸۸، با قیامهای بهمن و اسفند ۱۳۸۹، که تمامی نتایج جنبشهای سال ۱۳۸۸ را بازسازی کردند، شکست خورد. خامنه ای فکر می کرد با سرکوب متمرکز و جلوگیری از شکل گیری هسته های اولیه قیام، و انجام ضد حمله ۹ دی ۱۳۸۸ در مقابل قیام روز عاشورا (۶ دی ۱۳۸۸)، می تواند از بروز خشم مردم جلوگیری کند. اگرچه حرکتهای گوناگون کارگری و دانشجویی در فاصله بین ۶ دی ۱۳۸۸ تا ۲۵ بهمن ۱۳۸۹، به علت سرکوب شدید، به یک قیام توده ای بالغ نشدند، اما خیزشهای بهمن و اسفند ۱۳۸۹ با خصلت سرنگونی طلبانه کل رژیم و با شعار علیه ولایت فقیه، به ویژه شعار ساده اما پر محتوای «مبارک، بن علی، نوبت سید علی»، ادعای خامنه ای مبنی بر مہار قیامها را، که توسط مجیزگویانش «مدیریت و تدبیر رهبری در مہار فتنه» توصیف می شد، باطل کرد. واکنش مسخره نمایندگان مجلس رژیم در براه انداختن تظاهرات در صحن مجلس و عربده کشی مزدبگیران ولی فقیه در فیضیه قم، عمق و وسعت این قیامها و احساس خطر شدید رژیم را نمایان ساخت.

6- خیزشهای بهمن و اسفند ۱۳۸۹ ضربه یی اساسی به نقشه ولی فقیه برای موج سواری روی بهار عربی زد و برای خامنه ای به جای فرصت، تهدید ایجاد کردند.

این قیامها، تحت تاثیر انقلاب تونس و مصر، به خیزش علیه استبداد مذهبی در ایران تبدیل شدند و مردم ایران که خود پیشگام مبارزه علیه استبداد بودند، جای هیچگونه بهره برداری برای خامنه ای و ایادی یش باقی نگذاشتند.

محتوا و شعارهای این قیامها که جهت اصلی شان علیه تمامیت نظام بود، بر جهتگیری کهنه و نخ نما شده «اجرای بی تنازل قانون اساسی جمهوری اسلامی» در ابعاد میلیونی مهر باطل شد زدند. بی دلیل نبود که موسوی و کروبی به سادگی و با سکوت درمقابل تعرض رژیم و بازداشت خانگی خود، راه تسلیم و تمکین در پیش گرفتند.

بهار عربی و قیامهای بهمن و اسفند ۱۳۸۹، این واقعیت را به وضوح نشان دادند. که دیکتاتورها اصلاح پذیر نیستند اکنون دیگر افسانه سرایی در مورد امکان اصلاح ولایت فقیه و تغییر از درون رژیم و ، بنابراین شرکت در انتخابات نمایشی، نمی تواند هیچ کس را فریب دهد .

بازی مسخره انتخاباتی برای «مجلس نهم» فقط کشاکش و جنگ قدرت در محدوده باند غالب حاکمیت را بازتاب میکند. شورای ملی مقاومت این نمایش مسخره را - هم چون تمامی نمایشهای انتخاباتی پس از ۳۰ خرداد ۱۳۶۰- تحریم می کند.

7- قیامهای مردمی در سالهای ۱۳۸۸ و ۱۳۸۹ بحران در هرم قدرت را بیش از پیش شدت بخشیدند. خامنه ای در سخنرانی خود در روز دوشنبه اول فرودین ۱۳۹۰ در مشهد گفت: «سعی کنید این گلایه ها را در معرض افکار عمومی مطرح نکنید، چرا که این کار ضربه به اتحاد ملی است و من به مسئولان کشور به طور جد در این زمینه تذکر و هشدار می دهم.»

در همان روز رفسنجانی بدون توجه به تذکر ولی فقیه، در یک مصاحبه گفت: «دشمنانی که حقیقاً در کمین ما هستند، متاسفانه از کم و کیف اختلافات داخلی و علل آن هم آگاهی دارند. برایشان روشن است که اختلافات جدی شده و محدود به اصولگرایان و اصلاح طلبان نیست. متاسفانه شاخه های دیگر هم سربرآورده اند.»

رفسنجانی در شرایطی از سربر آوردن «شاخه های دیگر» صحبت می کرد که با فشار مستقیم خامنه ای از ریاست مجلس خبرگان برکنار شده و جرمش، آن گونه که از عربده کشیهای ایادی خامنه ای در فیضیه قم استنباط می شد، فقدان «بصیرت» در برابر قیامهای مردم بوده است .

چندی بعد معلوم شد که شکاف در قسمت بالای هرم قدرت هم شکل گرفته و این بار گماشته ولی فقیه در مسند ریاست جمهوری، است که با آگاهی به درهم شکسته شدن سلطه ولی فقیه؛ به حوزه اقتدار خامنه ای دست درازی می کند. خامنه ای که عزل خفت بار متکی را فروخورده بود در مقابل دست درازی احمدی نژاد به وزارت اطلاعات سریعاً واکنش نشان داد و فارغ از فرمهای قانونی رژیم، وزیر اطلاعات را شخصاً در پست خود ابقا کرد. خانه نشینی ۱۱ روزه احمدی نژاد از ۳ تا ۱۴ اردیبهشت، نتوانست در عزم ولی فقیه برای حفظ حوزه های انحصاری قدرتش خللی ایجاد کند. در همین فاصله «مقام معظم رهبری» مجبور شد سه بار به منبر برود و نسبت به رشد روزافزون تضاد در هرم قدرت هشدار دهد تا بتواند گماشته اش را به تسلیم وادارد. خامنه ای در روز شنبه ۳ اردیبهشت در دیدار با تعدادی از ایادیش در استان فارس به باندهای رژیم تاکید کرد که از «بگومگوها و تحلیلهای پوچ بر ضد یکدیگر» پرهیز کنند و افزود: «نگذارید اختلاف و شکاف بوجود آید و آن چه را که دشمن در تبلیغات و خبائتهای سیاسی خود می خواهد، رخ دهد». وی ضمن امتیاز دادن به احمدی نژاد تاکید کرد که «اعضای دولت و شخص رئیس جمهور حقاً و انصافاً مشغول خدمت در کشور هستند... و... ملت و رهبری همواره از خط کار و خدمت حمایت می کنند و ملاک هم اشخاص نیستند بلکه ملاک اصلی خط کار و خدمت است.»

ولی فقیه برای قدرتمندی در مقابل باندهای هوادارش گفت: «تا زمانی که من زنده هستم و مسئولیت دارم، نخواهم گذاشت حرکت عظیم ملت ایران به سوی آرمانها، ذره ای منحرف شود... نظام جمهوری اسلامی، دستگاه مقتدری است و رهبری هم محکم در مواضع صحیح خود ایستاده است». وی سپس به مساله برکناری وزیر اطلاعات پرداخت و گفت: «رهبری هیچ گاه بنای دخالت در تصمیمها و کارهای دولت را ندارد، مگر آنجا که احساس کند مصلحتی مورد غفلت قرار گرفته است... در قضیه اخیر هم که چندان مهم نیست، احساس شد از مصلحت بزرگی غفلت شده است.»

خامنه ای یک روز بعد در دیدار وزیر کشور و فرماندهان نیروی انتظامی؛ گفت: «نباید از گفته‌ها و یا نوشته‌های ما برداشت اختلاف شود و اگر هم اختلاف نظری است نباید جلوی مردم اخم کرد و بهانه به دست رسانه های بیگانه داد... و رسانه های مجازی نباید بگونه ای سخن بگویند و یا مطلبی منتشر کنند که القای نبود آرامش و دو دستگی در کشور شود زیرا این موضوع، خلاف واقع است». او در همین سخنرانی از این که حرفهای روز گذشته اش به جای آرامش، موجب تشنج بیشتر شده ابراز نارضایتی کرد و گفت: «متأسفانه برخوردی که برخی روزنامه ها با این سخنان کردند، بجای القای آرامش در کشور، القای دوگانگی و دعوا می‌کرد... نباید به گونه ای صحبت و یا مطلبی نوشته شود که القای تنش و درگیری در جامعه باشد. زیرا این موضوع، خلاف شرایط کنونی کشور است.»

یک هفته بعد، در روز شنبه ۱۰ اردیبهشت در حالی که احمدی نژاد به قهر و خانه نشینی اش ادامه می داد، خامنه ای در دیدار اعضای شورای عالی استانها و شهرداران مراکز استانها ضمن ابراز «ناشادی» و «دل شکستگی» گفت: «مختصر ناهماهنگی که به وجود می‌آید، کشور صدمه می‌بیند. اگر ناهماهنگیها بزرگتر باشد، دشمنان مطلع می شوند از آن، جنجال راه می‌اندازند، خوشحالی می کنند، پایکوبی می‌کند. دشمن وقتی بین ما یک فضای چالش یا درگیری بوجود می‌آید، باید پرهیز کنیم. یکی از ملاکهایی که امام همیشه تکرار می کردند این بود که ببینیم کدام رفتار ما دشمن را خوشحال می کند. هر رفتاری که دیدیم دشمن را خوشحال می کند، این را بدانیم که منفی است، بد است. آن چیز که دشمن را خوشحال می کند، دوست را ناشاد می کند، دل شکسته می کند؛ بایستی از آن پرهیز کرد.»

خامنه ای سرانجام احمدی نژاد را مجبور به تمکین کرد، هرچند این تمکین از طرف گماشته اش به معنی تسلیم کامل نبود. این جدال مرگبار که به گفته ایادی ولی فقیه از فتنه هم بدتر است همچنان ادامه دارد و گرد و خاک به پا کردن در مورد دستگیری رمالها و جن گیران نمی تواند این شکاف عمیق را که محصول قیام مردم ایران است، پنهان کند.

8- واقعیت این است که برآمد احمدی نژاد محصول اتخاذ یک سیاست مشخص از جانب خامنه ای بود. خامنه ای با توجه به فرصت بلعیدن عراق، سیاست یک پایه کردن کامل حاکمیتش را در دستور کار قرار داد و این سیاست را «ریل گذاری جدید» در کار نظام نامید. با اتخاذ این سیاست که مرتضی نبوی آن را «گفتمان اصولگرایی سوم تیر» می نامد، سپاه پاسداران و باندهای امنیتی به سرعت حوزه های مربوط به مدیریت دولتی را اشغال کردند. در حوزه اقتصادی قرارگاه خاتم الانبیای سپاه پاسداران، به بزرگترین طرف قراردادهای پروژه‌های دولتی تبدیل شد که تا کنون بیش از ۱۵۰۰ پروژه مهم دولتی را در اختیار خود گرفته است.

در آخرین فراز از این پیشروی، روز چهارشنبه ۱۲ مرداد پاسدار رستم قاسمی، سرکرده این قرارگاه، پست وزارت نفت را تصاحب کرد. سپاه پاسداران که احمدی نژاد اخیراً آن را «برادران قاچاقچی خودمان» نامیده،

در حوزه های مختلف سیاسی وارد سیستم دولت شده و در عرصه های اجتماعی همچون ورزش و امور فرهنگی قدرت اول محسوب می شود .

سید مرتضی نبوی مدیر مسئول روزنامه رسالت و عضو نهاد جدید «هیات عالی حل اختلاف و تنظیم روابط قوای سه گانه» در پاسخ به این سوال که «احمدی نژاد حاصل و نتیجه گفتمان سوم تیر است یا خالق آن؟» پاسخ می دهد: «در مجموع می شود قضاوت کرد که ایشان نتیجه گفتمان اصولگرایی است.....البته در ایجاد این فضا بیشترین نقش را خود مقام معظم رهبری داشتند» (سایت آریا، دوشنبه ۳ مرداد ۱۳۹۰).

طی ۶ سال ریاست جمهوری احمدی نژاد، ولی فقیه بدون اما و اگر از گماشته اش در مقابل سایر باندهای درون قدرت حمایت کرد. اما باند احمدی نژاد که به طور کامل مورد حمایت سرکردگان سپاه پاسداران و به خصوص شخص خامنه ای بود، نمی خواست در همان مقام گماشته وفادار سابق، نقش آفرینی کند. از این رو برای بدست آوردن کرسیهای بیشتر در مجلس ارتجاع آینده خیز برداشت. برای پیشبرد این سیاست لازم بود که وزارت اطلاعات به طور کامل در اختیار باند احمدی نژاد قرار گیرد و همین امر منجر به بروز شکاف و چالش عمیق بین ولی فقیه و گماشته اش شد. خامنه ای که با مهندسی انتخابات قلبی، احمدی نژاد را از اتاق «تجمیع آرا» بیرون کشیده بود، اکنون در مقابل دو راهی تحمل این گماشته سرکش یا حذف او قرار گرفته است. او ترجیح می دهد که احمدی نژاد تا پایان دوره کنونی ریاست جمهوری بر سر کار بماند. به همین سبب، در مقابل ذهن کجی تعدادی از نمایندگان مجلس که در هنگام بررسی صلاحیت وزیر ورزش، شعار «دو- دو» سر داده بودند، ابراز نارضایتی کرد و این عمل را ردالت نمایندگان مجلس خواند. روح الله حسینیان در این مورد می گوید: «بعد از برخورد مجلس هیأت رئیسه به همراه رؤسای کمیسیونها به خدمت رهبری رسید. من رهبری را هیچ وقت به این ناراحتی ندیده بودم ایشان فرمودند: مجلس ردالت نشان داد.» این تحولات بحران درونی رژیم را تعمیق و به درون باند غالب حاکمیت منتقل کرده است. تلاشهای خامنه ای تاکنون نه تنها نتوانسته این بحران را مهار کند، بلکه تلاشهای پنهان و توصیه های آشکار او عملاً با انکار جریان متنفذی رو به رو میشود که آخوندهای باند غالب به عنوان «جریان انحرافی» از آن یاد می کنند .

به این ترتیب، بحران عمیق و شکاف مرگبار در رأس هرم قدرت، برای خامنه ای میدان مانور زیادی باقی نمی گذارد. این که ولی فقیه سرانجام کدام راه را برگزیند به عوامل گوناگون بستگی خواهد داشت. اما مسأله مهمتر در این میان این است که انتخاب هر کدام از این گزینه ها، به معنی به گل نشستن سیاست یک دست کردن قدرت و در نتیجه، شکست این سیاست و بنابراین، متضمن تهدید سقوط است.

9- شورای ملی مقاومت ایران در اجلاس میان دوره یی خود در مورد موقعیت رژیم و جدالهای درون آن به این جمع بندی رسید: «بحران حاد و بی علاج در رأس هرم حاکمیت که با ماجرای استعفای وزیر اطلاعات و انتصاب وای ازسوی خامنه ای و قهر و خانه نشینی احمدی نژاد سرباز کرد و هم چنان در حال گسترش است، تناقض ذاتی و ناسازگاری بنیادین رژیم ولایت فقیه با هرگونه نهاد و حتی نمایش انتخاباتی را نشان می دهد و در عین حال بی اعتباری خامنه ای را به دنبال شقه های ناشی از تحمیل دور دوم ریاست جمهوری احمدی نژاد و حذف نیمه کاره رفسنجانی، برجسته می کند. ولی فقیه رژیم با تحمیل یک ضرب احمدی نژاد در نمایش انتخابات سال ۸۸، نه تنها به یکپایگی و سلطه مطلق العنانی که مد نظر داشت نرسید، بلکه اکنون گماشته اش هم حاضر به تبعیت از او نیست. این بحران درونی و اوضاع انفجاری جامعه ایران از یک سو، و همگرایی بین المللی در تحریم رژیم، همراه با توفان قیامهای منطقه ازسوی دیگر، موقعیت رژیم را از هر بابت

شکننده کرده است. مشارکت رژیم و سپاه پاسداران در سرکوب قیام مردم سوریه که به وضع تحریمهای مشخصی از سوی دولت آمریکا و اتحادیه اروپا علیه فرماندهان سپاه پاسداران و نیروی تروریستی قدس منجر شده، بیانگر شدت احساس خطر رژیم از تحولات جاری است و حداکثر آمادگی و هوشیاری سیاسی را از جنبش مقاومت طلب می کند» (اطلاعیه دبیرخانه شورا، اول تیر ۱۳۹۰)

10- مدیریت امنیتی اقتصاد ایران توسط قوه مجریه رژیم که تحت فشار بحرانهای درونی و بیرونی است، رکود تورمی و فقر و بیکاری گسترده و عمیقی را بر جامعه ایران تحمیل می کند. رکود اقتصادی به حدی رسیده که، به گزارش اولیه صندوق بین المللی پول، نرخ رشد اقتصاد ایران به حدود صفر درصد تنزل کرده است. گرانی و نرخ تورم با چنان آهنگ شدیدی افزایش یافته که حتی وزیر اقتصاد رژیم از افزایش ۱۰ درصدی نرخ تورم طی سال گذشته سخن می گوید (ایلنا- ۲۳ مرداد ۹۰). احمد توکلی نماینده مجلس رژیم پیش بینی کرده است که نرخ تورم تا پایان سال جاری به ۴۰ درصد برسد.

کل درآمد ارزی ایران از محل فروش نفت از هنگام کشف نفت در ایران حدود ۹۵۰ میلیارد دلار بوده که بیش از ۳۵۰ میلیارد دلار آن طی دوران شش ساله احمدی نژاد نصیب حاکمیت شده است. اما در همین دوران شش ساله و به خصوص طی یک سال گذشته، زندگی مردم ایران فاجعه بار شده است. به گواهی «سازمان شفافیت بین المللی» قوه مجریه رژیم ایران زیر سلطه سپاه پاسداران، به لحاظ مالی در ردیف فاسدترین دولتهای جهان قرار دارد. با انتصاب پاسدار قاسمی، رئیس بخش پیمانکاری سپاه پاسداران (قرارگاه خاتم) به عنوان وزیر نفت، حلقه بهره برداری امنیتی از صنعت نفت و گاز و پتروشیمی ایران تنگتر شده است .

مهمترین تحول اقتصادی سال گذشته اجرای طرح حذف یارانه (موسوم به طرح هدفمند کردن یارانه ها) و «واقعی کردن» قیمتها بود. هرچند تا وقتی قیمت سقوط کرده ریال واقعی نشود صحبت در مورد واقعی کردن قیمت کالاهای حامل انرژی بیهوده است، اما طی همین مدت، قیمتها سیر صعودی داشته و تمامی شاخصهای کلان اقتصادی طوری تغییر کرده اند که زندگی اکثریت مردم به تباهی کشیده شده است. افزایش سرسام آور نقدینگی و به تبع آن افزایش نرخ تورم، ورشکستگی واحدهای تولیدی، سقوط رشد اقتصادی، افزایش بیکاری و... همه حاکی از سقوط اقتصاد کشور است. سیاست حذف یارانه ها هرچند نیم نگاهی به رهنمودهای بانک جهانی و صندوق بین المللی پول دارد، اما در اساس به دنبال اهداف امنیتی و بالا بردن درآمد دولت و صرف آن در جهت تشدید سرکوب و صدور تروریسم است. با دادن اعانه به خانواده ها، می خواهند مانع شکلگیری جنبشهای اعتراضی شوند. دولت فاسد آخوندی مدعی است که از محل حذف یارانه ها، طی سال جاری حدود ۶۰ هزار میلیارد تومان درآمد کسب می کند. بر عملکرد بخش عمده این درآمد طبق قانونی که ولی فقیه رژیم از آن حمایت کرد، حتی ارگانهای حکومتی از جمله مجلس رژیم حق نظارت و حسابرسی ندارند. ماهیت قرون وسطایی رژیم، سلطه سپاه پاسداران بر اقتصاد کشور و وجود بنیادهای فرا دولتی، هیچ جایی برای رفرم اقتصادی باقی نمی گذارد.

11- خامنه ای هنوز به نقطه ای نرسیده که به شکست سیاست یک دست کردن اعتراف کند. او در صدد است تا با مهیار احمدی نژاد جایگزین مناسب را، به نحوی که نه مستلزم بازگشت به گذشته باشد و نه نیازمند حذف احمدی نژاد تا دو سال آینده، سامان دهد. برای این منظور، دست به اقدامات زیر زده است:

*دستگیری بعضی از اطرافیان احمدی نژاد که مهمترینش دستگیری عباس امیری فر، دبیرکل «جامعه و عاظ ولایی»، رئیس شورای فرهنگی نهاد ریاست جمهوری، امام جماعت مسجد سلمان فارسی نهاد ریاست جمهوری و عضو شورای مرکزی جمعیت وفاداران انقلاب اسلامی است. بر اساس بعضی از اخبار رسانه های مخالف احمدی نژاد، این فرد کاندیدای احمدی نژاد برای وزارت اطلاعات بوده است.

*کسب بیعت مجدد و کامل سرکردگان اصلی سپاه پاسداران

*جدا کردن کامل باند فاشیستی امنیتی عماریون از احمدی نژاد

*ایجاد تشکل جدیدی تحت عنوان «جبهه پایداری انقلاب اسلامی» متشکل از بریدگان از احمدی نژاد، برای پرکردن صندلیهای مجلس آینده از عناصری که در سر سپردگی شان به ولی فقیه جای شک و شبهه نباشد.

*جلوگیری از بهره برداری باند مغلوب نظام از زیر ضرب رفتن احمدی نژاد با زیر ضرب بردن «دولت سازندگی» (رفسنجانی) و «دولت اصلاحات» (خاتمی) و «جریان فتنه» (موسوی و کروبی).

*خنثی سازی رفسنجانی و تلاش برای هضم او در سرسپردگان ولایت خامنه ای از طریق مؤتلفه، البته بعد از حذف وی از ریاست خبرگان و به حاشیه راندن مجمع تشخیص مصلحت نظام،

*و سرانجام برگماری آخوند گوش به فرمان هاشمی شاهرودی رئیس قبلی قضائیه رژیم، در رأس «هیات عالی حل اختلاف و تنظیم روابط قوای سه گانه»، تا سایه و سپر مقام ولایت و نوعی قائم مقام بیان نشده رهبری باشد، هم احمدی نژاد را از موقعیت مقام دوم نظام محروم کند و هم به رفسنجانی نشان بدهد که از کرسی ریاست مجمع تشخیص مصلحت، چیزی جز یک مقام تشریفاتی باقی نمانده است .

این اقدامات ولی فقیه، درحالی که سیاست بی دنده و ترمز احمدی نژادی بدون افراد وفادار به احمدی نژاد ادامه دارد، نمی تواند بحران عمیق درون هرم قدرت را مهار کند. خامنه ای مجبور است بپذیرد که با فلج شدن سیاست یک دست کردن قدرت، و در حالی که راه بازگشت به رویش بسته شده و با تهدید سقوط روبه روست، تنها به سرکوب مطلق و صدور تروریسم عنان گسیخته می تواند روی آورد .

ج : پیروزیهای مقاومت و صعود راه حل سوم

12_ در اثر تکامل روند فشرده و همه جانبه رویارویی بین رژیم و مقاومت، قطب بندی سیاسی چنان آشکار، شفاف و قاطع شده که نه فقط دو طرف ستیز، که همه ناظران و تحلیلگران به آن اذعان دارند. به همانگونه که مقاومت سازمانیافته مردم ایران در سرنگونی رژیم ولایت فقیه عزم جزم دارد و طی سی سال گذشته آماده پرداخت هزینه این راه پُر فراز و نشیب بوده است، رژیم هم خود را در جنگی همه جانبه در عرصه های سیاسی، نظامی و دیپلماتیک علیه مقاومت می بیند. در ارزیابی خامنه ای، از آن جا که خط مشی سیاسی شورای ملی مقاومت ایران باعث تعمیق و گسترش قیامها و مقاومت توده یی می شود و از آن جا که اشرف به مثابه کانون پایداری و نبرد می تواند چراغ راهنمای زنان و مردان آزادیخواه ایران باشد؛ اقدامات سرکوبگرانه باید هر چه بیشتر شدت پیدا کند. در مقابل، مقاومت ایران با مداخله موثر و هشیارانه در جنبشها و قیامهای مردمی و با افشای پیگیر سیاستهای تروریستی، سرکوبگرانه و ماجراجویانه رژیم در عرصه جهانی، قدرت مانور رژیم را محدود کرده و مماشاتگران را در تنگنا قرار داده است. در سال گذشته جنبش مقاومت در عرصه های مختلف روندی از پیشرفت و صعود پرشتاب و فشرده را طی کرده است.

13_ نیروهای سرکوبگر تحت امر ولی فقیه برای محدود کردن حوزه نفوذ جنبش مقاومت در قیامهای مردمی اقدام به دستگیریهای گسترده، شکنجه زندانیان مقاومت و یورشهای مکرر به خانواده های مجاهدان اشرف و خانواده های شهیدان و زندانیان سیاسی کردند. اعدام جنایتکارانه مجاهدان قهرمان علی صارمی، جعفر کاظمی و محمد علی حاج آقایی، اولین اعدامها به خاطر شرکت در قیام و سفر به اشرف بود؛ هرچند که این اعدامها به خاطر مقاومت دلیرانه این شهیدان نتیجه عکس داد و باعث گسترش فضای مقاومت و ایستادگی در جامعه شد و در سطح بین المللی نیز موج محکومیتها را علیه رژیم برانگیخت .

مقاومت ایران طی یک سال گذشته صدها اعلامیه روشنگرانه در مورد نقض حقوق بشر در ایران منتشر و برای نهادهای مدافع حقوق بشر و مجامع جهانی ارسال کرد .

افشاگرهای جهانی درباره اعدامها، شکنجه ها و زجرکش کردن قهرمانانی مانند محسن دگمه چی در زندان، در جلسات شورای حقوق بشر ملل متحد و مواضع عفو بین الملل و دیگر مجامع مدافع حقوق بشر، سرانجام به تعیین مجدد گزارشگر ویژه ملل متحد برای بررسی نقض حقوق بشر در ایران منجر شد. این اقدام به رغم تمامی تلاشها و سرمایه گذارهای رژیم، از جمله اعزام محمد جواد لاریجانی و هیاتهای همراهش به ژنو و نیویورک، شکست سنگینی برای رژیم ایران در قلمرو حقوق بشر بود.

رژیم آخوندها در زمان کوتاهی که از تعیین گزارشگر ویژه می گذرد ، چند بار اعلام کرده است که از ورود گزارشگر ویژه ملل متحد به ایران ممانعت می کند. این موضعگیریهای ننگین و ناگزیر، تمامی نقشه ها و مانورهای رژیم و مدافعان مماشات با رژیم را به رغم هزینه های کلانی که برایش کرده اند، نقش بر آب می کند .

14_ مهمترین دستاورد مقاومت ایران در کارزار حقوقی- سیاسی، صدور قرار منع تعقیب و لغو اتهام تروریستی در پرونده ۱۷ ژوئن ۲۰۰۳ بود. دادگستری فرانسه و قضات تحقیق ضد تروریسم، پس از ۸ سال و پس از بررسی انبوه مدارک و اسنادی که در حمله ۱۷ ژوئن با خود برده یا پس از آن گرد آوری و پرونده سازی کرده بودند، سر انجام قرار رسمی منع تعقیب رئیس جمهور برگزیده شورای ملی مقاومت ایران و ۲۳ تن از مسئولان، اعضا و هواداران مقاومت به اتهام تروریسم و تأمین مالی تروریسم را صادر کردند. به این ترتیب، پرونده ۱۷ ژوئن که از ۱۰ سال پیش در زمان آخوند خاتمی، به عنوان مشوق اصلاحات در رژیم اصلاحناپذیر ولایت فقیه، بر اساس زدن برچسب تروریستی به جنبش مقاومت گشوده شده بود، از بابت اتهام تروریستی به طور رسمی خاتمه یافت.

فرا تر از این، در حکم صادره، مفهوم تروریسم از مقاومت مشروع و جنگ توسط یک ارتش آزادیبخش تفکیک شده و قاضی تصریح کرده است که نمیتواند « مخالفان رژیم ایران را تروریست توصیف کند» و بگوید « آنها در هیچ شرایطی نمیتوانند از حق خود برای مقاومت علیه ستم استفاده کنند. »

حقوقدانان و وکلای برجسته فرانسوی با استقبال از صدور قرار منع تعقیب توسط قاضی تحقیق، یادآوری کردند که از یک دهه پیش اعلام کرده بودند که این پرونده سازی علیه جنبش مشروع مقاومت ایران از ابتدا با انگیزه سیاسی و به خاطر استمالت و معامله با استبداد مذهبی حاکم بر ایران، تشکیل شده است. طی ۸ سال گذشته اندک اندک به اثبات رسید که صدها هزار برگ دعاوی و اتهامات دروغین، چیزی جز اباطیل وزارت بدنام اطلاعات و مزدوران برون مرزی آن در همکاری مستقیم وزارت اطلاعات آخوندها با سرویسهای پشتیبان نبوده است.

صدور قرار منع تعقیب به‌مثابه سوختن و برباد رفتن یک دهه سرمایه‌گذاری، پرونده سازی، شیطان‌سازی، انتشار اطلاعات گمراه کننده و لجن‌پراکنی رژیم ولایت فقیه و مزدوران و شاهدانش علیه مقاومت ایران و سبلمهای آن است.

خانم مریم رجوی صدور این قرار منع تعقیب را «با بزرگداشت خاطره شهیدان و الامقام صدیقه مجاوری و ندا حسنی و دیگر قهرمانان مقاومت که تمامی هستی خود را برای اثبات حقیقت نثار کردند، به مردم ایران و مجاهدان آزادی‌ستان به‌ویژه در اشرف اشغال شده و خون افشان» تریک گفت.

شورای ملی مقاومت از همه هموطنان و یاران مقاومت ایران در سراسر جهان به‌ویژه از حقوقدانان و شخصیت‌های سیاسی و اجتماعی و مذهبی در فرانسه و دیگر کشورهای جهان که در این کارزار ده ساله در کنار مردم و مقاومت ایران ایستادند و سرانجام حقانیت و مشروعیت مقاومت در برابر ستمگری را در انظار جهانیان به کرسی نشاندند، ستایش و قدردانی می‌کند. این حکم برآستی یک هدیه بزرگ از سوی مقاومت ایران و رئیس‌جمهور برگزیده آن به رزمندگان آزادی‌دردنیای معاصر است. خون شهیدان و یک دهه کارزار بی‌وقفه اعضا و هواداران مقاومت، پشتوانه این پیروزی بیاد ماندنی است.

د: حمله جنایتکارانه ۱۹ فروردین و راه حل صلح‌آمیز و دائمی برای اشرف

15- حمله جنایتکارانه نیروهای تحت امر مالکی به شهر اشرف در روز ۱۹ فروردین امسال، واکنش وحشیانه خامنه‌ای در برابر پیشرفتهای مقاومت و نیاز او به از میان برداشتن نیروی اصلی مخالف رژیم بود. این حمله براساس تمامی معیارهای حقوقی یک جنایت علیه بشریت، جنایت جنگی و جنایت علیه جامعه بین‌المللی شمرده می‌شود. حکم دادگاه اسپانیا، نظریه‌های ارائه شده توسط استادان حقوق بین‌الملل و قطعنامه دوحیزی نمایندگان کنگره آمریکا مؤید این حقیقت است.

طبق سندی که توسط شورای ملی مقاومت منتشر شد، این حمله نظامی، طرحی برای نابودی کامل سازمانیافته‌ترین و مقتدرترین نیروی مخالف رژیم بود. ابعاد نیروی مهاجم و شدت وحشیگری در این حمله و شلیک مستقیم به افراد بی‌دفاع و غیرمسلح، نشان دهنده هدف این تهاجم بود: نابودی کامل اشرف، که سیاست راهبردی خامنه‌ای برای مهار بحران داخلی و پیشروی بیشتر در عراق و بلعیدن این کشور است. ولی فقیه ارتجاع این سیاست را لازمه حفظ نظام میداند؛ از همین رو پایداری در اشرف نیز بخش تجزیه‌ناپذیر نبرد برای سرنگونی این رژیم است.

خامنه‌ای حمله به اشرف و نابودی آن را شرط حمایت از مالکی در وضعیت بحران سیاسی عراق تعیین کرده بود، ولی مقاومت حماسی مجاهدان شهر اشرف و جانبازی شهیدانش منجر به توقف این حمله شد. پایداری زنان و مردان دلیر در برابر حملات جنایتکارانه وحوش تا دندان مسلح نوری مالکی و مزدوران نیروی تروریستی قدس و مقاومت در مقابل محاصره ضد انسانی و شکنجه روانی، موج بسیار نیرومندی از حمایت‌های سیاسی و حقوقی را برانگیخت و منجر به انزوای سیاسی رژیم و عامل دست‌نشانده اش در عراق شد.

خانم مریم رجوی در گردهمایی بزرگ روز ۲۸ خرداد امسال در پاریس در مورد این حمله گفت: «حمله ۱۹ فروردین به اشرف، واکنش رژیم برای مهار نیروی سرکش آزادی در جامعه ایران مخصوصاً بعد از شعله‌ور شدن دوباره آتش قیامها از زیر خاکستر خیانت بود...می‌خواستند اشرف را منهدم کنند، اما اشرف در تمام جهان به عنوان نبرد شعله‌ور مردم ایران برای آزادی شناخته شد. می‌خواستند خاموش کنند، اما آتشی در جان میلیون‌ها ایرانی افروخت که هرگز خاموشی نخواهد پذیرفت.....جامعه جهانی به ویژه ملل متحد و آمریکا، در قبال حفاظت و امنیت ساکنان اشرف مسئولند. به آنها می‌گوییم: مجاز نیستید به بهانه احترام به

حق حاکمیت عراق در قبال جنایت علیه بشریت و جنایت جنگی بی‌عملی پیشه کنید. این نقض آشکار تعهدات بین‌المللی است...بله حمله به اشرف، ربطی به حاکمیت ملی عراق ندارد. این کشتار در بیت خامنه‌ای طراحی شد، برای دفاع از ولایت فقیه بود»..

16- پس از حمله جنایتکارانه ۱۹ فروردین، راه حل پارلمان اروپا برای رفع وضع بحرانی اشرف در مقابل راه حل خامنه‌ای مبتنی بر نابودی اشرف یا به تسلیم کشاندن کامل زنان و مردان مجاهد، قرار گرفت. این راه حل که توسط هیات اعزامی پارلمان اروپا به عراق، و گروه رابطه با عراق ارائه شد، در کمیسیون خارجی به تصویب رسید و حمایت تمامیت پارلمان اروپا را بدست آورد.

این راه حل، بعنوان یک راه حل صلح آمیز و دائمی، بصورت یک طرح مشخص در ۱۹ اردیبهشت از سوی استرون استیونسون رییس گروه رابطه با عراق، برای رییس جمهور، وزیران خارجه و دفاع آمریکا، رؤسا و وزیران خارجه کشورهای عضو اتحادیه اروپا، رهبران کشورهای عربی، دولت عراق و دبیرکل و مقامات ملل متحد ارسال گردید.

در روز ۲۰ اردیبهشت، هیات رسمی اعزامی پارلمان اروپا به عراق، در یک کنفرانس مطبوعاتی در مقر پارلمان اروپا در استراسبورگ، طرح خود برای اشرف را اعلام کرد.

در این طرح، در عین برسمیت شناختن حقوق ساکنان اشرف طبق قوانین و کنوانسیونهای بین‌المللی، انتقال آنان به کشورهای ثالث پیشنهاد شده است.

همچنانکه دکتر آخو ویدال کوادراس و خوزه سالفرانکا دو تن از نایب رئیس پارلمان اروپا و همچنین گابریل آلبرتینی رئیس کمیسیون خارجی و استرون استیونسون رئیس گروه رابطه با عراق متعاقباً در یک نامه مشترک به خانم اشتون، نماینده عالی اتحادیه اروپا و نایب رئیس کمیسیون اروپا در ۲۵ تیر نوشتند: «پذیرش این طرح از سوی ساکنان اشرف، پس از دیدار ۵ ساعته رییس هیأت رابطه با عراق با خانم رجوی رئیس جمهور منتخب شورای ملی مقاومت ایران، و کسب موافقت او، به آن اعتبار واقعی و عملی داده است.» مسئولان بلندپایه پارلمان اروپا در نامه خود خاطر نشان کردند «علاوه بر کشورهای اروپایی، این طرح حمایت گسترده‌ای در عراق و در کشورهای عربی از جمله در مصر و کویت و اردن کسب کرده است. اما رژیم ایران که نمیخواهد ساکنان اشرف جان سالم بدر ببرند، به وزارت اطلاعات، نیروی قدس، سفارت رژیم در بغداد و دست نشانده‌گانش در عراق ماموریت داده تا با این طرح مقابله کنند و آنرا به شکست بکشاند و به دولت عراق ابلاغ کرده است با هر طرحی که تحت کنترل کامل دولت عراق نباشد مخالف است.»

آنها در نامه خود همچنین هشدار دادند: «یک راه دیگر برای خنثی کردن راه حل اروپا راه حلی است که برخی طرفها از جمله دولت عراق و برخی محافل در آمریکا مطرح کرده و خواستار انتقال ساکنان اشرف به نقطه دیگری در عراق می‌باشند. بنا به ارزیابیهای دقیق، این راه حل غیر منطقی، غیر عملی و بغایت خطرناک است و زمینه ساز یک کشتار بزرگتر خواهد بود.. جابه‌جایی در عراق شانس انتقال به کشور ثالث، یعنی طرح اروپا را از بین می‌برد و آینده اشرف را برای مدتها در ابهام فرو می‌برد.»

شورای ملی مقاومت از تلاشهای خانم مریم رجوی در مذاکرات طولانی با رئیس گروه رابطه با عراق در پارلمان اروپا- که به توصیه نماینده ویژه دبیرکل ملل متحد آقای اد ملکرت درباره این طرح با خانم رجوی در پاریس گفتگو کرد- و از رویکرد مسؤلانه نمایندگان اشرف در قبال طرح اروپا قدردانی نمود و تأکید کرد که این امر مسؤلیت دولت آمریکا و ملل متحد را در خصوص تأمین حفاظت اشرف در مرحله انتقالی مضاعف می‌کند.

شورا همچنین طرح شکست خورده «کمی دورتر، کمی امن تر» برای جابجایی ساکنان اشرف در داخل عراق را قویاً مردود شناخت و آن را طرح فرستادن مجاهدین به زیر تیغ جلادان با جعل کلمه «امن» دانست.

17- شورای ملی مقاومت در تلاش خود برای انجام تحقیق بین المللی، فراخواندن جنایتکاران جنگی به پیشگاه عدالت و اعاده کامل حقوق ساکنان اشرف ازپای نمی نشیند. ما کارزار حفاظت از اشرف را بخش جدایی ناپذیر کارزار مقاومت و قیام برای آزادی ایران از چنگال رژیم استبداد مذهبی حاکم بر ایران می دانیم که بالفعل موجب بالاترین اثرگذاری دراعتلای مقاومت و قیام در داخل کشور بوده است. این کارزار طی یکسال گذشته در تمامی عرصه های حقوقی، سیاسی و بین المللی ادامه داشت و برخی از دستاوردهای مهم آن به قرار زیر است:

* صدور حکم دادگاه اسپانیا علیه مالکی، نخست وزیر عراق و احضار سه جنایتکار دیگر از فرماندهان حمله به اشرف در ۱۹ فروردین، از جمله فرمانده نیروی زمینی عراق، و احکام دیگر این دادگاه در مورد فراخواندن دست اندرکاران جنایت علیه بشریت در اشرف در ۷ مرداد ۱۳۸۸، به پیشگاه عدالت.

* بیانیه های بیش از ۴۰۰۰ نماینده پارلمان از ۴۱ کشور در ۵ قاره، از جمله بیانیه های اکثریت ۳۰ مجلس قانونگذاری، شامل پارلمان اتحادیه اروپا و مجمع پارلمانی شورای اروپا، و بیانیه های شهرداران منتخب ۷۱۰۰ شهر در فرانسه، ایتالیا و بلژیک،

* نزدیک به ۶۰ نهاد جهانی مدافع حقوق بشر در اعتراض به نقض حقوق انسانی ساکنان اشرف موضعگیری کرده اند.

* جلسات رسمی استماع در کنگره آمریکا، درسناي آمریکا و هم چنین در پارلمانهای کشورهای اروپایی، و در پارلمان اروپا. در استماع کمیسیون خارجی پارلمان اروپا با حضور اد ملکرت نماینده ویژه دبیرکل ملل متحد در عراق، نمایندگان موضوع نصب بلندگوها توسط عوامل رژیم آخوندی با همکاری نیروهای عراقی را به چالش کشیدند و نماینده دبیرکل بر ابراز مخالفت مکرر خود در این باره تاکید کرد.

* کنفرانسهای متعدد بین المللی با شرکت و سخنرانی برجسته ترین حقوقدانان و پارلمانتراها از کشورهای مختلف جهان

* تأکید وزیر خارجه آمریکا در جلسه استماع کنگره، بر لزوم اقدام برای حفاظت از اشرف.

18- موقعیت حقوقی مجاهدان اشرف که در ژوئیه ۲۰۰۴ از سوی ایالات متحده آمریکا به عنوان نیروی اشغالگر عراق و از سوی کمیته بین المللی صلیب سرخ به عنوان افراد حفاظت شده طبق کنوانسیون چهارم ژنو به رسمیت شناخته شده است، به رغم تلاشهای دیکتاتوری آخوندی و دست نشاندهانش در عراق برای نادیده گرفتن آن، در ۲۲ نظریه حقوقی از سوی استادان و متخصصان جهانی حقوق بین الملل و هم چنین مشاوران عالی رتبه ملل متحد تئوریزه، فرموله و روشن شده است.

از جمله، پروفیسور گودوین جیل، یکی از متخصصان نامدار حقوق پناهندگی در سطح بین المللی، که سالها مشاور عالی رتبه حقوقی کمیساریای عالی پناهندگان بوده است، اخیراً نظریه مبسوطی پیرامون موقعیت پناهندگی ساکنان اشرف از منظر قانون بین الملل در چارچوب وظایف کمیساریای عالی پناهندگان ارائه داد. و خواستار تأیید دوباره موقعیت پناهندگی ساکنان اشرف و حق آنها برای برخورداری از حفاظت بین المللی و حضور کمیساریا در اشرف گردیده است تا کارایی مفید آژانسهای سازمان ملل تأمین شود.

همچنین باید از اظهارات پروفیسور ژان زیگلر، نایب رئیس کمیته مشورتی شورای حقوق بشر ملل متحد یاد کرد که در کنفرانس بین المللی حقوقدانان در مقر اروپایی ملل متحد در ژنو با حضور رئیس جمهور برگزیده مقاومت در روز ۲۰ مرداد گفت: «ملاها خطر اشرف را خوب درک کرده اند. لذا پدری را صرفاً به خاطر اینکه از فرزندش در اشرف دیدن کرده اعدام می کنند، زیرا کوچکترین تماس جامعه ایران با اشرف، کل ساختمان تروریستی ملاها را زیر سوال میکشد. ولی ما اینجا هستیم تا یک همبستگی بین المللی و نهادینه با اشرف ایجاد کنیم. وضعیت اشرف از نظر حقوق بین الملل بسیار روشن است. دو قطعنامه شورای امنیت یعنی قطعنامه های ۹۶ و ۹۸ در این رابطه وجود دارند در دومین قطعنامه گفته شده است: "وقتی یک جمعیت در معرض عواقب یک جنگ یا شورش قرار داشته باشند یا وقتی دولت قادر به خاتمه دادن به رنج و مشکلات یک جمعیت نباشد یا نتواند از آنها پیشگیری کند، مسئولیت بین المللی حفاظت بر اصل عدم مداخله اولویت پیدا می کند." در حقوق بین الملل، این موضوع خیلی روشن است. اشرف جایی است که این مسئولیت باید در آن اجرا شود... کمیته مشورتی و همچنین شورای حقوق بشر تصدیق می کنند که قطعنامه های شورای امنیت قانون بین المللی محسوب می شوند. بنابراین، مسئولیت (حفاظت اشرف) بر عهده جامعه بین المللی است. ما اینجا گرد هم آمده ایم تا بقای اشرف را تضمین کنیم. تا بتواند به درخشش خود ادامه دهد، نه اینکه در خفا باشد، بلکه بتواند نور ساطع کند و شهادت بدهد. این شهادت اکنون بسیار مهمتر از یک سال پیش است و علت آن انقلابهای عربی است. چرا؟ زیرا ما با مقاومتان مسلمان، با زنان و مردانی با ایمان عمیق روبرو هستیم که به قیمت جانشان تجلی گر ارزشهای جهانشمول دموکراسی، آزادی و خودمختاری هستند. اگر اشرف باقی نماند، باید گفت که این هم به طور مثال برای انقلاب عرب، برای انقلابیون عرب که در جستجوی مرجع و الگو هستند، به مثابه یک فاجعه خواهد بود. من این را میگویم چون از یک ماموریت برای شورای حقوق بشر ملل متحد در آفریقای شمالی بازگشته ام و واضح است که از مصر تا کوه های نافو در لیبی شرقی و تا تونس، همه این جوانان در جستجوی مرجع و الگو هستند. برای اینکه اشرف باقی بماند، دو کار باید فوراً انجام شود. از یک طرف حضور فیزیکی ملل متحد در اشرف، نه بازدیدهای نوبه ای یونانی که اکنون هست، بلکه یک حضور دائمی ناظران در داخل شهر اشرف با پرچم ملل متحد. کار دیگر، بایستی یک تصمیم حقوقی از جانب کمیساریای عالی پناهندگان برای بازشناسی استاتوی پناهندگی و موقعیت پناهندگی جمعی همه ساکنان اشرف بر اساس کنوانسیون ۱۹۵۲ باشد.»

ه: کارزار لغو برچسب وزارتخارجۀ آمریکا و ترس و سراسیمگی رژیم

19- نتایج درخشان و دستاوردهای کارزار حقوقی - سیاسی مقاومت ایران در دفاع از حقوق مجاهدان اشرف و در زمینه درهم شکستن و مفتضح کردن بزرگترین توطئه رژیم ولایت فقیه یعنی زدن برچسب تروریستی به مقاومت مشروع مردم ایران، همواره واکنشهای هیستریک رژیم را در پی داشته است. در این میان بسیج جنون آمیز رژیم و بخشی از «اپوزیسیون» خانگی و خانه نشین شده اش در هراس از احتمال لغو برچسب وزارت خارجه آمریکا، از جهات مختلف استثنایی و تماشایی است. آنچه از خودکارهای سیاه و سبز خامنه ای در داخل و خارج کشور در این زمینه تراوش می کند، کلکسیون همان مهملاتی است که ساخته وزارت اطلاعات است و بهتر از هر مدرک و سندی، آبشخور مشترک آنها را افشا می کند. در بازار مکاره، اقدامات پیشگیرانه از خروج نام مجاهدین از لیست، همه دلالان ثابت و پادوهای دوره گرد "نظام مقدس" به خط شده اند تا هر رطب و یابسی را در حمله به مجاهدین و جنبش مقاومت عرضه کنند؛ هم اتهام مارکسیستی؛ هم ادعای سکت افراطی مذهبی؛ هم منافق و بدتراز کافر و بخشی از ارتش صدام برای کشتار کردها و شیعیان؛

هم سرسپردگی به آمریکا و اسرائیل و سعودی؛ هم نیروی مرده بی که اصلا حرفش را هم نباید زد چون زنده می‌شود، هم نیروی ساختار شکن مهیبی که اگر ازیلیست خارج شود تمام تلاشهای «کنشگران بی خشونت» برای حفظ ساختار نظام مقدس را خنثی می‌کند. آخرین اثر این کارگاه اشتراکی پوزیسیون - آپوزیسیون تولید عریضه همان سی و هفت نفری است که انگار هیچ وجه اشتراکی با هم ندارند، الا کینه مشترک شتری نسبت به مجاهدین. اما همه این تلاشهای گوناگون و در عین حال متحدالجهت، حاصلی جز روشن کردن دو نکته نمی‌تواند داشته باشد: یکی اثبات بی‌اعتباری لیست کذایی که در زیر ضرب احکام دادگاهها و انتقادات سیاسی دولتمردان و نمایندگان کنگره آمریکا از هر دو حزب قرار گرفته است. دیگری، رعشه و لرزه در رژیم ولایت فقیه، که دار و دسته های غالب و مغلوب وطنی و دست نشانندگان عراقیش به بسته های مشوق سیاست مماشات معتاد شده اندا و برای ادامه جنایات خود به این برچسب نیاز حیاتی دارند.

20- شرکت کنندگان در بزرگترین گردهمایی ایرانیان درخارج کشور که روز شنبه ۲۸ خرداد ۱۳۹۰ (اجتماع ۱۸ ژوئن) در پاریس برگزارشد، حفظ برچسب تروریستی علیه سازمان مجاهدین خلق ایران از سوی وزارتخارجه آمریکا به رغم احکام قضایی صادره را یک اقدام غیر قانونی و مشارکت در سرکوب مردم و مقاومت ایران توصیف کردند و از دولت امریکا اجرای دستور دادگاه را خواستار شدند.

خانم رجوی در سخنان خود در این گردهمایی گفت: «ایالات متحده در بستن راه تغییر در ایران مسئولیت دارد. زیرا نیروی اصلی تغییر در ایران را با یک برچسب واهی به بند کشیده است. توجه به حکم دادگاه و به فراخوان نمایندگان کنگره و شخصیت‌ها و صاحب‌نظران بلندپایه آمریکا که خواهان لغو برچسب تروریسم و به رسمیت شناختن مقاومت ایران هستند، بیش از هر زمان ضروری است. ما ایالات متحده را فرا می‌خوانیم که به این نام‌گذاری رسوا خاتمه بدهد و سیاستی را که تا امروز مانع آزادی مردم ایران بوده، تغییر دهد. اکنون نوبت گشودن پرونده جنایتهای رژیم ضدبشری آخوندی است این پرونده باید در شورای امنیت بازگشوده شود تا مردم ایران ببینند که در سطح بین‌المللی چه کسی با آنها و چه کسی با ملامهاست؟! این پرونده باید از طریق شورای امنیت به دیوان کیفری لاهه ارجاع شود. مردم ایران می‌خواهند حکم جلب خامنه ای صادر و به اجرا گذاشته شود و چنین خواهد شد.»

هم میهنان عزیز،

در شرایط پرتلاطم و پرشتاب تحولات خاورمیانه و شمال آفریقا، و در شرایطی که نبرد سهمگین و سرنوشت ساز مردم ایران برای آزادی و دموکراسی ادامه دارد، شورای ملی مقاومت در آغاز سی و یکمین سال حیات خود، در ستیز با رژیم ولایت فقیه برای به زیر کشیدن حاکمیت استبدادی-مذهبی و برای استقرار آزادی و حاکمیت ملی با مردم ایران تجدید پیمان می‌کند.

شورای ملی مقاومت ایران در ۳۰ سال گذشته با شما و در کنار شما و در پیکارهای بی‌امان شما در هر کوی و برزن و در هر کارخانه و مدرسه و دانشگاه ایستاده است. هیچ نیرویی نمی‌تواند ما و ملت ما را از این مبارزه دورانساز باز دارد .

همچنانکه آقای مسعود رجوی، مسئول شورای ملی مقاومت گفته است: «هر که با دیکتاتوری دینی و ولایت فقیه نیست و هر کس به رأی مردم و حاکمیت جمهور مردم پایبند است، با ماست.»

مردم و مقاومت ایران پیروز می‌شوند .

شورای ملی مقاومت ایران

مرداد ۱۳۹۰

فراسوی خبر.....

از فعالان محیط زیست آذربایجان در دفاع از دریاچه ارومیه حمایت کنیم



جعفر پویه، ۴ شهریور

سیاستهای تخریب گر رژیم جنایتکار ولی فقیه، نه تنها اقتصاد و تولید کشور را به سوی نابودی می کشاند، بلکه با تخریب محیط زیست، باعث مشکلات بزرگی در مناطقی از کشور شده است. نابودی و دم تراش کردن جنگلها از یکسو برای تامین مواد اولیه بعضی از کارخانجات و از سوی دیگر، با هدف زمین خواری و ساختمان سازی، بخشی عظیمی از جنگلهای شمال کشور را نابود کرده است.

آتش سوزی عمدی و عدم تلاش برای خاموش کردن شعله هایی که به جان جنگلهای مناطق زاگرس می افتد، بخشی عظیمی از این ثروت ملی را نابود کرده است. سدسازیهای بی حساب و کتاب برای واگذاری پروژه های نان و آبدار به شرکتهای امنیتی و نظامی باعث بی آبی و یا نابودی اراضی زیر دست این سدها و زیر آب رفتن بخشی از تاریخ کشورمان شده است. جاده سازیهای محاسبه نشده و کشاندن راه ها به پارکهای ملی و جنگلها و در خطر نابودی قرار دادن انواع گونه های گیاهی و جانوری از دیگر سیاستهای تخریب گر محیط زیست پایوران رژیم منحوس جمهوری اسلامی است.

خشک شدن دریاچه ها و تالابهای متفاوت کشور به دو دلیل خشکسالی و عدم بارش کافی و از این بدتر، سدهایی که بدون محاسبه و توجه به در خطر قرار گرفتن اکولوژی و محیط زیست ساخته می شود، دلیل این خشک شدنهاست. چندین دریاچه و تالاب معروف کشور در سالهای اخیر خشک شده که به گزارش منابع مختلف طرفدار محیط زیست و دلسوزان منطقه، دلیل آن سیاستهای تخریب گرانه رژیم ولی فقیه است.

خشک شدن و در خطر نابودی قرار گرفتن دریاچه ارومیه، یکی از زیباترین دریاچه های آب شور جهان که زیستگاه انواع نادری از جانوران است، به دلیل همین سد سازیهای بی حساب و کتاب اتفاق افتاده است. در اثر این فاجعه زیست محیطی منهای اینکه زیستگاه بسیاری از جانوران با خشک شدن دریاچه ارومیه از بین می رود، نمکزار باقیمانده از این دریاچه می تواند یکی از بلایای بزرگ برای مناطق همجوار باشد. همزمان با این مشکل، بسیاری از ساکنان شهرکها و دهکده های همجوار این دریاچه مجبور به کوچ اجباری شده و برای یافتن زیستگاهی مناسب روانه شهرها و استانهای دیگر کشور شده اند.

تلاش فعالان محیط زیست و دلسوزان برای جلوگیری از خشک شدن کامل این دریاچه تاکنون به جایی نرسیده و در رژیم ولایت فقیه هیچ گوشی، شنوای فریادهای مردم نیست. طرح آبرسانی برای نجات این دریاچه جهت جلوگیری از یک فاجعه زیست محیطی توسط مجلس نشینان آخوندی رد شده و آنها به مردم توصیه می کنند تا جلای شهر و دیار خود کنند. این اشخاص به هیچ وجه توجهی به فاجعه در حال وقوع ندارند و هزینه کردن سرمایه مردم ایران برای صدور تروریزم را واجب تر از جلوگیری این فاجعه می دانند. به همین دلیل فعالان مدنی آذربایجان خواهان اعتراض مردم به رد طرح نجات دریاچه ارومیه توسط مجلس آخوندی شده اند و بدین منظور برای روزهای پنجشنبه ۳ شهریور در استادیوم سهند تبریز همزمان با بازی فوتبال تراکتور سازی و شهرداری و همچنین شنبه ۵ شهریور، در شهرهای ارومیه و تبریز فراخوان داده اند. در پی این فراخوان، روز چهارشنبه ۲ شهریور، هرانا، سایت مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران خبر داد که نیروهای امنیتی و وزارت اطلاعات با حمله به خانه آقای مصطفی عوض پور، یکی از فعالان آذربایجان در محله

قم تپه تبریز، بیش از ۳۰ نفر را بازداشت کرده با خود برده اند. بنابر همین گزارش، نیروهای بی شرم وزارت اطلاعات رژیم ولایت فقیه همراه با تفتیش منزل و ضبط بعضی از وسایل شخصی آقای عوض پور، اقدام به ضرب و شتم مادر و پدر ایشان و دیگر اعضا خانواده کرده و آنان را نیز بازداشت می کنند. همزمان از شهر ارومیه خبر می رسد اداره اطلاعات این شهر با احضار ۲۰ تن از فعالان مدنی به اداره اطلاعات و تماس با بسیاری دیگر از این فعالان، اقدام به تهدید ایشان کرده است. طبق خبرها، سیستم پیام کوتاه استانهای شمال غرب نیز دچار مشکل شده و در صورت وجود کلمه "اورمو گولو" (دریاچه ارومیه)، پیامها به مقصد نمی رسد.

بنابر گزارشات، جو شهرهای آذربایجان ملتهب می باشد و فراخوان فعالان آذربایجان به مردم برای برگزاری تجمعات اعتراضی علیه سیاستهای رژیم در نابودی محیط زیست و بی توجهی به وضعیت دریاچه ارومیه، دست به دست می شود.

اعتراض به سیاستهای تخریب گرانه و نابودساز محیط زیست بخشی از حقوق اولیه فعالان محیط زیست و مردمی است که آن را مضر برای خود و سرزمین و آینده خود می دانند. رژیم جنایتکار ولایت فقیه سعی می کند با دستگیری فعالان آذربایجانی و خفه کردن صدای آنان، به سیاست تخریب و نابودی محیط زیست خود ادامه دهد. دفاع از حق حیات، نشاط و سرسبزی کشور، جلوگیری از صدمه زدن به اکوسیستم منطقه با خشکاندن دریاچه و نابودی بخشی از پوشش گیاهی و مرگ یا کوچاندن حیوانات منطقه، وظیفه تک تک شهروندان و ملت ایران است.

به کمک فعالان محیط زیست و مدنی آذربایجانی بشتابیم. از خواسته آنان که جلوگیری از مرگ و خشک شدن دریاچه ارومیه است، حمایت کنیم و علیه سیاست تخریبگرانه محیط زیست رژیم به اعتراض برخیزیم.

"روز قدس"، یک شکلک زُمخت بدون مصرف داخلی و خارجی

منصور امان، ۵ شهریور

یک سیرک با تعداد نه چندان زیادی مُشتری، در عوض اما با دکور چرب و رنگهای زننده و یک کمدی ایستاده که لطیفه هایش موضوعی جز التماس توجه از شنوندگان خارجی نداشت، همه ی مضمون نمایش "روز قدس" جمهوری اسلامی - یا آنچه که از آن بر جا مانده - را تشکیل می داد.

برگزارکنندگان مراسم دولتی دیروز البته دلایل خوبی برای توضیح شکست تدارکات خود و سر و ته گرفتن کاسه خالی "نظام" در برابر چشم مشهور "جهانیان" دارند. تقریباً از همان زمانی که طنین اولین شُعار "نه غزه، نه لبنان - جانم فدای ایران" در خیابانهای تهران آواز گرفت، کرکره بُنگاه تبلیغاتی آنها نیز تا نیمه پایین کشیده شد. پیامی که تظاهر کنندگان در ۲۷ شهریور ۸۸ در قالب این شُعار ارسال کردند، به سادگی این بود که دُشمنان آزادی و حقوق مردم خود، دوستداران آزادی و حقوق دیگران نمی توانند باشند.

از سوی دیگر، کارگردانان نمایش به دُرستی می توانند اجبار به برگزاری مراسم سال جاری زیر پرتو نامطلوب "بهار عربی" را به مثابه علت دیگر بی رونق بودن آن به ثبت رسمی برسانند. در حالی که آقای خامنه ای و دوستان با پُشتیبانی تمام عیار از دیکتاتور سوریه و ابراز ناراضیتی از سرنگونی همتای لیبیایی وی در برابر هر گونه پیشرفت دموکراتیک در خاورمیانه صف آرای کرده اند، گرفتن ژست پُشتیبانی از حل عادلانه مساله فلسطین، بیشتر شکلک زُمختی از آب در می آید که نه قابلیت عرضه برای مصرف داخلی دارد و نه به کار مصرف خارجی می خورد؛ به ویژه آنکه فقط ده روز پیش از افتتاح سیرک خیابانی "مردم مظلوم فلسطین" توسط مسوولان "أم القرا"، متحد استراتژیک آنها در "خط مُقدم مقاومت"، آوارگان فلسطینی را در "لادقیه" (غرب سوریه) از زمین و دریا به زیر رگبار توپ و گلوله گرفته بود.

این همه شاید دلیل فاش گویی نادر رهبر جمهوری اسلامی پیرامون هدف اصلی "نظام" از معرکه گیری برای فلسطین را بتواند توضیح دهد. او روز پنجشنبه، ۴ شهریور کارتهایش را اینگونه روی میز گذاشت: "روز

قُدس پُشتوانه امنیت کشور نیز است و هر ایرانی ای که روز قدس به خیابان می آید، در واقع به امنیت کشور و ملت و حفظ دستاوردهای انقلاب کمک کرده است.

آقای خامنه ای با تشریح رابطه ی مُستقیم بین "روز قُدس" و "امنیت کشور و ملت" در حقیقت بر آنچه که مُخالفان و مُعترضان در "روز قُدس" ۸۸ به مُقابلش رفتند، صحنه گذاشته است. او تایید می کند که از غزه و لُبنان به عُنوان ابزاری برای تامين "امنیت" و حفظ غنیمتهای که گرفته، استفاده می کند.

مفهوم سیاسی سُخنان رهبر جمهوری اسلامی و صداهاى دیگری که از زیر "خیمه نظام"، مراسم دولتی امسال را همراهی کردند، این است که خیزش ۸۸ و "بهار عربی"، از این زاویه شکاف در امنیت "نظام" را پُر ناشدنی ساخته است.

آذربایجان و ارواحسُون، ایسته مین کورالسُون (آذربایجان زنده باد، کور باد بدخواهان)

لیلا جدیدی، ۷ شهریور



در میدانها، کوچه ها و در تمامی سطح شهرهای ارومیه و تبریز، آذری زبانان ایران زمین علیه بی لیاقتی و بی کفایتی رژیم ولایت فقیه به پا خاسته اند. ماجرای فرمالیته بودن درخواست ۲۲ نماینده مجلس ارتجاع و عدم موافقت با طرح "دوفوریتی" از سوی جمع بی کفایتیهای مجلس، اعتراضات گسترده مردم، سرکوب رژیم و سرانجام جا زدن نمایندگان قلابی و حاشا کردن درخواست طرح دوفوریتی تا محکوم کردن

اعتراضات به بهانه همیشگی در کار بودن "دست دشمنان"، چوب تعلیمی درد آوری شد پشت دست رژیم. ۲۲ تن از نمایندگان رژیم از استانهای آذربایجان شرقی و غربی و اردبیل که از سوی مردم متهم به کم کاری در مورد نجات دریاچهی ارومیه شده بودند، در نامه ای سرگشاده موضوع را در مجلس ارتجاع مطرح کرده بودند. پس از مخالفت با "طرح دو فوریتی" آنان، اعتراضهای گسترده ای آغاز می شود که وسعت چشم گیر آن رژیم را دستپاچه می کند. نمایندگان ارایه "طرح دو فوریتی" به مجلس را منکر می شوند، اما از سوی دیگر حرفهای ضد و نقیض آغاز می شود. بی

تفاوتی نسبت به طرح در حرفهای جمشید انصاری، یکی از نمایندگان رژیم اینگونه آشکار می شود که می گوید: "دلایل و ضرورت دو فوریتی بودن طرح به خوبی برای نمایندگان توضیح داده نشده بود." فراتر از آن، نادر قاضی پور، نماینده رژیم از ارومیه با تظاهر به درک مشکل دریاچه ارومیه، تظاهرات را "غیرقانونی"، "با برنامه ریزی بدخواهان" و "برای ایجاد نا امنی در سطح شهر" توصیف می کند.

اما چه کسی سطح شهر را با حمله به معترضین، گاز اشک آور، ضرب و شتم، زخمی کردن و شکستن در و پنجه مغازه داران، حمله به بیمارستانها و ... به میدان جنگ تبدیل کرد و نا امنی به وجود آورد؟ تمسخر آور تر اینکه وی در واکنش به شعار تظاهرکنندگان که ریشه در مبارزات دیرینه خلق آذربایجان دارد (آذربایجان و ارواحسُون، ایسته مین کورالسُون) و گویای نفرت به حاکمان است، می گوید: "ما حق شما را در مجلس مطالبه خواهیم کرد."

برای اشتراک نسخه چاپی نبرد خلق با آدرس زیر تماس بگیرید

nabarad@iran-nabard.com

گرو کشی ۳ هزار میلیارد تومانی

منصور امان، ۲۱ شهریور

یک روز پس از نشست سران سه قوه که به گفته منابع نزدیک به رییس مجلس، "موضوع آن بیشتر مربوط به مبارزه با مفاسد اقتصادی بود"، برگ تازه ای به پرونده "بزرگترین اختلاس بانکی کشور" افزوده شد که در آن از ارتباط باند نظامی - امنیتی دولت با این دزدی تاریخی سخن گفته می شود. آقایان احمدی نژاد، صادق و علی لاریجانی در خاتمه نشست خود برخلاف روال متداول از شرکت در کنفرانس مطبوعاتی مشترک خودداری کرده بودند.

اکنون ارگان اندرونی آقای خامنه ای (روزنامه کیهان) مایل است فاش کند که "جریان انحرافی پشت پرده اختلاس است" و از سوی دیگر، یک عضو کمیسیون اصل ۹۰ مجلس از "بررسی اولویت دار پرونده ارتباط جریان انحرافی با اختلاس ۳ هزار میلیاردی" خبر می دهد. رییس "موسسه تمدن اسلامی" نیز کشف کرده است: "اختلاس ۳ هزار میلیاردی تحرک جریان انحرافی برای انتخابات آینده است."

این تحوّل را می توان یک پیشرفت در روشن شدن جزئیات بیشتری از پرونده ای دانست که تا پیش از این به جز مبلغ کلان ثبت شده در آن، چند کارمند و یک مدیر محلی نقش آفرینان اصلی آن معرفی می شدند. پرسش فقط این است که شناسایی متهم ("جریان انحرافی")، یک پیشرفت قضایی در پهنه اجرای عدالت و به بیان دقیق تر، مجازات آمر و عامل و بازگرداندن وجه مورد مناقشه است یا پیشرفتی سیاسی، به مفهوم به دست آوردن ابزاری برای به عقب راندن و تحت فشار قرار دادن متهمان محسوب می شود؟

پاسخ سووال مزبور را می توان با نگاه به رابطه شناور دستگاه قضایی جمهوری اسلامی با عدالت به گونه مجرد و منافع به گونه مشخص، دریافت کرد. زیر این نگاه نسبی گرانه، اتهام یا جرم، مفهومی مشروط و تفسیر پذیر است که بسته به خواست یا مصالح مفسر، بسته بندی می شود.

رابطه مزبور را هفته گذشته، رییس قوه قضاییه با تهدید به افشاگری در صورت "پایان نیافتن اظهارات غیرمسوولانه برخی مسوولان" و همچنین ابراز بزرگواری در این باره که تاکنون "برای حفظ حرمت افراد سخن نگفته ام"، با ذکر نمونه توضیح داده است. به بیان دیگر، بالاترین مقام قضایی جمهوری اسلامی به طور رسمی به سوواستفاده از پرونده های قضایی برای "افشاگری" به جای رسیدگی قانونی به آن و پرده پوشی جرم و به این ترتیب شراکت در آن زیر عنوان "حفظ حرمت" اعتراف می کند. البته این را هم نمی توان ناگفته گذاشت که آیت الله لاریجانی همیشه فرشته عدالت را قربانی "حفظ حرمت" نکرده، به ویژه زمانی که پای "حرمت" و کرامت شهروندان عادی در میان بوده است.

بار دیگر سخنرانی احمدی نژاد برای صندلیهای خالی

جعفر پویه، اول مهر

محمود احمدی نژاد، گماشته مغضوب رهبر و ولی فقیه رژیم جمهوری اسلامی روز گذشته برای هفتمین بار در مجمع عمومی سازمان ملل متحد سخنرانی کرد. هرچند قبل از شروع این سخنرانی صندلیهای بسیاری در سالن خالی بود، اما در حین آن صندلیهای باقیمانده نیز یکی پس از دیگری خالی شد و نمایندگان کشورهای مختلف سالن را ترک کردند. یاهو های گماشته ولی فقیه رژیم آنقدر پوچ و بی معنی بود که حاضران، عطای نشست مجمع عمومی ملل متحد به لقایش بخشیدند و ترک سالن را به شنیدن آن ترجیح دادند.

احمدی نژاد که از قبل گفته بود با طرحی برای مدیریت جهان به این نشست می آید، چیزی جز تکرار حرفهای سابق خود برای ارایه به حاضران نداشت. او و رژیم مدعی رهبری مسلمانان جهان که خود را الگوی مردم منطقه خاورمیانه قلمداد می کنند، حال که دیگر به کلی از قافله عقب مانده و بازی را باخته اند، سعی

دارند تا با تبلیغات علیه ناتو و آمریکا مگر آب رفته را به جوی باز گردانند. دفاع رژیم جمهوری اسلامی از رژیم بشار اسد و حمایت تا دقیقه آخر آن از قذافی در لیبی، دخالت مخرب در امور دیگر کشورها همچون فلسطین، لبنان و عراق باعث نارضایتی بسیاری از مردم منطقه شده است. دفاع از حماس و موضعگیری منفعت طلبانه علیه اسرائیل، رژیم را از طرح فلسطینیها که درخواست به رسمیت شناختن خود را به سازمان ملل آورده اند، بیگانه کرده است. این عقب ماندگی و دست خالی را احمدی نژاد سعی می کند با حمله های تند علیه آمریکا و ناتو جبران کند. طرح پرداخت غرامت به سیاه پوستان از سوی آمریکا و اروپا به دلیل "فرماسیون تاریخی برده داری"، بیش از آن خنده دار است که کسی آنرا جدی تلقی کند، آنهم وقتی برای گزک گرفتن از کشوری ایراد می شود که رییس جمهور آن خود یک سیاه پوست آفریقایی تبار است. همزمان با اجرای این نمایش رقیق، هزاران نفر از ایرانیان آزادیخواه و اعضا و هواداران شورای ملی مقاومت در مقابل ساختمان سازمان ملل علیه حضور محمود احمدی نژاد در این نشست و جنایتهای رژیم ولایت فقیه علیه مردم ایران تجمع کرده و با شعارهای خود به افشای این رژیم دغلكار پرداختند. یاهو بافی احمدی نژاد و انشا ناشیانه او در مجمع عمومی سازمان ملل، نه برای حاضرین در جلسه بلکه، به سوی مردم منطقه بود که رژیم جمهوری اسلامی و ولی فقیه آن از تحولات آنها جا مانده است. اما حرفهای پوچ و بی معنی احمدی نژاد و شعارهای ولی فقیه پسند او نمی تواند تنفر و پس زدن مردم منطقه را اندکی به نفع آنها تغییر دهد.



شهدای فدایی مهر ماه

رفقای فدایی:

چنگیز قبادی - محمدعی سالمی - سید نوزادی - حسن حامدی مقدم - غلامرضا صفری - حسین علی زاده - رحمت شریفی - حسن جلالی نائینی - لقمان مدائن - جهانشاه سمیعی اصفهانی - محمدرضا فرشاد - ژیلای سیاب - پروین فاطمی - اسماعیل بیدشهری - زهرا بیدشهری - مصطفی رسولی - مهرنوش ابراهیمی - منوچهر بهایی پور - سید احمد لاری - کرامت قبادی - زاهد سجادی - سیامک اسدیان (اسکندر) - مسعود بریری - علیرضا صفری - فریبا شفیعی - ایراهیم شریفی - علی حسن پور - محمد کس نزانی - غلامحسین وندادنژاد - پرویز عندلیبیان - مهدی خانزاده - خیرالله حسن وند - عبدالله یزدانی - علی محمدنژاد - مریم توسلی - فاطمه روغن چی - عزت الله معلم - سید ربیع حسینی - رمضان قربانی - شهسوار شفیعی - جعفر دلیر - بهرام بلوکی - روح الله الماسی - غلامحسین مجیدی - احمد سلیمانی - عباس گودرزی - حسن سبعت - حسن جان لنگرودی - کامران علوی - فرشید فرجاد - احمد کیانی، از سال ۱۳۵۰ تاکنون در پیکار علیه امپریالیسم و ارتجاع و برای دموکراسی، رهایی و سوسیالیسم توسط مزدوران رژیمهای شاه و خمینی به شهادت رسیدند.

آدرسهای سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
در شبکه جهانی اینترنت
نشریه نبرد خلق، اخبار و فراسوی خبر، رادیو پیشگام، تحلیل مسائل
روز، دیدگاهها و رویدادهای روز ایران و جهان

www.iran-nabard.com
www.jonge-khabar.com
www.radiopishgam.com
www.fadaian.org

NABARD - E - KHALGH

No : 315 23 sept. 2011 / Price: \$ 1 – 1 euros

Organ of the Organization of Iranian People's Fedayee Guerrillas

Executive Editor: Zinat Mirhashemi

Fax: Italia / 39 - 085 802 53 56

NABARD / B.P. 20 / 91350 Grigny / Cedex / FRANCE

NABARD / P.O Box , 1361 / Paramus.NJ / 07653 U.S.A

NABARD / Casella Postale 307 / 65100 Pescara / ITALIA

www.iran-nabard.com

[E.Mail: nabard@iran-nabard.com](mailto:nabard@iran-nabard.com)

Published by : NABARD CULTURAL ASSOCIATION